

سال نو، سال امید سال پیروزی

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۲۰، دوره سوم، دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۱۵ مارس ۱۹۸۲، بها ۴۰ ریال

در صفحه ۲



درگشاده است...

گردملال آینه‌ها را سترده‌ام .
صحن و سرا به نرگس و سنبل سپرده‌ام .
دیوان خواجه درگف و "ای عاشقان" بلب
شمعی بلند بال
گیرانده‌ام به خون .
پرواز میکند
ماهی در آبدان .
سرسبز گشته سفره زسیمای هفت سین .

پویائی زمان
بیداری زمین .

هم خانه رفته است
هم عود سوخته است
هم لاله قد کشیده در ایوان به انتظار
هم درگشاده است به روی تو ای نگار!

سیاوش کسرائی
اسفند ۱۳۶۰

سال آینده سال عمل است

در صفحه ۱۱

سالروز تصویب قانون ملی شدن نفت و تجربه اندوزی از مبارزات گذشته

در صفحه ۱۵

کارگران متحد توطئه ضد انقلاب را در هم می شکنند

در صفحه ۹

اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب و آزادیهای سیاسی

«داسال سال قانون است»
امام خمینی
در صفحه ۷

نوروز ۱۳۶۱، چهارمین بهار آزادی

رابه هم میهنان زحمتکش و رزمنده صمیمانه شادباش می گوئیم

"اتحاد دموکراتیک مردم ایران" و کارکنان هفته نامه "اتحاد مردم" نوروز ۱۳۶۱، چهارمین بهار آزادی، را به هم میهنان زحمتکش و رزمنده، به قهرمانان جبهه و مبارزان پشت جبهه، به خانواده‌های شهیدان و به جنگ‌زدگان، به همه نیروهای انقلابی و به رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی صمیمانه شادباش می گویند و برای همگان در سال نو، در پیکار علیه امپریالیسم به سرکردگی امریکایی جنایتکار، بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، آرزوی موفقیت دارند.

نوروز: عید مردم

انجام می دادند: خانه تکانی، خانه آرایشی، زیباسازی، دیدوبازدید پی در پی و مادم و شبانروزی، چیدن خوان - های رنگین و ساده (هرکدام فراخور توانایی خویش)، نامه نگاری برای شاد باش گویی، دست زدن به کوشش های تازه برای همراهی و همیاری بیشتر، آشتی دادن آزردهگان با هم، دست - افشانی، پایکوبی و کامرانی تا ۱۳ فروردین، و در این روز - در گلشکته ها و شادی گاه ها - برگزاری آیین بدرود جشن های خوش گذرانی، با دل های مالا مال از امید و شادی برای کار و پیکار و کوشش در راه زندگی هر چه بهتر و کامرانتر.

مردم هوشمند ایران، در زمینه بر - گزاری جشن های سال نو، باورهای خود را نیز از پندارهای سررشته داران جدا ساختند و یکایک برگ های تاریخ را زیر و زبر کرده چنین دریافتند که نخستین "عید غدیر" در ۱۸ ماه ذی حجه سال دهم هجری، با ۲۱ مارس ۶۳۲ میلادی و آغاز فروردین ایرانی هم زمان گشته و در این روز بوده است که حضرت علی از سوی پیامبر به رهبری دینی شیعیان برگمارده شده است. این جا نیز، ایرانیان تیزهوش، آیین های مہمنی خویش را با باورهای دینی هم آهنگ ساختند و بر هر کدام ته رنگ روشن و زیبایی از آن دیگری زدند. از این - روست کده بسیاری از کتاب های دینی بزرگان شیعه، مانند مجلسی و قمی، می خوانیم که امام ها جشن نوروز را گرامی می داشته، خود را برای آن می - آراسته اند و حتی برای لحظه های "تحویل سال" دعا هایی سفارش فرموده - اند. بدین سان، آیین مہمنی - پشوتانه دینی برخوردار گشت.

مردم فرسیدن سال نو را به یکایک هم مہمنان گرامی خویش از هنر زاد و کیش، از کودکان، زنان، مردان، جوانان و سالخوردهگان از ته دل شاد باش می گویم و برای همگی در همه زمینه های زندگی، آرزوی پیروزی و کامیابی می - کنیم. یاد جان باختگان را گرامی می داریم، برای ایشان و خانواده های گرم و دوستانه می فرستیم و برای رزمند - گان جنگ پدافند مہمنی آرزوی پیروزی نزدیک و درخشند می کنیم، تا به هنگام بازگشت، راه شان را از آشک شادی و آفرین های دل بستگی گلباران سازیم. ما را نیز به سزد که همانند سپهر، خانه تکانی کنیم و هر فرسوده زنگار زده را از درون خانه خود به زباله دان روزگار در افکنیم. شیوه ننگین و کهن زمین داری و بازرگانی، که مردم ریگ شوم رژیم پوسیده ۲۵۰۰ ساله است، باید با همه ریشه های آن از بن برکنده شود. بایستی دست بزرگان داران، کلان سرمایه داران، زمین داران و بازرگانان میلیاردر و میلیونر برای همیشه از جان و دارایی و ناموس مردم زحمتکش این سرزمین کوتاه گردد. مردم ایران، والا ترین گذشت ها و جان ناپی ها را از چپش از انقلاب و چه پس از آن، از خود نشان داده اند و می دهند. مردم کار آسوبی های دشمنان درونی انقلاب و امپریالیست های برونی آن را یکی پس از دیگری ناکام ساخته اند و اکنون نیز با همه هستی خویش در آوردگاه هستند. نباید گذاشت که شور انقلابی این مردم نجیب و ارجمند و گرامی در برتگاه سر خوردگی و نومیدی فروغلتد، که دیگر در چنان هنگامی (هرگز مباد) کار به یک باره از کار خواهد گذشت و هر چه مردم بازشته های خونین دل دردمند خویش یافته اند، پنبه خواهد گشت. بی گمان ما سرسختانه باور داریم که هرگز چو دنباله یافتن انقلاب، بر آوردن خواست ها و نیاز های سوزان و ستونده توده های محروم، تهی دست و بینیوی بقیه در صفحه ۷

فصل های گوناگون می چرخید. در پایان های ۵۰۰ یا آغازهای ۶۰۰ میلادی، این جشن یک بار با شانزدهم ژوئن فرنگان (۲۶ خرداد ایرانیان) همراه گشت. از آن پس، هر ۴ سال یکروز این جشن به دنبال افکنده شد و در پیرامون سال ۳۹۲ هـ. به آغاز فروردین رسید. در سال ۴۶۷ تا ۲۳ دژ ماهی "هم زمان گردید و در این هنگام بود که به فرمان جلال الدین سلجوقی، گاه نمای جلالی سامان داده شد و بر پایه آن، جشن سال نو در بهار هر سال (روز رسیدن خورشید به "دژ بره") استوار گشت. بر این پایه، چنین نهاده شد که در هر چهار سال یکروز بر شمار روزهای سال بیفزایند و سال چهارم را ۳۶۶ روز بدانند و پس از هر ۲۸ سال - یعنی گذشتن هفت چرخش چهار ساله - چون چرخش چهار ساله هشتم فرا رسید، به جای آن که به او پانزدهمین سال این چرخش یکروز بیفزایند، این روز را به نخستین سال چرخش سپسین، یعنی چرخش نهم بدهند. بدین گونه، سال جلالی نزدیک ترین سال سراسر جهان به سال خورشیدی راستین گردید: ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه.

نوروز از آیین های بسیار کهن ایرانیان آریایی است. اگر چه در اوستا از نوروز نامی نیست، ولی در برخی از کتاب های دینی دیگر، از نوروز و آیین های ایرانیان یاد کرده اند. در بندهش بزرگ و نیز در دستور بندهش آمده است که: زرتشت سهار با هوو Hvov یا هوگوی Hvogvi زن زرتشت "نزدیک شد و هر بار نطفه ای از او بر زمین آمد، که زیر نگاهداشت ایزداناهیت در دریاچه کسوه Kasouh (پارزه)، شاید برابر با ماهی کذاشته شد. در آن جا کوهی است به نام کوه بزبان، که جایگاه کوهی از پارسیان است: هر سال در نوروز مهرگان، این مردم دختران خود را برای آبتنی در آن دریاچه می فرستند، زیرا زرتشت به آنان گفته است که از دختران ایشان "اوشیدر، اوشیدر ماه و سوشیانس" (نوبه دادگان سه گانه) پدید خواهند آمد. در روزگار ساسانی، به درستی آشکار می شود که ایرانیان جشنی به نام فروردگان (یا فروردیان) داشته اند، که ۱۵ روز به درازا می کشیده است. فردوسی، که بی گمان مایه کار خود را از خدای نامکها گرفته است، در این زمینه (در تاریخ فرمانرانی جمشید) می گوید:

به جمشید بر، گوهر افشاندند
مزان روز را روز نو خواندند
سرسال تو هر مز فرو دین
بر آسوده از زنج، تن، دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و زار مشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن سروران یادگار
نوروز در روزگار چیرگی خودگان
اموی بر ایران، یک چند به دست
فراموشی سپرده شد، لیکن چندی
نگذشت که "نیک اندیشان" درباری در
گوش های آنان زمزمه کردند که این جشن
را تازه سازند و به این بهانه (بهانه
ارمان گیری به شادمانی سرسال نو)
مردم را تاراج کنند. خلیفگان عباسی
نیز به دنبال آنان روانه گشتند و نتا
نواستند، بر شاخ و برگ این آیین های
نوروزی افزودند. این شیوه، تاریخه کن
گشتن آن چنان فرتوت ۲۵۰۰ ساله برجای
بود و هر روز گامی دیگر از آن برگرفته
می شد.

بادام زارها، که سپهر از آمدن بی چون و چرای بهاران برایشان آیینی جاودانه ساخته بود، نرم رگهای نیرومند و جوینده خود را به ژرفای دل این گوی خاکی فرو بردند و شیریه جان بر میکندند تا آن راه توشه سازند، چتری سپید و خوش نگار بر سر گیرند و با آن در زیر باران رگبار سان شیدایی آفرین، به پیشوازش بشتابند، زیرا می دانستند هر سال نو ارمغانی تازه تر، فرگشته تر و آراسته تر به همراه خواهد آورد. شقایق از شادی جان برافشاند و بر برگشت. لاله که می دانست این چند روزه زندگانی گذرای شتابان، جز شادمانی را نمی شاید، همین که زاد، جام برگرفت و بر آن شد که تا نشود، آن را از کف نهد. زمین از دل گرم خویش، دم بر آورد، چنان که گویی در زیر برف آب شونده، آتش افرخته اند. سوسن که آزاده بود، گردن افراشت و نرگس که خود بین بود، پشتش فرو خمید. آن سنبل کیود از میان کشت با سنبل سپید به یک جای شکفت و چشم اندازی پدید آورد همانند پاره های ابر رده بسته بر هوا - کاندرا میانش جای به جای آسمان پدید. از یکسو، یاسن شید با یاسمین به کنکاش در نشست که آرایشگری را شیوه ای نو در افکند و از دیگر سو، خیری زرد با شنبلیله، پگاه زود، همگی از شادی جشن، با خرمنی از گل های رنگارنگ دل انگیز، روانه شدن را در چیدند که هر یک به هنگام، گام به پیش نهند: میوه رسانان زرد آلو، سیب، گلابی، انار، آبی و امروود. هزار دستان که سوز سرمای زمستان دلش را گداخته بود، چیدن آغاز نهاد و با نوبی خوش ترانه سرداد:

ای همه بستانیان!
"اگر نه این معجزه است، پاسختان چیست در نفس ازدها، چگونه رو بیده است این همیاس سپید و سترن سرخ؟"
کیک سر از برف بیرون آورد و همچنان که می خرامید، پاسخ داد:
"آری، معجزه است، معجزه ای از پیوند زناشویی همیشگی و جاودانی آخشیج ها."
تندر غریب بر آورد: "کوهها بشکفتند و از جای بشدند و ابر از شور شادی، جویبار سرشک از چشمه های چشم روان گردانید. به یکباره، در سراسر گیتی، ولولهای در افتاد. آنگاه مرد خردمند فریاد بر آورد:
آه!
ای مردمان!
از سپهر یاد بگیرید.
ای دست هایی که خانه آزادی را ساختید به خواری ساتورهای خون چکان
به خواری سرب های سرد سپیده دم -
این خانه را به خانه آسایش و آمان بدل کنید.
خوشبختی نه افسانه درماندگان است، نه در لابلای نیشته های تاریخ جویده است و نه در درون باغ ها و کاخ های پندار پرداخته. آن را در این سرای، با سه جنگ افزار کار و پیکار و همبستگی به چنگ می آورند. به خواب است آن که راه و بسوم گیتی را نمی داند، نمی بیند.

جشن سال نو را هر مردمی هنگامی می گیرند، ولی آن ایرانیان و هم تباران ایشان از همه پتر است، زیرا با شکوفایی گیتی هم گام است.

آغاز سال نو در این جغسته بوم ارجمند، که "ایران" است، یکم فرور - دین است، که هنگام رسیدن آفتاب است به جایگاه آغازین "دژ بره" و فرا رسیدن بهار شادی آفرین. در روزگار - های باستان، جشن سال نو با گردش سال دیگر می شد و مانند جشن "روزه گشایی" و دیگر جشن های مسلمانی در

سال نو با بلبلان امید، که می خوانند، در آستانه است. سالی که در خون شهیدان غوطه زد، می گذرد. سال نو می آید، با غنچه هزاران آرزوی نوشگفته. سال تو طقه ها و ددمنشی های شیطان بزرگ - آمریکا می گذرد. سال نو می آید، با امیدهای جغسته، با آرزوهای بزرگ.

خلق به پیشواز رزم نو، که در سال ۱۳۶۱ بیگمان در راه خواهد بود، می رود. محرومان بر سفره های تحویل سال نومیثاق ادامه نبرد می بندند. مردمان سرود مقاومت و پیروزی می خوانند و نبرد بزرگ را آماده می شوند.

انقلاب اکنون دیر گامیست که اوام گذار صاحبان اصلی خود - محرومان است. انقلاب مدیون آن است که نان در سفره ندارند، اما خون خویش را بیدریغ بپای نونهای انقلاب می ریزند.

انقلاب راهی جز پیروزی ندارد. پاسخ این همه عشق و ایثار، جواب این همه خون که بر خاک رفته است، هیچ چیز غیر از پیروزی نیست.

سال نو، سال امید، سال تدارک پیروزی قطعی و نهائی است. خلق امیدوار و لیخن در لب، آماده نبرد آخرین است. آماده رزم برای پیروزی قطعی و نهائی است. خلق آماده گلباران کردن سراسر خاک مہمن، آماده بر کردن سفره ها از نان و عشق است. باید از این نیروی سترگ که در خدمت انقلاب است، بهره جست و پیروزی قطعی و نهائی را نزدیک و نزدیک تر کرد.

بیگمان دشمن غدار - شیطان بزرگ آمریکا و تفاله هایش - در تدارک تو طقه - های تازه و خطرناک دیگری هستند. پس باید فریاد "مورگ بر آمریکا" همواره در میهن انقلابی ما طنین افکن باشد. باید همه خلق را زیر رهبری امام خمینی برای مقابله با این تو طقه ها متحد و آماده کرد.

در سال نو باید دین خود را به شهیدان و رزمندگان جبهه جنگ عادلانه در راه دفاع از استقلال و آزادی ایران انقلابی پرداخت و تمام نیرو را برای شکست قطعی تجاوزگران صدامی بکار برد.

شیطان بزرگ - آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش پیروز نخواهند شد، مگر آن که خلق را مایوس و صحنه را از محرومان خالی کنند. و انقلاب به پیروزی قطعی و نهائی نخواهد رسید، جز آنکه سپاه شکست ناپذیر خلق را در صحنه نگهدارد. پس باید به نیازهای خلق پاسخ داد:

باید کارگران و دهقانان - این ستون فقرات انقلاب - را حفظ کرد. در راه اندازی صنایع باید کوشید. قانون کار انقلابی را باید به تصویب رساند. تشکلی صنعتی کارگران را باید بر سمیت شناخت. باید کار را از اسارت سرمایه نجات داد.

باید به دهقان زمین و آب و بذر... داد. کار تصویب قانون اصلاحات ارضی، با حذف جنبه های منفی آن، باید هر چه زودتر در مجلس به اتمام برسد. زمین زار در شهرها هم باید به صاحبان اصلی آن - محرومان - داد. این راه گشایی حل مشکل مسکن خواهد بود. باید در اندیشه سرپناه برای میلیونها زحمتکش بود.

گرانی بیدار می کند. مبارزه با آن، جز باریشه کن ساختن "توربست های اقتصادی" ممکن نیست. مجلس باید لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی را - هر چه زودتر تصویب کند.

در سال نو، بفرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هزاران جوان فریب خورده به خانه های خویش باز می گردند. این باید طلبیه استقرار آزادی کامل فعالیت سیاسی در مہمن ما باشد. دشمن می کوشد برادر کشی را به انقلاب تحمیل کند. انقلاب پاسخ آن را با قانون اساسی و رهنمودهای امام خمینی می دهد. همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باید آزادی کامل فعالیت سیاسی بیابند. روزنامه های انقلابی توقیف شده باید دوباره منتشر یابند. باید دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باز شوند.

چنین است دستور روز انقلاب. چنین است وامی که انقلاب باید به صاحبان خود باز دهد. و اتحاد بزرگ خلق و همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، زیر رهبری امام خمینی بپای انقلاب و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب را تضمین خواهد کرد. پس دستها را بهم دهیم و بسوی ساختن ایرانی مستقل و آزاد و آباد روانه شویم.

در این سفره انقلابی، ایران قهرمان تنهانیست. در سراسر جهان، دوستان انقلاب ما آغوش گشوده اند. هزاران دست از فراسوی جهان بسوی ایران انقلابی دراز شده است. این دستهای دوستی را باید دوستانه فشرده اتحاد را باید در سراسر جهان آوا داد.

و این همه، امید محرومان و زحمتکشان، آرزوی انقلابیون و مہمن دوستان است. آن خونهای گرامی که بر خاک این سرزمین ستم دیده ریخته و می ریزد، راه به سوی آینده درخشان را گشوده است و این همه جانهای شقیقه که آماده رزم و ایثار است، چنین طلب می کند.

چنین اگر شود، پیروزی قطعی و نهائی نزدیک است. هر چند دست یافتن به آن آسان نیست، کار و پیکار می طلبد.

با کار و پیکار خلق، سال نو، سال امید، سال پیروزی خواهد بود.

سال نو سال امید سال پیروزی

طرح قانونی اصلاحات ارضی، پس از تصویب کلیات آن، به کمیسیون بازگشت داده شده است و انتظار میرود که اعضای محترم و فعال کمیسیون کشاورزی هر چه زودتر و دقیقتر مواد و تبصره های آنرا مورد بحث قرار دهند و با توجه به ایراداتی که نسبت به ابهامات و نقاط ضعف و جوانب منفی موجود در طرح وارد است، و با توجه به نظریاتی که ارائه میشود، این طرح را تنقیح و تکمیل کنند. اکنون همه مردم و دهقانان چشم به راهند، تا مجلس هر چه سریعتر وریشه های تریک قانون کامل و کارا و انقلابی را به تصویب برساند، که بتواند مسئله ارضی را حل کند، یعنی (۱) بزرگ مالکی را ریشه کن کند، (۲) دهقانان را زمین و کم زمین زمین بدهد (۳) زمین محو فقر و محرومیت را در روستاها فراهم آورد (۴) شرایط را برای نیل بسوی خودکفائی آماده سازد.

چنین قانونی، که از ابهامات و عیوب و نکات منفی مبری باشد، تحولات عظیم به بار خواهد آورد، که مهم ترین و اساسی ترین آنها، تحکیم جمهوری اسلامی ایران و تقویت و تعمیق انقلاب شکوهمند ما، در هم گویی یکی از مهمترین پایگاه های ضد انقلاب و کشودن راه پیشرفت اجتماعی است. از آنجاکه همه این "بدبختیها" را تجربه خود ما و همچنین تجربه سال زراعی گذشته نیز ثابت میکند، بی مناسبت ندیدیم که در این آخرین شماره "اتحاد مردم" برای سال ۶۰، نظری به درس های سال زراعی که گذشت و مسائل و تنگناهایی که مطرح کرد، بیفکنیم تا به ویژه اهمیت بررسی درست طرح قانونی و ضرورت انجام هر چه قاطعتر و فوری تر اصلاحات ارضی، همراه با تدابیر حیاتی و جدی که باید بدنال آید، روشنتر شود.

کشاورزی و کشاورزان در سالیکه پایان میدهد

طی ماه های اخیر، مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در زمینه سال زراعی گذشته و اقداماتی که تا سال زراعی جدید در خصوص پیشبرد امر کشاورزی و رسیدگی به وضع دهقانان زحمتکش انجام پذیرفته و نقاط قوت و ضعف یکسال کار و کوشش مداوم، سازنده و شمر بخش دهقانان زحمتکش و مسئولین، نظرات و پیشنهادهایی ارائه کرده اند که امید بخش، آگاه کننده و تجربه آموز است. از جمله آقای عاصمی پور، رئیس کل سازمان غله کشور چندی پیش گفته است: افزایش خرید گندم موجب شده است که ۵۰ درصد خرید خارجی کاهش یافته و بدین ترتیب، ۴۲۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی شود.

در زمان رژیم منقر پهلوی، علاوه بر اینکه انحصار تا امپریالیستی ذخائر و دارایی های این مردم رنج دیده را غارت میکردند، در ضمن میکوشیدند که محصولات خود را به کشورما صادر کنند و از این طریق پول دیگری به جیب بزنند. اکنون میتوان امیدوار بود که اگر در آینده پس از اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، تدابیر انقلابی تر و عملی تر در زمینه گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولید محصولات کشاورزی اتخاذ شود، مسلما اقتصاد کشاورزی ما در دستیابی به خودکفائی منطقی و استقلال کشاورزی موفق خواهد شد و مبین انقلابی ما توطئه های گوناگون امپریالیستها و ایادی داخلی آنها، یعنی تروریست های اقتصادی و سیاسی را نقش بر آب خواهد ساخت.

گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولیدات و از این طریق جلوگیری از واردات بی رویه محصولات کشاورزی، از جمله هدف های اساسی و مهمی است که پس از انقلاب همواره توسط مقامات دلسوز و متعهد و انقلابی تعقیب میشود و بدون تردید، پس از انجام اصلاحات ارضی انقلابی، اهمیت بازم بیشتر و حادثری کسب خواهد کرد. تا مین این هدف، خواست دیرینه

تمام توده های میلیونی انقلاب کرده و از جمله دهقانان زحمتکش است. این امر از دو جهت دارای اهمیت اساسی است: اولاً به خواست انقلاب و توده های انقلابی، یعنی استقلال و خودکفائی در زمینه کشاورزی تحقق می بخشد ثانیاً تحولات کفائی در کار و زندگی دهقانان ایجاد میکند.

مبین انقلابی ما اکنون در چند جنبه درگیر نبرد با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است. این جنبه، از نبرد با متجاوزان صدامی گرفته تا مبارزه با توطئه های شیطان بزرگ و پایگاه های داخلی آن، یعنی زمین داران بزرگ و سرمایه داران بزرگ وابسته، تا نفاق افکنان، واپس گرایان و قشریون، که با انجام اقدامات بنیادی مخالفند و هر دو در واقع آب به یک آسیاب می ریزند، رادبر می گیرند.

در این نبرد دشوار و بی غرنج، دهقانان زحمتکش سهم بسزائی دارند آنها هم در جنبه و هم در پشت جبهه برای حفظ دستاوردهای انقلاب

به کشاورزان به آن ۶۰۰ هزار خانوار بی زمین و یک میلیون و دویست هزار خانوار کم زمین به گفته آیت اله امامی کاشانی عبارتست از دادن زمین کافی به آنها اجرای کامل بندهای "ج" و "د" بدون استثنا و بدون راه های فرار برای بزرگ مالکان.

باتوجه به آنچه گفته شد، لازم است که برنامه های همجانبه، انقلابی دقیق و پاسخ ده مسائل و معضلات موجود در زمینه پیشبرد کشاورزی و رفاه حال دهقانان زحمتکش ارائه داد و قاطعانه بدان عمل کرد. برای ارائه و اجرای این برنامه باید از تمام نیروها و امکانات موجود استفاده کرد. باید از اشخاصی که مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران و در این زمینه متخصص و کارآمد هستند، مدد جست. گفته وزیر کشاورزی در این خصوص نیز بسیار ارزنده و قابل توجه است. وی گفت:

"وقتی رهنمودی ارزنده باشد، پیشنهادی سازنده باشد، برنامه و طرحی مفید باشد، هیچ کس جرئت

درسهائی از

سال زراعی گذشته

● نخستین گام برای دستیابی به کشاورزی مستقل و خودکفا اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی واقعی است ● تامین وسایل کشت، آب، ایجاد تعاونیها و برنامه ریزی کشت، ضرورت دارد

نستیم خود کلیه این ادوات و ماشین آلات را بسازیم، ناچاریم برخی از بهترین آنها را از خارج وارد کنیم. اما این بدان معنا نیست هر قیمت (حتی وابستگی به کشورهای امپریالیستی) باید انجام پذیرد. در این مورد هم اصل، نخست جنبه سیاسی و منافع انقلاب و استقلال اقتصادی است و سپس جنبه های فنی. خرید این وسایل باید با قیمت عادلانه و در جهت تثبیت هر چه بیشتر استقلال کشور و بادر نظر گرفتن ضرورت تولیدی و اولویتها باشد. در این زمینه ما می توانیم از کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کمک بگیریم. کمکی گیری از کشورهای دوست و پشتیبان مانند کشورهای سوسیالیستی یا کشورهای ضد امپریالیستی، که تجربه بیشتری دارند و در این زمینه کامیابی هایی داشته اند، همانطور که تجربه ثابت کرده است، نه تنها وابستگی بوجود نمی آورد، بلکه به اقتصاد کشور در راه رسیدن به خودکفائی و استقلال یاری می رساند. خرید ماشین آلات کشاورزی روندی است که باید به تدریج به تولید ماشین آلات در داخل بدل شود، و مهمتر از آن یکی از شرایط عمده خرید آنها را قراردادهای زمان بندی شده برای ایجاد کارخانجات تولید کننده در داخل کشور قرار دهیم.

امکان پذیر باشد، کاریست که در دراز مدت صورت می گیرد و تازه هم مقدار ارضی کافی نیست و هم به درد حالا نمی خورد، و امروز اگر می بینیم که پیشرفت نسبی در زمینه افزایش تولیدات کشاورزی داریم، این امر موقت و تحت شرایط ویژه و یابسته است. وزیر کشاورزی، در همان سخنرانی: "این رشد را بیشتر می شود یک رشد مقطعی اطلاق کرد تا رشد بنیادی"، زیرا که "در مورد زمین یک وضع ثابتی نداشتیم".

در حالیکه زمینداران بزرگ و فئودالها، ارضی وسیعی را بخود اختصاص داده اند و از این طریق نیز کشت و تولید محصولات زراعی را در دست دارند، رسیدن به هدف استقلال اقتصادی، نیل به خودکفائی، از بین بردن فقر و محرومیت و جلوگیری از مهاجرت شدید بی رویه که در مقدمه طرح قانونی ذکر شده امکان پذیر نخواهد بود هم چنین سخن راندن از گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولیدات کشاورزی بدون انجام اصلاحات ارضی بنیادی ناشی از ساده اندیشی است. بزرگ مالکان و فئودالها، کلمه درست نام آنها در لیست "تروریست های اقتصادی" ثبت شده است، از هر وسیله و هدفی برای ضربه زدن به

این راندارد که رد کند و قبول نکند (همانجا) البته وزارت کشاورزی در برنامه ۱۹ ماده ای ارائه شده خود برای پیشبرد و شکوفاندن کشاورزی لزوم انجام اقدامات مفید و سودمندی را گنجانده است، که اگر بطور کامل به اجرا گذاشته شود، بسیاری از معضلات و مسائل موجود در زمینه کشاورزی بزرگ طرف خواهد شد و پاسخ گوی عمده ترین خواست های انقلاب و دهقانان زحمتکش و استقلال و خودکفائی کشاورزی خواهد بود. ولی باید توجه داشت که برای تحقق این امر، یکسری اقدامات عاجل نیز وجود دارد، که باید انجام پذیرد.

نخستین گام: اجرای اصلاحات ارضی بنیادین
اجرای اصلاحات ارضی بنیادین که هم اکنون کلیات طرح قانونی آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و اینک باید کمیسیون آن را مورد بررسی و تنقیح و تکمیل قرار دهد، نخستین و مهمترین گامی است که باید در این جهت برداشته شود. علاوه بر گسترش تعاونی های کشاورزی و یکپارچه کردن ارضی در مقیاس های وسیع و در مناطقی که مستعد برای این امر هستند، سبب بازده مطلوب محصولات میگردد گستراندن سطح زیرکشت و افزایش تولیدات کشاورزی و دستیابی به خودکفائی و استقلال در کشاورزی، امری نیست که بتوان بدون انجام اصلاحات ارضی واقعی بدان دست یافت. دلخوش کردن به ارضی موات و قابل کشت کردن آنها، اگر هم

افزایش تولیدات زراعی، استقلال و خودکفائی کشاورزی و در نهایت ضربه زدن به انقلاب استفاده میکنند، مگر ما شاهد آتش زدن خرمنها نبودیم که بدست ایادی مزدوران انجام میگرفت؟ مگر وزیر کشاورزی نگفت که: "اخیرا این زمینداران زمینهای وسیع خود را با کیفیت بسیار پایین کشت می کنند، تا املاک آنها جزو زمینهای مصادره ای محسوب نشود و دقیقاً در این رابطه است که باید این نوع زمینداران شناسایی شوند، تا بیش از این در راه خودکفائی کشور سد راه نشوند"؟ (روزنامه ها - ۲۶/۶۰)

بنابراین نخستین گام در راه گسترش سطح زیرکشت و تولیدات کشاورزی و از این طریق جلوگیری از واردات بی رویه محصولات و خروج ارز، نیل به خودکفائی و تامین استقلال اقتصادی و اجرای کامل و بدون خدشه قانون اصلاحات ارضی است، در غیر این صورت، همانطور که وزیر کشاورزی هم گفته است: "اگر وضع زمین تثبیت نشود، برنامه ریزی های ما پایه قوی ای نمی تواند داشته باشد. بر این مبنا بر اصلاحات ارضی اسلامی تکیه می کنیم و باید در این رابطه بمورد اجرا گذاشته شود." (زیتون، همان شماره)

واگذاری ماشین آلات مدرن کشاورزی، پایه ریزی سیستم صحیح آبرسانی و رساندن دیگر خدمات کشاورزی
واگذاری ماشین آلات مدرن

ما قدرتی را شیطان می دانیم که بقا و عظمت و رفاه خود را در غارت و ستگری استعماری و نواستعماری، گاه همراه با حیل و گاه همراه با سرکوب خونین خلق های دیگر جهان جستجو میکند. مملکت و معیار سنجش و داوری بهتری نیست که بر آن پایه بتوان گفت: کدام قدرت شیطانی است؟

پس از ایالات متحده آمریکا، که نقشش در جهان اجراء سیاست "چماق بزرگ" بود منافع میلیاردرهای "وال استریٹ" است، قدرت شیطانی دیگری که در کنار "شیطان بزرگ" علیه کشور ما و انقلاب ما همیشه ایستاده است و حتی در مواردی الهام بخش دیگر دشمنان اوست، امپریالیسم بریتانیا است که زمانی "امپراتوری بریتانیا" نام داشت. کوهی از اسناد و واقعیات تاریخی گواه این امر است و خوشبختانه درباره سیاست شوم این امپریالیسم در حق ایران، از طرف ایرانیان تا تلفیفات افشاگرانه متعددی انجام گرفته است.

"امپراطوری بریتانیا" اکنون رسماً وجود ندارد و آنچه وجود دارد، نام "کشورهای مشترک المنافع" (کامن ولث) بر خود نهاده است. ولی امپریالیسم بریتانیا در همین "کشورهای مشترک المنافع" (صرف نظر از چند کشور مستقل و نیمه مستقل) عملاً هنوز هم مواضع غارتگری مهمی را در جهان کنونی برای خود حفظ کرده است و لذا این منبع بزرگ شر را نمی توان و نباید دمی از خاطر زدود. گماکان دستگاه جاسوسی "اینتلجنس سرویس" و سازمان سری "فراماسونری" وابسته به آن در پیشبرد سیاست های نواستعماری امپریالیسم بریتانیا فعالند.

"کشورهای مشترک المنافع" بریتانیا (علاوه بر برخی از کشورهای مستقل مانند جمهوری هند) از اراضی تابعه و سرزمینهای تحت قیمومت و نیز "دومی نیون" های مشترک سابق خود تشکیل شده (که در سراسر جهان پراکنده اند) و این سرزمینها، علیرغم افسول نسبی انگلستان، آن را گماکان و عملاً به یک "امپراطوری جهانی" بدل می سازد. که یک چهارم جمعیت جهان و یک پنجم خشکی را در بر می گیرد. انگلستان در سراسر جهان به کمک کوچ مردمان جزایر بریتانیا، کشورهای مانند کانادا، ایالات متحده آمریکا، آفریقای جنوبی، استرالیا، زلاند جدید، که سکنه آنها در بخش بسیار مهم دارای ریشه انگلیسی هستند و بزبان انگلیسی تکلم می کنند، بوجود آورده است عرصه انگلیسی زبان جهان (انگلو فون) اگر ریشه های نژادی و قومی را در نظر بگیریم بسیار وسیع است و در آفریقا و آسیا نیز زبان انگلیسی رواجی شگرف دارد.

این قدرت غارتگر استعماری اکنون بیش از سه دهه است که بتدریج، با عقب زدن رقیبان امپریالیستی و استعماری دیگر (مانند پرتغال، اسپانیا، هلند، فرانسه، آلمان قیصری، روسیه تزاری)، خود را به همراه "پسرعموی آمریکایی" به "سراهن بین المللی" تبدیل کرده است.

جزایر بریتانیا را رمبهای قدیم "آلبیون" (ALBION) یعنی "جزایر سفیدی" نامیدند. بعدها این "آلبیون" که شکسپیر آنرا "دژی بادبوارهای دریائی" می خواند، به "آلبیون حیلگر" معروف شد. مزه خیانت و حیل و غداری این "آلبیون حیلگر" را، نه تنها کشورهای "جهان سوم"، بلکه همتهای استعماری دیگر، بارها بارها چشیده اند.

انگلساکسونها در سرزمین انگلستان تنها از هزار سال پیش به خلق مسلط مبدل شده اند و همه خلقهای پیش از خود (نرمان ها، سلط ها، سکا ت ها، ویلزها و غیره) را عقب زدند. "کمبرند دریائی" به این غاصبان سرزمینهای جزایر بریتانیا امکان داد، که به "دریازن" (پیرات) درجه اول بدل شوند و ناوگان آنها در دریاهای جهان آزادانه شیار بزنند. وقتی الیزابت اول، ملکه مقتدر انگلیس بر آن شده که سیاست تسلط بر دریاها را اعمال کند، نزدیکترین دستیار او یک راهن تمام عیار دریائی

بنام "بلبک" بود، که ملکه بوی لقب "کاپیتان" داد. این کشور توانست به پررشد ترین کشور اروپا بدل گردد و لذا زودتر به انقلاب بورژوازی و نظام پارلمانی مشروطه دست یافت و از جهت اجتماعی راه خود را جلوگوشود و در سده نوزدهم دوران پادشاهی ویکتوریا به چنان قدرت بدون رقیب صنعتی دست یافت، که او را "کارخانه جهان" نامیدند.

ولی این پیشرفت بر پایه شیوه اقتصادی "مرکانتلیسم" و بسط بازرگانی و ایجاد بازار جهانی سودا شراف بورژوا شده و بورژواهای اشراف منشا انگلستان انجام گرفت. بازرگانی با قدرتی و راهزنی در آمیخت و نقش غارتگری امپریالیسم بریتانیا را تشدید کرد. انگلستان "منافع حیاتی" خود را در اسارت و تاراج خلقهای جهان، بویژه کشورهای "جهان سوم" دید و تحت عنوان کنترل کردن "مراکز سوخت گیری" کشتی های خود، در سراسر جهان، جبل الطارق ها، عدن ها، سنگاپور ها، هونگ کونگ ها و تمام دیگر "سرگردنه ها" را زیر سلطه خود گرفت. انگلیسیان جزیره نشین، بویژه طی قرنهای هجده

آفریقائی ها و اقوام لاتین در آمریکای جنوبی مربوط است و این کشورهای "نا-سیاسی" بیپوده همه معايب خود را به گناه کشورهای غربی منسوب می دارند!

این نوع "تئوریه ها"، بویژه از طرف برخی تئوری بازان انگلیسی مطرح میشود تا پایه معنوی و اخلاقی قیام کشور های مستعمره و نیمه مستعمره را بقول خود، انکار کنند و آنرا "القاءات و تحریکات ابله سیسی کمونیست ها" جلوه گر سازند و بر سرتبه کاری های عظیم تاریخی خود، مانند جنگ افروزی و غارت و سرکوب و پرورش فاشیسم و نژادگرایی و برده داری و دسیسه کارهای ابلهانه برده ساستر بیافکنند. ولی تاریخ وجود دارد و گواه است.

آری، در واقع کشورهای امپریالیستی، و از آن جمله انگلستان، نه فقط "جهان سوم" را به بازار فروش، عرصه سرمایه گذاری، مرکز تدارک مواد خام، پایگاه نظامی، عرصه نفوذ سیاسی، عرصه تدارک کارگران برای خود بدل کرده اند و در حق آنها سیاست "ارزان

نیامده بودند. بقول شاعر معاصر ادیب پیشاوری: "آن شمشید بوستان لندن از یاد سوم از بهارستان هفتدوستان ضیاء و شمش گرفت اگر فردی از "جهان سوم" بخواهد بعنوان انقلابی و میهن دوست بودن مطلب را در بفرنجی واقعی تاریخی اش نبیند و آنرا ساده و یک بعدی کند، البته داوری درستی نکرده است و سخن او فاقد علمیت و پایه کافی واقع است. ولی مبارزه مردم "جهان سوم" علیه سرمایه داران حریص انگلساکسون و سیاست اسارتبار آنها همیشه بحق بوده و بحق است، زیرا توجه به این بفرنجی ها (که از لحاظ علمی و منطقی ضرور است) بدین معنی نیست که ما جنایات بی حد و حصر و غارتگری بی حساب امپریالیسم انگلیس و دیگر همکاران استعمار طلب اروپائی و آمریکائی اش را طی سده های اخیر در "جهان سوم" فراموش کنیم. چنین فراموش کردنی که خود جنایت است!

استعمار طلبان برای تبدیل "جهان سوم" به مصرف کننده کالا های دپوسرعموی انگلساکسون، انگلیس و آمریکا، تا قبل از جنگ دوم جهانی نیمکره های غربی و شرقی را بین خود تقسیم کرده بودند و سهمی نیز به غارتگران دست دوم، مانند فرانسه و هلند و پرتغال و ایتالیا و ژاپن داده بودند.

پس از جنگ دوم، انگلستان در اثر ضعف خود، اولویت را به آمریکا سپرد و این مطلب با لحنی نژادگرایانه (پیوندها انگلیسی زبانها) در نطق ۶ مارس ۱۹۴۶ و اینستون چرچیل در فولتن که دعوت به "جهاد" اتیک ضد شوروی است، منعکس گردیده است. (ر. ک. "زندگی نامه چرچیل" بفارسی، صفحات ۳۷۵ - ۳۷۴) عملاً انگلستان و باران دیگر امپریالیستی زیر جتر حمایتی آمریکا قرار گرفتند و با اجرا سیاست "جنگ سرد" مشترکاً به غارت کشورهای رشد یافته مشغول شدند!

اکنون هم تاجرو و ریکان در توطئه شوم خود علیه صلح و تمدن مشرق و مشرقی داعی یکدیگرند و برای سرکوب جنبش رهایی بخش ملی و رستاخیز استقلال طلبانه خلقهای کشورهای رشد یافته علیه غارتگری های بی بند و بار با هم عمل می کنند.

در نقشه دراز مدتی که برای حفظ تجدید تسلط امپریالیسم بر منطقه انرژی خیز خاور میانه، که هشتصد میلیون تن نفت در سال تولید میکند (۱) کشیده شده، انگلیس و سپس فرانسه دو معاون نزدیک آمریکا هستند، زیرا در غارت ماده خام گرانبها "شیطان بزرگ" همکاری داشته و از این غارت سودهای کلان برده اند. انگلیس که بیست سال پیش قوای نظامی خود را بطور عمده از "منطقه" خارج ساخت، اکنون از آمریکا اجازه یافته، ساخت

امپریالیسم بریتانیا:

قدرت شیطانی دیگری، که در کنار امپریالیسم

آمریکا علیه ایران انقلابی ایستاده است

- ما در سال ۱۳۶۱، موافق همه قرائین و امارات، بسوی موج سیاه تازه ای از توطئه های نظامی - سیاسی امپریالیست ها علیه انقلاب اسلامی ایران می رویم، و در این توطئه ها انگلستان نقش "برادر کهنتر" سر راهن بین المللی - آمریکا را بازی خواهد کرد.
- امپریالیسم بریتانیا در "کشورهای مشترک المنافع" (صرف نظر از چند کشور مستقل و نیمه مستقل) عملاً هنوز هم مواضع غارتگری مهمی را در جهان کنونی برای خود حفظ کرده است.
- گماکان دستگاه جاسوسی "اینتلجنس سرویس" و سازمان سری "فراماسونری" وابسته به آن در پیشبرد سیاست های نواستعماری امپریالیسم بریتانیا فعالند.
- انگلیس که بیست سال پیش قوای نظامی خود را بطور عمده از منطقه خارج ساخت، اکنون از آمریکا اجازه یافته، که بار دیگر از "تجارب مستعمراتی" خود، برای رخنه در شیخ نشین ها و بحرین و کویت و عراق و اردن و عربستان و دیگر نقاط استفاده کند.

نوزده و نیمه اول قرن بیست، آقا و سرور جهانی شدند، که در آن "آفتاب هرگز غروب نمی کرد" و شاعر استعماری انگلیس رودیارد کپلینگ "در اشعار خود با شور تمام این "میهن جهانی مستعمراتی" را ستوده است. انگلستان برای ایجاد این امپراتوری جهانی، که در پایان سده نوزدهم برای هر فرد از ۳۷ میلیون ساکنان آن روز جزیره، بیش از ۱۲ برده رنگارنگ مستعمراتی در جهان تأمین می کرد (!) از هیچ جنایتی خودداری نوزید. حتی وینستون چرچیل مرتجع معروف، در ایام جوانی خود، درباره یکی از این جنگهای مستعمراتی، که علیه جانشینان مهدی سودانی در گرفته بود، درباره رفتار ارتش انگلیس می نویسد: "هنگامیکه ارتش در میدان جنگ، دشمن تسلیم شده و زبون را اینگونه بیازارد و مانده میکروب سرزمینش را به پلیدی بیالاید، آیا برای اینکار جز بربریت و ددمنشی نام دیگری می توان نهاد؟" (زندگی نامه سیاسی وینستون چرچیل - ترجمه ک. کشاورز - صفحه ۴۹).

نویسنده این حملات همان چرچیلی است که پس از جنگ دوم جهانی خواستار شد که به کشورهای سوسیالیستی با بعب اتمی بورش برده شود، یعنی بربریت و ددمنشی را خود نیز خواستار بود.

در واقع ستایش نقش انگلستان و انکار وجود عناصر غارتگری و برده سازی در این نقش، خاص رودیارد کپلینگ و با مداحان گذشته نیست. امروز هم برخی "تئورسین ها"، حتی برخی اندیشه پردازان چپ نمادر غرب، بر آنند که انگلستان و دیگر کشورهای مستعمره جو، در حق آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، نقش "مدنیت سازی" بازی کرده اند، ولی سطح بالای رشد و رفاه خود آنها، گویا محصول عرق و خون مردم "جهان سوم" نیست، بلکه محصول پیشینه عالی تمدنی خود آنها، کار آنها و نبوغ ملی و درایت سیاسی رجال آنهاست! فقر و عقب ماندگی "جهان سوم" نیز به "تبلی و خرفتی نژادی" اسائسی ها،

بخر - گران بفروش" را اجرا نموده اند بلکه در کنار این عمل پلید، به بهره کشی بیرحمانه از زحمتکشان کشور خود، و غارت همتایان اروپائی و آمریکائی خود نیز پرداختند و منبع گنج بادی آورد آنها فقط "جهان سوم" نیست. ولی این امر برای انگلستان افتخاری نمی آفریند و هیچ عاقلی هم آنرا منکر نیست، که دامنه غارتگری بانکداران "سیتی" و لرد های لندن در مقیاس جهانی وسیع است. و احدی نیز تردید ندارد که شکوفائی مدنی اروپای غربی در سده های نوزدهم و بیستم بر سنت نیرومندی از زمان یونان و رم باستان تا دوران "رنسانس" در تمدن اروپائی و بر تلاش داهیهانه زحمتکشان و روشنفکران خلاق این کشور - ها مبتنی است و درست در همین ایام در "جهان سوم"، بععل مختلف، که مهمترین آن استعمار بود، نوعی رکود مدنی نسبی حکمروا بود و حال آنکه چین و هندو ماد و ایلام و بابل و مور و مصر و فنیقه - بنیادگذاران تمدن انسانی هستند. اینها هم کم، منکر نیست. آنموقع که در ساحل گنگ تمدن شکوفائی بود، حتی سکنه اولیه جزایر بریتانیا (گویانورمانها) به این جزیره



مصرفی خودشان البته تا حد معینی ظواهر تمدن مصرفی غربی را به این جهان سرایت دادند، ولی با تمام قوا، و بدست فتوای الهی و کمپرادورهای بومی دست نشانده: شاهان، ملوک، شیوخ، خانها، راجه ها، ماندارین ها، دیپلمات های فاسد خود فروخته، نظامات تباه و ظالمانه را در این کشورها حمایت کردند و این کشورها را بخود وابسته ساختند، خنثیهای رهایی بخش را در این کشورها به خون کشیدند و در عقب ماندگی و محسرومیت های امروزی کشورهای "جهان سوم" بدون کمترین تردید مسئولیت درجا اول دارند. برای مجسم ساختن میزان غارت کشورهای امپریالیستی از کشورهای رشد یافته تنها دو نمونه شاخص ذکر می کنیم:

گسترش جنبش صلح در برابر

تشدید تلاش جنگ طلبانه

امپریالیسم هار آمریکا

سال ۱۳۶۰، از یکسو شاهد گام‌های بیسابقه تنش فزاینده امپریالیسم هار آمریکا در سراسر جهان و از سوی دیگر گسترش جنبش صلح در سراسر گیتی بودیم، که کوشش‌های خستگی‌ناپذیر کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، برای حفظ صلح در مرکز آن قرار داشت. دولت ریگان، همچون همخوان با سیاست خارجی هرچه بیشتر ماجراجویانه خود، بودجه تسلیحاتی "پنتاگون" را از مرز ۲۶۳ هزار میلیون دلار گذراند، که در تاریخ زمان صلح این کشور بی سابقه است. این بودجه سرسام آور، که تنها برپایه کاهش فاجعه بار مصارف رفاهی ممکن شده است، در درجه نخست صرف تولید و توسعه جنگ افزارهای مدرن استراتژیک، چون بمب افکن‌های "بی-۱"، موشک‌های میان قاره‌ای بالیستیک "ام.ا.کس." و زیردریایی‌های "تراپدنت" و سلاح‌های شیمیایی خواهد شد. بدینسان، دولت آمریکا ثابت می‌کند که در آینده نزدیک به هیچ روی حاضر به تصویب "سالت - ۲" و ادامه گفتگو درباره تهدید سلاح‌های استراتژیک نیست.

حداقل دو تصمیم تنش فزاینده دولت ریگان، یعنی تولید با اصطلاح بمب "تمیز" و "انسانی" نوترونی و استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد جدید این کشور در اروپای غربی در سال ۱۳۶۰، میلیونها نفر را به تظاهرات بیسابقه در راه صلح و جلوگیری از فاجعه هسته‌ای در شهرهای بزرگ اروپا واداشت، آنها که دیگر زیر بار "دروغ سده"، یعنی "خطر شوروی"، نمی‌رفتند، انزجار ژرف خود را از اصطلاح "جنگ هسته‌ای محدود" ابراز داشتند. تظاهرات صلح ۱۳۶۰ در اروپا در مقایسه با فعالیت‌های هواداران صلح، خلع سلاح و تنش زدایی در سالهای پیشین دارای ویژگی‌های جدیدی بود: از سازماندهی بهتر تظاهرات، آگاهی بیشتر شرکت‌کنندگان به مسائل پیچیده و فنی مسائل خلع سلاح و بین‌المللی شدن فزاینده جنبش که بگذریم، گستردگی سیاسی-ایدئولوژیک و اجتماعی طیف این جنبش بویژه چشمگیر بود. در حالیکه در گذشته، بویژه کمونیستها در گستره دفاع از امر صلح مسئولیت‌شناسی و ابتکار از خود نشان می‌دادند، در صوف راهپیمایان صلح در سال ۱۳۶۰، نیروها و عناصری نیز در توده‌های میلیونی خود شرکت کردند، که از نظر آرمانی، سازمانی و طبقاتی به هیچ روی همگون نبودند. کمونیستها، سوسیال دمکراتها، سوسیالیستها، لیبرالها، محافظه کاران، پاسیفیست‌های سنتی، روحانیون و حتی سیاستمداران بورژوازی واقع بین به سیاست جنگ افروزان و تنش فزاینده امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و دیگر کشور-های "ناتو" به اعتراض برخاستند. بدینسان، جنبش هواداران صلح در سال ۱۳۶۰ به معنای راستین کلمه جنبشی توده‌ای بود.

ریگان و دارودسته ماجراجوی او، که دیگر نمی‌توانست جنبشی چنین وسیع را نهنه‌ها در اروپا، بلکه همچنین در کشور خود نادیده بگیرد، باردیگر به بهتان و لجن پراکنی متوسل شد و میلیونها تن هوادار صلح و نگران جنگ را "دنباله رومسکو" خواند، که به نوبه خود خشم صلح دوستان سراسر جهان را دوچندان ساخت. هنگامی که این تاکتیک موثر نیفتاد، رسانه‌های گروهی امپریالیستی کوشیدند، تا هدف این جنبش اعتراضی را هر "دو ابر قدرت" معرفی سازند. اما با روشنگری‌های سازمانهای صلح و بویژه پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی این ترفند نیز بزودی با شکست روبرو شد.

جنبش هواداران صلح و کشورهای سوسیالیستی و صلح دوست جهان سیاست تنش فزایی و تسریع مسابقه تسلیحاتی محافظ امپریالیستی را با پیشنهادهای مشخص به منظور جلوگیری از فاجعه هسته‌ای کاهش تشنج و گسترش همکاری مسالمت-آمیز بین‌المللی پاسخ گفته‌اند.

- ۱- برخی از این پیشنهادها عبارتست از:
- ۱- سلاح زدایی عمومی و کامل؛
- ۲- تحدید مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای؛
- ۳- تحدید سلاح‌های استراتژیک؛
- ۴- منع همه آزمایش‌های هسته‌ای؛
- ۵- جلوگیری از نشر جنگ‌افزارهای هسته‌ای؛
- ۶- تضمین‌های امنیتی بهتر برای کشورهای غیرهسته‌ای؛
- ۷- آفرینش منطقه‌های صلح و بری از سلاح‌های هسته‌ای؛
- ۸- منع سلاح‌های شیمیایی؛
- ۹- منع سلاح‌های میکروبی؛
- ۱۰- منع سلاح‌های جدید امحای توده‌ای؛

جهان

درسالی که گذشت

سال ۱۳۶۰، همچون سال‌های پیش از آن، جهان ما صحنه نبرد میان نیروهای صلح، استقلال، دمکراسی، ترقی و سوسیالیسم و نیروهای جنگ، استعمار، استبداد، ارتجاع و امپریالیسم بود. ویژگی این نبرد تاریخی - جهانی در سال ۱۳۶۰ تنها در آن بود که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در برابر پیشروی فزاینده جنبش انقلابی جهانی و جبهه ضدامپریالیستی جهانی دچار وحشت و خشم بی سابقه‌ای شده‌اند، برای جلوگیری از این پیشروی، تمام نیروی جبهه خود را، تاسرحد دست زدن به ماجراجویی‌های خطرناک - خطرناک قبل از همه برای صلح جهانی - به کار انداختند. از جانب دیگر جنبش انقلابی جهانی و جبهه ضد-امپریالیستی جهانی نیز گسترده‌تر، ژرف‌تر، همه‌جانبه‌تر و متحدتر نبرد سرنوشت‌ساز خود را به پیش بردند.

با توجه به صفحات محدودی که در اختیار داریم، گوشیده‌ایم تظاهر این نبرد را در سال گذشته، در چهار زمینه، که به نظر ما از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار بودند، به اختصار از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.



راهپیمائی مردم هلند بر ضد سیاست موشک‌نشانی در اروپا و تولید بمب نوترونی

جنگ تحمیلی و خودفرموده عراق علیه ایران و همچنین به بهانه انقلاب افغانستان به حضور نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند به میزان چشمگیری افزود. اکنون دهها ناوگروه و هزاران تفنگدار آمریکایی به بهانه مقابله با "خطر شوروی" در این آنها مستقر شده است. ایالات متحده آمریکا در کشورهای گوناگون، چون سومالی، بحرین، عربستان سعودی، اسرائیل، مصر، سودان، عمان، پاکستان و دیه‌گواریا به ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی زمینی، هوایی و دریایی دست زد. برای نمونه ستاد فرماندهی "سپاه واکنش سریع" در خاورمیانه و نزدیک در عمان تاسیس یافت و استقرار تا بیش از ۵۰ هزار سرباز آمریکایی در این کشور پیش بینی شده است. چندی پس از ترور سادات خائن، در آبان و آذر سال ۶۰ مانورهای "ستاره درخشان" در مصر، سودان، سومالی و عمان صورت گرفت. در این مانورها، که با برافراشته شدن پرچم آمریکا در صحرای سینا آغاز شد، ۶۰۰۰ سرباز آمریکایی مجهز به تجهیزات نظامی مدرن، از جمله هواپیماهای "اواکس"، بمب‌افکنهای استراتژیک "بی-۵۲" و هواپیماهای جنگنده شرکت کردند. این مانورها، که در واقع تمرینی برای اشغال کشورهای منطقه بود، بحق نگرانی عمیق کشورهای و خلق‌های منطقه را برانگیخت.

یکی دیگر از راههای گسترش حضور آمریکا در منطقه با اصطلاح "سپاه چندملیتی" است، که قرار است به زودی برپایه قرارداد کمپ دیوید و پس از خروج نیروهای اسرائیلی، در سینا استقرار یابد. بدینسان، در واقع اشغالگران آمریکایی جانشین اشغالگران اسرائیلی خواهند شد.

ماههاست که در دیدارهای فرستادگان کشورهای امپریالیستی به منطقه و دید و بازدید-های سران و سیاستمداران رژیم‌های ارتجاعی منطقه از یکدیگر، تدارک بلوک نظامی جدیدی در خاور نزدیک و میانه دیده می‌شود. دستاویز ایجاد این بلوک، که هم‌اکنون با عقد قراردادهای و کمیته‌های مشترک امنیتی بی‌ریزی میگردد، همان‌گونه که انتظار میرفت، مقابله با "خطر شوروی" و "تهدید" انقلاب ایران است.

در دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه در سال گذشته خلق فلسطین نیز یکی از آمج‌های اصلی بود. ریگان و بگین برای رهایی یافتن از بن‌بست "کمپ دیوید" و درهم شکستن جنبش مقاومت فلسطین همه امکانات خود را بسیج کردند. از یکسو، اسرائیل با تهاجمات بی‌دری خود به لبنان از زمین، هوا و دریا، که هدف آنها "نابودسازی" نهضت مبارزان فلسطینی و جنبش مترقی-ملی لبنان بود، هزاران تن از مردم بیگناه را به خون کشانید. از سوی دیگر، دولت آمریکا، به یاری سران مرتجع عرب و طرح‌های اصطلاح صلح و آشتی مانند "طرح فهد"، در صدد ادامه راه "کمپ دیوید" برآمد. روشن است که کشورهای "جبهه‌پایداری" سد این راه بودند و از اینرو از همه بیشتر مشمول توطئه‌های مرگبار امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع شدند.

ریگان در تمام سال کارزار ضدلیبایی خود را گسترش داد. این کارزار از جمله اتهام "تروریسم بین‌المللی"، سرنگون کردن دو جنگنده لیبی، تحریک علیه هواپیماهای مسافربری لیبی در مدیترانه، فراخواندن شهروندان آمریکایی از آن کشور و تدارک قتل قذافی و سرنگونی رژیم ضدامپریالیستی لیبی را دربر گرفت.

سوریه، این کشور "خط مقدم جبهه" نیز همواره آمج توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بوده و هست. سفرهای ارباب آمیز فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، به خاورمیانه و سوریه، خرابکاری و تروریسم قشری نمایان "سیا" - "موساد" پرورده، "آخوان المسلمین" و بخصوص الحاق بلندیهای جولان از سوی اسرائیل به کشور خود، تنها چند گوشه این دسیسه تبهکارانه بوده است.

اما از سوی دیگر، رژیم‌های مترقی و انقلابی و جنبش‌های آزادی بخش منطقه نیز در برابر این هم‌اوردجویی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بی‌دفاع نبوده‌اند. آنها با تکیه بر آرمان‌های استقلال طلبانه و پیشرفت‌جویانه خود و برخوردار از یاری وهمیستی جبهه سترگ و توانمند ضدامپریالیستی، بویژه سوسیالیسم جهانی، در برابر تهاجم گسترده امپریالیسم - ارتجاع به رویارویی دلاورانه پرداخته‌اند. و با گام‌های استوار در راه پیکار با امپریالیسم، صهیونیسم و نواستعمار و در راه آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی گام به پیش می‌نهند.

برابر با ۷۵ و ۱۲ می‌شود. طبق محاسبه‌ای، دستکم ۷۰ درصد درآمد نفتی کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک بجای آن که نصیب مردم این منطقه شود، به جیب کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های چندملیتی سرازیر می‌گردد. اهمیت منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک تنها محدود به منابع نفتی و دیگر مواد خام استراتژیک آن نیست. این منطقه همچنین حلقه حیاتی را در زنجیره پایگاه‌های نظامی گرداگرد اتحاد شوروی تشکیل می‌دهد.

پس از انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران، انقلاب ملی-دمکراتیک "ثور" در افغانستان و اوج گیری پیکار مردم فلسطین در راه پیشبرد حقوق حقه خود، دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل و مرتجعین عرب به اوج خود رسید. بویژه سرنگونی رژیم وابسته پهلوی، که از جانب امپریالیسم، ژاندارمی خلیج فارس به عهده‌اش گذاشته شده بود، محاسبات و "تعادل" استراتژیک امپریالیسم یکباره بهم خورد. امپریالیسم هدفهای استراتژیک و جهادشمول خود - یعنی جلوگیری از گسترش جبهه ضد-امپریالیستی و تقویت ارتجاع جهانی - را بیش از همه‌جا در خاورمیانه در خطر یافت.

دولت آمریکا "سپاه واکنش سریع"، نیروی ضربتی چندصد هزار نفری خود را، که برپایه "رهنمود شماره ۱۸" کارتر برپا شد، پیش از همه، برای ارباب و درهم شکستن رژیم‌ها، جنبش‌ها و نیروهای مترقی منطقه خاور نزدیک و خاورمیانه سازمان داد.

در سال ۱۳۶۰، ما شاهد دسیسه‌های گسترده امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان آن در منطقه بودیم. این توطئه‌ها در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک به بعدهای بی سابقه‌ای دست یافت. بویژه در زمینه نظامی، آمریکا به بهانه

- ۱- تقلیل بودجه‌های نظامی؛
 - ۱۲- کاهش نیروها و سلاح‌های سنتی؛
 - ۱۳- برجیدن پایگاه‌های نظامی خارجی؛
 - ۱۴- تحکیم امنیت اروپا و غیره.
- روغن است که، با توجه به سیاست تجاوز-کارانه و جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا، پیشبرد هدفهای نامبرده، نبردی سهمگین و دیرپا را ایجاب می‌کند. اما بخلاف عقیده جناب هیگ که "چیزهایی هست که مهم‌تر از صلح است!" باید هم‌اوا با شرکت‌کنندگان در راهپیمایی صلح - ۸۱ فریاد برآورد:
- "هیچ چیز مهم‌تر از صلح نیست!"

خاور نزدیک و میانه

گرمترین صحنه نبرد میان نیروهای ضدامپریالیستی و نیروهای امپریالیستی

خاور نزدیک و خاورمیانه در سال ۱۳۶۰ نیز یکی از بزرگترین عرصه‌های ترکانازی امپریالیسم بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، متحدان و مزدوران آن علیه خلق‌های این منطقه بود. منطقه خاور نزدیک و خاورمیانه را سردم-داران آمریکا تاکنون بارها بعنوان "حرم منافع حیاتی" خود اعلام داشته‌اند. برای درک مقاصد چپاولگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم در این منطقه یادآور می‌شویم، که برپایه برآوردی ذخیره نفت هشت کشور حوضه خلیج فارس برابر با بیش از ۶۵ میلیارد تن است، که ۶۵ درصد ذخیره‌های نفتی جهان غیر سوسیالیستی را دربرمی‌گیرد. در سال ۱۹۷۹، کشورهای خلیج فارس ۱/۵۶۵ میلیارد تن نفت استخراج کردند. اروپای غربی ۵۹ درصد مصرف نفت خود را از این منطقه تأمین می‌کند. این درصد برای ژاپن و ایالات متحده آمریکا به ترتیب

غارت محرومان تا کی؟

* قیمت کالاهای اساسی در سال ۱۳۶۰ به نسبت دوسال گذشته تا ۳۵۰ درصد افزایش یافته است.
 * نان ۱۰۰ درصد، گوشت ۹۲ درصد، پیاز ۲۳۳ درصد و سیب زمینی ۱۶۶ درصد نسبت به سال ۵۸ افزایش قیمت داشته است.

" مسئله گرانی و مسئله احتکار و اینها همه که گارا گفته شده است به اینکه اینها را که گرانفروشی می کنند، اینها را داشته باشند که این ملت با خون خودش و با زحمت خودش را از آن اختناق بیرون آورد و مسئله آن نامنی به صورت قانونی را از بین برد. هیچ انصاف نیست که شما با این ملت و با این مستضعفین اینطور کنید. می دانید که گرانی و احتکار تلخی اش به ذائقه مستضعفین و عامه مردم محروم است. (امام خمینی - کیهان - ۵ بهمن ۱۳۶۰)
 آن تلخی که رهبران انقلاب گفته اند، در دوسال گذشته روز بروز بر ذائقه عامه مردم محروم بیشتر و بیشتر شده است.

سبزی درجه یک، که در سال ۵۸ کیلوئی ۴ تومان و در سال ۵۹ کیلوئی ۸ تومان بود، هم اکنون کیلوئی ۱۸ تومان در دسترس مصرف کننده قرار میگیرد. یک خانم خانه دار در یک مغازه سبزی فروشی در خیابان ولی عصر (امیریه) سابق در این مورد میگوید:
 " دست به هرچی که میزنیم گران است. سبزی درجه ۲ که در سال گذشته کیلوئی ۴ تومان بود، امسال به کیلوئی ۱۳ تومان رسیده است. فکوش را بکنید برای یک خانواده چند نفری، که سرپرست آن خانواده هم بیکار باشد، زیر بار این قیمتها رفتن چقدر مشکل است."
 پیاز، که در سال ۵۸ کیلوئی ۳ تومان و در سال ۵۹ کیلوئی ۴ تومان قیمت داشت، زمستان امسال به کیلوئی ۱۳ تومان رسیده، تازه اگر گریباید! یعنی پیاز ۲۳۳ درصد نسبت به سال ۵۸ و ۱۵۰ درصد نسبت به سال ۵۹ گرانتر شده است.

گوچه فرنگی نیز نسبت به سال ۵۸، دوپست درصد گرانتر شده است. قیمت یک کیلو گوچه فرنگی، که در سال ۵۸ شش تومان بود، امسال به کیلوئی ۱۸ تومان رسیده است.
 سبب زمین نیز تا دو سه برابر نسبت به دوسال اخیر گرانتر شده است. یک کارگر بیکار که با سه سرعانه در صف لاینات به انتظار گرفتن شیری برای کودک بیمارش ایستاده است، درباره این غارت بی حساب کلان سرمایه داران میگوید:
 " گرانی که آدم را خرد می کند، از یک طرف بیکاری، از طرف دیگر

سرمایه داران کلان، با افزایش مهار گسیخته قیمت ها زهر به جان مستضعفین می ریزند و آخرین دینار های آنها را غارت می کنند. در اغلب موارد، قیمت کالاهای ضروری، بغیر از موادی که کوبنی شده اند در دو سال اخیر تا ۳۰۰ درصد بالا رفته است:
 - نان ۱۰۰ درصد
 - گوشت ۹۲ درصد
 - سبزی ۳۵۰ درصد
 - حبوبات ۱۶۶ درصد
 - لبنیات ۱۰۰ درصد
 - مواد پروتئینی ۶۷ درصد
 - میوه ۸۷ درصد
 بررسی ما در مورد افزایش ۱۴ رقم کالای مورد نیاز مردم نشان می دهد:

نام کالا	زستان ۵۸	زستان ۵۹	زستان ۶۰	درصد افزایش بین ۵۸ و ۶۰	درصد افزایش بین ۵۹ و ۶۰
نان	کیلوئی ۱۲ ریال	کیلوئی ۲۴ ریال	کیلوئی ۲۴ ریال	۱۰۰ درصد	بین ۶۰ و ۵۹
شیر سه گوش	" ۵ "	" ۹ "	" ۱۰ "	" ۱۰۰ "	۱۱ درصد
گوشت دولتی (بخزده)	" ۱۳۰ "	" ۲۵۰ "	" ۲۵۰ "	" ۹۲ "	"
مرغ دولتی	" ۱۴۰ "	" ۲۱۰ "	" ۲۳۵ "	" ۶۷ "	" ۱۱/۹ "
سبزی درجه ۱	" ۴۰ "	" ۸۰ "	" ۱۸۰ "	" ۳۵۰ "	" ۱۲۵ "
سبزی درجه ۲	" ۳۰ "	" ۵۰-۴۰ "	" ۱۳۰ "	" ۳۳۳ "	" ۱۶۰ "
پیاز	" ۳۰ "	" ۴۰ "	" ۱۳۰ "	" ۲۳۳ "	" ۱۵۰ "
گوچه فرنگی	" ۶۰ "	" ۱۰۰ "	" ۱۸۰ "	" ۲۰۰ "	" ۸۰ "
بادمجان	" ۳۰ "	" ۷۰ "	" ۹۰ "	" ۲۰۰ "	" ۲۸ "
سیب زمینی	" ۳۰ "	" ۵۰ "	" ۸۰ "	" ۱۶۶ "	" ۶۰ "
لوبیا سفید	" ۷۰ "	" ۱۱۰ "	" ۱۶۰ "	" ۱۲۸ "	" ۴۵ "
چشم بلبلی	" ۱۰۰ "	" ۱۴۰ "	" ۱۸۰ "	" ۸۰ "	" ۲۸ "
سیب درجه ۲	" ۸۰ "	" ۱۰۰ "	" ۱۵۰ "	" ۸۷ "	" ۵۰ "
نارنگی درجه ۱	" ۱۳۰ "	" ۱۵۰ "	" ۲۵۰ "	" ۹۹ "	" ۶۶ "

کمک برای بی نیازی از کمک

در گفتگو با الجزایری ها اغلب این نظر شنیده می شود که: " ما خواهان آنگونه کمکی هستیم، که ما را به بی نیازی از کمک دیگران کمک کند."
 قصد الجزایر مبنی بر گسترش مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی نشان می دهد که کشور های نامبرده بویژه پاسخگوی نظر الجزایری ها در زمینه تامین استقلال اقتصادی خویش هستند. چندی پیش سمیناری درباره بازرگانی و همکاری الجزایر با کشورهای سوسیالیستی در اجزای برگزار شد، که سرپرستان مرسوم های بازرگانی و اقتصادی کشور

های " شوروی همپاری اقتصادی " در این کشور و نمایندگان دبیرخانه این شور و بانک بین المللی همکاری اقتصادی در آن شرکت جستند.
 هفته نامه الجزایری " رولوسون آفریک " در این باره نوشت:
 " درباره مزایای گسترش بازرگانی و همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و امکانات فراوانی، که در این زمینه موجود است، هیچگونه تردیدی نیست."
 همکاری میان الجزایر و اتحاد شوروی تاکنون سودمندی خود را اثبات رسانده است. اتحاد شوروی تا به حال بیش از صد کارخانه بزرگ در الجزایر احداث کرده است، که مجتمع فولاد "الحجر" تنها یکی از مهم ترین آنها

نتایج کنفرانس علمی آکادمی علوم اتحاد شوروی

بمناسبت سومین سالگرد انقلاب ایران:

انقلاب ایران مواضع امپریالیسم جهانی

در خاور نزدیک و میانه را

ضعیف خواهد ساخت

انقلاب ایران همچنان در راه تقویت استقلال

اقتصادی و سیاسی خودگام بر می دارد

راد یوسکو در برنامه مورخ ۱۴/۱۲/۶۰ خود، از نتایج کنفرانس علمی، که بمناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران در آکادمی علوم اتحاد شوروی برگزار شده، گزارشی داده است. در این گزارش آمده است:

" در آکادمی علوم اتحاد شوروی در مسکو یک کنفرانس علمی، که به انقلاب ایران اختصاص داشت، برپا شد. این کنفرانس که دو روز جریان داشت، مورد توجه فراوان دانشمندان خاورشناس شوروی قرار گرفت. لازم به تذکر است که راجع به انقلاب ایران منظم کنفرانس هائی تشکیل می شود و گروهی نتایج هر سال را که از روز پیروزی این انقلاب می گذرد، تراز بندی می کنند. کنفرانس اخیر سومین کنفرانس بود و بمناسبت سومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی، ضد - سلطنتی در ایران برپا شد. در این کنفرانس بیست گزارش درباره جوانب مختلف انقلاب ایران ایراد شد و در آنها تحولاتی که رهبری جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت انقلاب انجام می دهد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مهمترین موضوعی که در کنفرانس مسکو مورد بحث قرار گرفت، این بود که سال سوم انقلاب ایران امکان داده چیزی را ببینند، چه عواملی را شناسایی کرده و تثبیت نمود و کدام مسائل را برای آینده مطرح نمود.

تاریخ دانان، اقتصاد دانان، حقوق دانان و متخصصان و کارکنان ادارات مختلف اتحاد شوروی، که در این کنفرانس سخنرانی کردند، بویژه به این نکته اشاره نمودند که جریان سال سوم انقلاب ایران صحت سخنان برژنف دسپر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در ۲۶ دسامبر ۱۹۶۰ مینگه حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی کاملاً تأیید کرده یک سال پیش گفته بود:
 " این انقلاب اصولاً یک انقلاب ضد امپریالیستی است، هر چند ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می کند خصلت آنرا تغییر بدهد."
 صالح علی اف تاریخ دان شوروی طی گزارش خود زیر عنوان " مهم ترین مسائل انقلاب ایران در مرحله کنونی" گفت:

" گرایش ضد امپریالیستی همچنان مهمترین خصلت انقلاب ایران در مرحله کنونی تکامل این انقلاب است."
 به عقیده صالح علی اف گرایش ضد امپریالیستی در آینده هم شدت خواهد یافت، و در نتیجه موقعیت و مواضع امپریالیسم جهانی در خاور نزدیک و میانه ضعیف تر خواهد شد، با توجه به اینکه امپریالیسم از تلاش خود برای برقراری مجدد رژیم سلطنتی در ایران، رژیمی که مردم ایران این همه از آن نفرت دارند، دست برنداشته.
 در کنفرانس مسکو نسبت به سیاست دول امپریالیستی به سردمداری ایالات متحده آمریکا در مورد جمهوری اسلامی ایران توجه خاصی مبذول شد. سخنرانان ماهیت خصمانه این سیاست را، که هم شیوه های فشار نظامی و شانتاژ سیاسی و هم تلاش برای اختناق اقتصادی انقلاب ایران را بکار میبرد، افشا ساختند. در این کنفرانس علمی نسبت به مسائل همکاری جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی توجه زیادی مبذول شد. مثلاً یاکوبوف نماینده کمیته دولتی روابط اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای خارجی، وابسته به شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی، گزارش خود را به مسئله " همکاری اقتصادی و فنی بر حقوق و متقابلاً سودمند میان اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران" اختصاص داد و با ذکر ارقام و حقایق مشخص نشان داد که سال سوم انقلاب ایران از لحاظ گسترش روابط اقتصادی اتحاد شوروی و ایران مشخص بود و این امر به نحوی موثر به تقویت استقلال اقتصادی ایران کمک می کند. یاکوبوف گفت:
 " گسترش بیش از پیش این روابط یک ضرورت عینی است، زیرا این جریان به تامین منافع اقتصادی دو کشور کمک می کند."
 شرکت کنندگان در کنفرانس بارضامندی سخنان یاکوبوف را درباره نتایج مذاکرات اخیر مسکو با هیئت نمایندگی ایران به ریاست حسن غفوری فرد وزیر نیروی جمهوری اسلامی ایران تلقی کردند. در جریان این مذاکرات طرف ایران تأکید کرد که همکاری با اتحاد شوروی منجمله در مورد رشته تولید انرژی برای کشورتان اهمیت بسیار زیادی دارد.

به عقیده همه شرکت کنندگان در کنفرانس علمی، نتیجه کلی کنفرانس این است که، علیرغم ادعاهای مبلفین امپریالیستی مبنی بر اینکه گویا رژیم موجود در ایران بزودی سقوط خواهد کرد، جمهوری اسلامی ایران همچنان در راه تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی خودگام بر می دارد.



نوروز: عید مردم

پنجم، رصفحه ۲

خلق است. کوتاه کردن دست بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران از جایگاه جهان داری و فرمانرانی به شیرین و شور انگیزترین گونه های انجام یافته است و ما از این کار بسی خرسندیم و از این دست آورده های انقلاب برخوردار می- باشیم. اکنون باید دستاورد پلید و آلوده اقتصاد رایگان خواران از جایگاه های اقتصادی (کشاورزی و بازرگانی) کوتاه گردد. بزرگ زمین داران تا چند باید فرآورده زنج و خون دل کشاورزان را به یغما ببرند؟ بازرگانان میلیونر تا چند باید فریبه تر و گردن سترتر شوند و میلیارد گردند؟ چرا بایستی گذاشت که سودجویان، شرایط دشوار جنگی را دستاویز کنند و جان مردم را از بار کمر شکن گران برب آورند؟ سود سرشار جز فرآورده بهره کشی انسان از انسان نیست و این چیزی است که در آیین اسلام جزو "گناهان بزرگ" به شمار آمده و به سختی ناروا شمرده شده است. همه بزرگ تران و پیران ما به یاد می آورند که این هکتار هکتارهای زمین زمین- داران بزرگ، از راه سندسازی، زور گویی، انداختن گزها، داروغه ها، دشت بان ها و میراب ها به جان کشاورزان خرده پا، رباخواری، نوشتن سند های "بیع شرط"، بردن سود "ده چهل"، آبروریزی و گونه گونه شیوه های چپاول گری به جنگ آورده شده اند. یکسانتی متر از زمین های زمین داران بزرگ از راه "حلال" کسب نشده است. ما در همین عمر کوتاه خود با چندین میلیون چشم گواه بوده ایم که زمین های خرده مالکان با چه شیوه هایی در سال های خشکی، تنگی و تنگدستی از جنگ شان بیرون کشانده اند: حرام اندر حرام اندر حرام. یک تن از ایشان پیش از آنکه خمس و زکات نپرداخته و مالی در راه دین هزینه نکرده، مگر گاه وقف کردن یعنی در واقع پیشکش کردن به دربار- های پلید و آزمند صفوی و قاجاری و پهلوی برای بستن دهان دمدار و چاپیدن هرده و روستا. بی خود نبود که بنای سخرساری گرامی (پروین اعتصامی) روی سخن به انوشیروان "عادل و روضا خان زورگوی آورد و سرود: ویرانه شد زلم تو هر مسکن و دهی بیغما گراست چو تو کوسی، پادشاه نیست زمین های ملوگانه و "خالصه" و صرافی ها و اربابی را بنگرید و دارایی زمین داران بزرگ و بازرگانان میلیونر را بر آن قیاس بگیرید.

اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب

و آزادیهای سیاسی

"امسال سال قانون است" (امام خمینی)

آخرین روزهای "سال قانون" را پشت سرمی گذاریم. تلاش وسیعی که از جانب نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و سایر مدافعان انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران برای استقرار قانون از مدت ها پیش آغاز شده است با جدیت دنبال می شود. ما برای آنکه، به سهم خود، به استقرار قانون و بویژه بخش مربوط به آزادیهای سیاسی آن، که اکنون دیرگامیست در دستور روز انقلاب است، یاری رسانده باشیم، در شماره های قبل سخنان رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور را درباره آزادیهای سیاسی منتشر کردیم. در شماره قبل، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره آزادیهای سیاسی انتشار دادیم. در این شماره اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب را، که در تاریخ ۱۹ فروردین ۶۰ منتشر شد، از نظر خوانندگان می گذرانیم:

- بسمه تعالی بدینوسیله به اطلاع می رساند که از تاریخ صدور این اطلاعیه مورخ ۱۳۶۰/۲/۱۹، کلیه احزاب و گروهها موظفند این نکات را رعایت کنند: ۱- نشر مطبوعات، روزنامه، هفته نامه، ماهنامه، سالنامه، منوط به کسب اجازه از وزارت ارشاد اسلامی است. ۲- برگزاری میتینگ و تظاهرات با توجه به شرایط جنگی، منوط به اجازه وزارت کشور است. ۳- ایجاد دفاتر حزبی و گروهی، منوط به اطلاع وزارت کشور است تا امکان نظارت قانونی از جهات مذکور در اصل ۲۶ قانون اساسی فراهم باشد. ۴- هیچ حزب و گروهی حق مسلح کردن اعضا و استفاده از سلاح ندارد و متخلفین تحت تعقیب قانونی قرار می گیرند. ۵- از تاریخ صدور این اطلاعیه، کلیه احزاب و گروههای مسلح موظفند سلاحهای خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا مقامات انتظامی با اخذ رسید تحویل دهند. ۶- کلیه احزاب و گروههایی که بر ضد جمهوری اسلامی ایران اعلام مبارزه مسلحانه کرده اند، چنانچه موضع قبل خود را رها نکنند و سلاحهای خود را تحویل سپاه پاسداران یا مقامات انتظامی دهند و موضع جدید خود را رسماً اعلام نمایند، می توانند در چارچوب قانون فعالیت سیاسی داشته باشند، در غیر اینصورت طبق قانون در دادگاههای انقلاب محاکمه می شوند و بر اساس قوانین اسلامی مربوط به محارب با آنها رفتار خواهد شد. ۷- کلیه احزاب و گروهها در بیان آرا و افکار سیاسی آزادند، به شرط اینکه مشتمل بر دروغ، تهمت و تحریک نباشد. ۸- احزاب و گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم کاری، تحصن یا هر نوع اخلال در موسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود، متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند. ۹- کلیه احزاب و گروهها اجازه مناظره و بحثهای عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا می باشند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر نداده اند. ۱۰- کلیه احاد ملت و دستگاههای انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروههایی که فعالیت شان از طریق مقامات مسئول مملکتی، غیر قانونی اعلام نشده می باشد. مقامات قضائی و انتظامی موظف به اجرای این تصمیمات هستند و احزاب و گروههای متخلف طبق موازین محاکمه و مجازات می شوند. این اطلاعیه برای دادسرا و دادگاههای انقلاب سراسر کشور، حکم دستور العمل کتبی را دارد.

دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران علی قدوسی

بعد از انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب، که به امضای شهید آیت اله علی قدوسی دادستان کل انقلاب وقت بود، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و همه مسئولان کشور این اطلاعیه را تأیید کردند:

تأیید رهبران انقلاب شهید محمد علی رجائی نخست وزیر وقت و آیت اله مهدوی کنی وزیر کشور وقت، شب سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، در یک مصاحبه رادیو- تلویزیونی اعلام کردند: "اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل انقلاب در واقع حاصل نشست های متعدد مسئولان کشور برای تصمیم گیری درباره احزاب، سازمان ها و گروههای سیاسی است". شهید رجائی در این برنامه گفت: "اطلاعیه ۱۰ ماده ای با نظر امام تهیه شده است". شهید دکتر بهشتی شهید آیت اله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور وقت بدفعات اطلاعیه ۱۰ ماده ای را تأیید کرد. شهید بهشتی در مصاحبه هفتگی خود در روز ۶۰/۲/۹ گفت: "طبق اطلاعیه دادستانی انقلاب، گروهها باید بدانند که اگر دست از دشمنی با مردم و اسلام و جمهوری اسلامی بردارند و با رعایت مقررات و قوانین و نظم اجتماعی خواستار امکانات و آزادی مشروع برای فعالیت های فرهنگی و سیاسی باشند، این آزادیها، همانطور که در اعلامیه دادستانی آمده

است، تأمین است". (روزنامه ها- ۱۰ اردیبهشت ۶۰) شهید بهشتی در مصاحبه دیگری در روز ۱۳۶۰/۲/۱۷ گفت: "در جلسهای که از سوی مسئولان قضائی و مسئولان اجرائی در زمینه امنیت محیط اجتماعی تشکیل شد، برای اجرای بیانیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب که با تصویب شورای عالی قضائی تهیه شده بود، راههای عملی پیشنهاد و تصویب شد. هدف این است که آزادیهای مشروعی که در قانون اساسی بر اساس تعالیم اسلام برای انسان، افراد یا گروهها و جمعیتها وجود دارد، تأمین و حفظ شود و اگر افراد یا گروههایی که از قانون سرپیچی می کنند و متخلف هستند، بر طبق موازین قانونی جلوی تخلفات آنها گرفته شود". (کیهان- ۱۷ اردیبهشت ۶۰)

شهید محمد علی رجائی شهید محمد علی رجائی نخست وزیر وقت در مصاحبه رادیو- تلویزیونی سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۶۰ گفت: "اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب در واقع نشان دهنده موضع دولت در برابر احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی است و مقامات مسئول کشور بر آنند که بر اساس قانون اساسی این اطلاعیه را اجرا کنند". روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ شورای امنیت کشور به ریاست شهید رجائی تشکیل جلسه داد و در پایان اعلامیه زیرین را صادر کرد: "هموطنان عزیز و مبارزان! صدور اطلاعیه دادستان کل انقلاب مبنی بر حدود اجرای آزادیهای احزاب و گروههای سیاسی باریک فرصت مناسبی به احزاب و جمعیتها داد که بخواهند در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی فعالیت کنند. این فرصت مورد توجه و استقبال بسیاری از گروههای موافق و مخالف قرار گرفت". (کیهان- ۶۰/۱/۱۰)

شهید آیت اله علی قدوسی، که اطلاعیه ۱۰ ماده ای به امضای او منتشر شده بود، باریک در اعلامیه مورخ ۱۴ خرداد ۶۰ بر اجرای اطلاعیه تأکید کرد: "امت مسلمان و شهید پرور ایران! بدنبال انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل انقلاب در تاریخ ۶۰/۱/۱۹ تاکنون، که حدود ۲ ماه از انتشار آن می گذرد، عکس العمل های متفاوتی از سوی گروهها و احزاب مشاهده شده است. دسته ای از احزاب و گروهها با استقبال از این اطلاعیه خواهان اجرای مفاد آن شدند و دستگاههای قضائی کشور و دولت نیز تا آنجا که در توان داشتند در اجرای مفاد مندرج در اطلاعیه و تضمین آزادیهای قانونی مذکور در آن کوشش نمودند... مردم قهرمان ایران نیز نسبت به گروههایی که حاکمیت قانون را پذیرفته اند، با بصیرت انقلابی و سه صدر برخورد کرده و به آنان فرصت طرح افکار و عقایدشان را در محدوده قانون داده و با مسئولین نیز در این امر همکاری را می نمایند". (۱۶ خرداد ۶۰- روزنامه ها)

حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب

بعد از شهادت آیت اله علی قدوسی، حجت الاسلام موسوی تبریزی در سمت دادستان کل انقلاب قرار گرفت. ایشان هم بدفعات بر قانونی بودن اطلاعیه ۱۰ ماده ای تأکید کرده است: "اطلاعیه ۱۰ ماده ای بقوت خود باقی است". (اطلاعات- اول آذر ۱۳۶۰) "این اطلاعیه همچنان معتبر خواهد بود و هیچ اشکالی هم ندارد". (اطلاعات- ۱۵ اسفند ۱۳۶۰)

دادستان کل کشور

آیت اله عربانی امشی دادستان کل کشور درباره اطلاعیه ۱۰ ماده ای گفته است: "اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل انقلاب هنوز بقوت خود باقی است". (اطلاعات- ۱۸ شهریور ۱۳۶۰) "چیزی که دانستنش لازم است این است که ضابطین قوه قضائیه معترض چه کسانی به عنوان ضدانقلاب می توانند بشوند که در این خصوص بهترین معیار فعلاً همان اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب است، که با تصویب شورای عالی قضائی داده شده بود". (اطلاعات- ۸ آذر ۱۳۶۰)

اتحاد نیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهائی انقلاب است

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

بودجه باید در دستضعیفین را

درمان کند

ملی کردن تجارت خارجی را یکی از راه های مبارزه با گرانی و تورم خواند و گفت: "تجارت خارجی ملی تنها در این بعد مطرح نیست که کالاهای را که ما وارد می کنیم، بعد در اختیار بازار بگذاریم، تا به هر شکلی که دلشان می خواهد، به چندین برابر قیمت بخرند و نخرند، وقتی تجارت خارجی ملی شد، که انشاء الله در فروردین ماه (سال آتی) لایحه اش تقدیم مجلس خواهد شد، بعد برای آن است که این را در اختیار شبکه های تعاونی بگذارند و شبکه های تعاونی، با سود مختصر و اندکی که تا همین حقوق پرسنل شان را بکنند، این کالا را در اختیار بگذارند."

این پیشنهاد نیز رای لازم را نیاورد و رد شد. مجلس شورای اسلامی در دومین جلسه علنی خود در هفته گذشته، که در ۱۸ اسفند ۶۰ تشکیل شد، بر روی لایحه بودجه سال ۶۱ را آغاز کرد. در این جلسه، ابتدا حاجت الاسلام ها شمس رفسنجانی رئیس مجلس، از مرگ ناگهانی آیت الله ربانی شیرازی عضو شورای

بحث، یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که "کمیسیون کار و امور اجتماعی" به دلیل اهمیتش از "کمیسیون امور اقتصاد و دارایی" تفکیک شود، کمیسیون کمالی نماینده تهران در دفاع از این پیشنهاد گفت: "اگر بپذیریم که روابط (گذشته) ظالمانه بوده، قوانین طاغوتی و ظالمانه است، این قوانین باید تغییر کنند و این قوانین در رابطه با ۹ میلیون کارگزار است. برای این ۹ میلیون کارگر آیا ما آن قدر نماینده را قرار می دهیم که کار کنند؟ مسئله بعد اینست که برای آن طرحی می کنند که وزارت کار لایحه نمی آورد خوب نیاورد، ۱۵ نفر نماینده میتوانند طرح بدهند، کمیسیون کار کند، طرح را به امضای ۱۵ نفر برساند، اصلاحی را بر این می گذاریم که وزیر هم مخالف باشد. اگر نمایندگان به یک مسئله ای رسیدند، معتقدند و تصویب کردند، می بایست اینجا از آن دفاع کنند. بگذارید وزیر مخالف باشد، بیاید اینجا مخالفت کند. ما نظرات برحقمان در مقابل وزیر، نماینده دولت، دفاع می کنیم. حتماً لازم نیست که دولت لایحه بیاورد، خودمان طرح می دهیم. بنابراین مسئله این نیست که کار نشدنی است، مسئله این نیست که ما نیاز به قانون کار نداریم، مسئله اینست که ما چگونه با مسائل کارگری آشنا نیستند و نمی توانند کار کنند، فضا را گرفته اند و بعد هم می گویند کار نمی شود، ترکیب این دو قسمت، همانطور که یکسال تجربه شده و مسائل کارگری لاینحل مانده، باز هم مسائل کارگری را عقب خواهد انداخت."

- * حسین کمالی نماینده تهران: مسائل اقتصادی کشور در رابطه مستقیم با مسائل کارگری است. اگر به این مسائل توجه نکنیم، فردا پشیمان خواهیم بود.
- * هراتی نماینده سبزوار: آمریکا امروز امیدش را در رابطه با شکست اقتصاد ما قرار داده است.
- * موتضی الویری نماینده دماوند: سودی که بخش تجارت و این واسطه ها بردند، سرسام آور است.

نگهبان اظهار تاسف و از خدمات او تقدیر کرد. آنگاه مجلس وارد دستور شد و مقرر "کمیسیون برنامه بودجه" لایحه بودجه را مطرح کرد. سپس موافقین و مخالفین لایحه بودجه سخن گفتند. مجید انصاری نماینده زرنج، ضمن مخالفت با لایحه بودجه، اخذ مالیات مستقیم را از "بهترین شیوه" های "تامین درآمد دولت خواند و بر لزوم افزایش مالیات مستقیم تاکید کرد. هراتی نماینده سبزوار، موافق لایحه بودجه، با اشاره به مسئله تورم

پس از سخنانش پیش از دستور بحث درباره مواد طرح آئین نامه داخلی مجلس ادامه یافت. در بحث درباره کمیسیون های مجلس، اعظم طالقانی نماینده تهران، پیشنهاد تشکیل کمیسیونی برای خانواده داد و وی در توضیح پیشنهادش، با اهمیتی که قانون اساسی برای این مسئله قائل شده، اشاره کرد و گفت که در طول مدتی که از تشکیل مجلس میگذرد، هنوز کاری برای خانواده صورت نگرفته است. درباره این پیشنهاد برای گیری به عمل آمد و رد شد. همچنین در جریان این

اهداف با برنامه ریزیها منطبق نیست و در دستضعیفین را چندان درمان نمی کند. یکی دیگر از مخالفین لایحه بودجه احمد ملازاده بود. وی از جمله گفت: "پس از گذشت سه سال از پیروزی انقلاب، هنوز کارگزاران سازمان برنامه بودجه به این نتیجه نرسیده اند که سیستم مالکیت نظام گذشته را دنبال نکنند". غیر واقعی بودن درآمد در این بودجه کاملاً مشهود است و این در اثر ناصح بودن سیستم اخذ مالیات است و لازم است مالیات از فروشنده گان عمده کالا و تجار اخذ گردد نه اینکه از طبقات ضعیف و پامتوسط. احمد ملازاده در پایان بر ضرورت ایجاد مرکز خدمات سیستم نظارت و کنترل دقیق بر قیمت ها و همچنین ایجاد سیستم مالیاتی سالم تاکید کرد. ناطق بعدی، حاجت الاسلام خلخالی، موافق لایحه بودجه، از جمله گفت: "دولت می خواهد مالیات بر درآمد وصول کند و باید این عمل را گسترش دهد. دولت در فکر این است که تک تک محتکرین را گرفته و به سزای خودشان برساند. دولت می خواهد سرمایه گذاری در صنایع تولیدی را افزایش دهد و یا کوتاه کردن دست واسطه ها و دلال ها، تا آنجا که می تواند، قیمت ها را تثبیت کند."

ناطق در بخش دیگری از سخنانش گفت: "آمریکا امروز امیدش را در رابطه با شکست اقتصاد ما قرار داده است و در این رابطه چند طرح دارد: طرح اول آمریکا ادامه جنگ است. طرح دومش عدم خرید و یا حداقل خرید در زمینه نفت، مرحله سوم افزایش هزینه واردات و مرحله چهارم ممانعت از تولید داخلی است. سید عبدالواحد موسوی لاری مخالف بعدی لایحه بودجه گفت: "ما با بودجه ای روبرو هستیم که برخلاف آن چیزی که در مقدمه آن آمده،

با استفاده از همه نیروهای مدافع انقلاب میتوان ساخت، هیچ نیرویی نه در ایران، نه در هیچ جای دیگر جهان قادر نیست به تنهایی چرخ های عظیم اداره کشوری را به حرکت درآورد. ما امیدواریم که ره نمودهای رئیس جمهور عظمی گردد و راه برای استفاده از نیروهای دلسوز و انقلابی هموار گردد. (۶۰)

رئیس جمهور، هفته گذشته در دیدار با وزیر صنایع و مسئولین این وزارتخانه با دیگر بر ضرورت جذب نیروهای متخصص تاکید کرد. رئیس جمهور گفت: "ما هم مدیریت مکتبی را قبول داریم و افراد مکتبی باید تخصص هارا به کار گیرند. مکتبی ما باید مانند سوزن بان قطار خط را برای حرکت آن مشخص کند. وقتی که فردی مدیر و مکتبی را سرکاری می گذارید، او باید افراد متخصص را بخواند و ببیند، بطور ناخود آگاه افرادی را که در تخصص بالایی هستند، پس زینت و دور نیاندازد و از کار برکنار نکند. آقای خامنه ای، با اشاره به بیکار بودن عده کثیری از متخصصین مملکت، گفت: "این افراد هل تخصص، مهارت، اندیشه و مغز هستند. دلیل بیکار بودن آنها همه اش تقصیر مانیست و اقلان نصف آن تقصیر خودشان است. اما چون ما مسئول هستیم و می خواهیم اداره بکنیم بایستی تقصیر آنها را به آنها بخشیم و این افراد را جذب کنیم و این نکته را بدانیم که انسان تربیت پذیر و لااقل انعطاف پذیر است." (اطلاعات- ۱۶ اسفند ۱۳۶۰)

درد در هفته گذشته که گذشت، خود که به ریاست حاجت الاسلام ها شمس رفسنجانی و حاجت الاسلام ها شمس رفسنجانی ها تشکیل شد، لایحه بودجه بودجه سال ۶۱ مورد بحث و بررسی قرار داد. نمایندگان در این جلسه با تقریباً نوزده مورد اصلاحات مالیات های مستقیم از تصویب و بر رسی قرارداد. نمایندگان در این جلسه بر لزوم اخذ مالیات های مستقیم از تجار بزرگ و تعدیل ثروت تاکید کردند.

اگر آنفروشی، احتکار، قاچاق کالا و ارز سودجویی و کلاهبرداری در کارهای صفی رسیدگی شده است. در این رابطه متخلفینی داشتیم که بیش از ۶ میلیون تومان گرفتاری کردند... به طور نمونه فردی که ۱۰۰ میلیون ریال گران فروشی و احتکار کرده بود و جرمش نیز در دادگاه ثابت شده بود، با ظاهر معصومانه از پول ۱۰۰ میلیون ریال گران فروشی ۱۰۰ هزار تومان آن را به جیبه کتف کرده بود و رسیدش را در جیبش گذاشته بود و به هر کسی رسید آن را نشان میداد که مثلاً من به این انقلاب و دولت کمک کرده ام، بطور کلی این گونه افراد زالو صفت با این گونه اعمال بی- شرمانه می خواهند سر دولت و امت شهید داده گلازه بگذارند." (۱۸ اسفند ۶۰)

این افراد زالو صفت، در اکثریت مطلق خود، همان سرمایه داران بزرگ هستند، که با غارت آخرین دینار های محرومان جامعه سودهای ۱۰ و ۶ میلیون تومانی به جیب می زنند. تجربه سه ساله گذشته هم نشان داده است که تهدید و اخطار و حتی جریمه هم نمی تواند مانع غارت آنها شود. باید مسئله را از ریشه حل کرد.

با استفاده از همه نیروهای مدافع انقلاب میتوان ساخت، هیچ نیرویی نه در ایران، نه در هیچ جای دیگر جهان قادر نیست به تنهایی چرخ های عظیم اداره کشوری را به حرکت درآورد. ما امیدواریم که ره نمودهای رئیس جمهور عظمی گردد و راه برای استفاده از نیروهای دلسوز و انقلابی هموار گردد. (۶۰)

تشیست جذب
حجت الاسلام دکتر سید مصطفی محقق داماد رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرد که سیاست و خط غالب بر هیات ها و کمیته های پاکسازی سیاست جذب خواهد بود.

حجت الاسلام محقق داماد در روزنامه اطلاعات نوشت:
"در یک کلام باید گفت سیاست و خط غالب بر هیات ها و کمیته های پاکسازی قبیلی سیاست "دفع بود. (...)" ولی به نظر می رسد با سخت گیری هایی که در زمینه رعایت دقیق ضوابط در قانون بازسازی صورت گرفته خصوصاً وضع مادهای خاص برای مجازات اعضای متخلف هیات های بدوی و تجدیدنظر، خط مشی غالب بر این هیات ها سیاست "جذب" است." (۱۷ اسفند ۱۳۶۰)

این سخنان در سمت گفته های رئیس جمهور است. سیاست جذب نیرو های صدیق و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، برخلاف سیاست "دفع" قبلی، فقط به سود انقلاب است.

در هفته ای که گذشت:

سختان رئیس جمهور باریگر نشان میدهد که مسئولان کشور در اندیشه جذب نیروهای انسانی برای بازسازی ایران انقلابی هستند، و غیر از این هم برای ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد راهی نیست. کشور پهناور ایران را تنها

متجاوزان صدامی

باید خاک ما را تروک کنند

هفته گذشته هیئتی که از جانب "کنفرانس اسلامی" برای حل مسئله جنگ تجاوزکارانه امریکائی صدامی علیه ایران به کشور ما آمده بود، بعد از ملاقات با رئیس جمهور و شرکت در جلسه شورای عالی دفاع ایران را ترک کرد. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته درباره تجاوز صدامیان به ایران انقلابی گفتند: "او (صدام) دیگر قابل نجات نیست و ما هم یک قدم عقب نخواهیم نشست. مصالحه با جنایتکار و سازش با جنایتکاران، این یک جنایتی است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام، محرفان از روزاول تا حالا و بعدها معلوم است، ما جنایتکار را که در کشور مان هست، می گوئیم باید بروند".

حجت اسلام خامنه ای رئیس جمهور هم بعد از دیدار با رهبر انقلاب و گزارش جریان مذاکرات با هیات فرستاده "کنفرانس اسلامی"، گفت: "تا حقوق حقه ملت ایران کاملاً استیفان نشود، به جنگ ادامه خواهیم داد." (پنجشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۰)

رئیس جمهور: باید افراد متخصص را جذب کنیم
حجت الاسلام سید علی خامنه ای

محو جنایات اقتصادی
حل ریشه ای مسئله، یعنی ریشه کن ساختن سلطه بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران، که منجر به پایان دادن، "جنایات اقتصادی" به تعبیر نخست وزیر - شود.

آقای مهندس مرحسن موسوی نخست وزیر هفته گذشته در مصاحبه ای اعلام کرد: "... یکی دیگر از مشکلات ما وجود عده ای خدانشناس و محتکرات بقیه در صفحه ۱۹

۱۰ میلیون تومان غارت از مردم
حجت الاسلام ناظم زاده، سر پرست دادگاه های انقلاب اسلامی ویژه امور صفی، هفته گذشته در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات، برده از گوشه ای از غارت سرمایه داران بزرگ برداشت. او گفت: "در سال ۶۰ حدود ۱۸ هزار پرونده متخلفین در کارهای صفی اعم

سرمایه داران بزرگ به تروور اقتصادی ادامه میدهند
در هفته های پایانی سال ۶۰ سرمایه داران بزرگ به تروور اقتصادی ادامه دادند. به همین خاطر آیت الله موسوی

مناسبت سومین سالگرد انقلاب گرنادا (۲۲ اسفند ۱۳۵۷ / ۱۳ مارس ۱۹۷۹)

انقلاب گرنادا از پیر شاعر:

« پیوسته به پیش، هرگز نه به پس! »

خلق گرنادا را بسوی دگرگونیهای بنیادی راهگشاست

نام رسمی

گرنادا " Grenada "

سرزمین و سکنه

واقع در دریای کارائیب و متشکل از جزایر گرنادا / ۳۱۰ کیلومتر مربع / کارباکو (Cariacou) ۳۲ کیلومتر مربع / پتی مارتینیک Petit Martinique ۲۰ و جزیره دیگر.

وسعت ۳۴۴ کیلومتر مربع ، جمعیت ۱۱۰۰۰۰ نفر = ۳۲۰ نفر در کیلومتر مربع (۱۹۷۸) ،

ترکیب جمعیت: ۸۴ درصد از نژاد آفریقایی ، ۳ درصد هندی شرقی و ۱۱ درصد دوره ، پایتخت: سنت جورجس (St. George's) ۲۳۰۰۰ نفر

زبان رسمی: انگلیسی ، پول: دلار کارائیب خاوری EC\$ = ۱۰۰ سنت ، دلار ایالات متحده ۶ = آمریکا ۲/۷۰ دلار کارائیب خاوری .

اقتصاد

گرنادا کشوری است کشاورزی ورشد نیافته ، " بانک جهانی " در گزارشی ، که یکسال پیش از انقلاب درباره وضع اقتصادی این کشور منتشر ساخت ، خاطر نشان کرد که ، رشد اقتصادی گرنادا به سطح پنج سال پیش از آن کاهش یافته بود .

موریس بی شاپ نخست وزیر گرنادا

مهم ترین هدف انقلاب ضد امپریالیستی و دگرگونی گرنادا را در زمینه اقتصادی " برون رفت از وابستگی تکنولوژیک و اقتصادی باور نکردنی " خوانده است ، که رژیم آریک گبوری بجای گذاشت ، به گفته وی ، برای چیزی بر این میراث شوم باید به چهار وظیفه اساسی پرداخت : (۱) ایجاد بخش دولتی ، (۲) تشویق بخش خصوصی ، (۳) تأسیس نهادهای دولتی برای بدست گرفتن هرچه بیشتر صادرات ، (۴) گستر از وابستگی به امپریالیسم .

مهم ترین بخش اقتصادی گرنادا کشاورزی است ، که در آن موز ، انواع ادویه ، کاکائو ، مرکبات و نارگیل برای صدور و پنبه ، نیشکر ، سبزیجات و سیب زمینی برای مصرف داخلی تولید می شود دامپروری گرنادا هنوز پاسخگویی نیازمندی های آن نیست ، از سوی دیگر ، جنگلداری و ماهیگیری این کشور نسبتا رشد یافته است .

پس از انقلاب ، در گرنادا اصلاحات ارضی ، تشکیل تعاونی ها و بهره برداری از قطعه زمین های جدید آغاز گشت . برای کمک به پایه گذاری و گسترش جنبش تعاونی ، نهادی بنام " آژانس ملی برای پشتیبانی از تعاونی ها " تشکیل شد . فزون بر کشاورزی ، یکی از مهم ترین گستره هایی که دولت گرنادا به آن توجه خاصی مبدول می دارد ، بی ریزی زیر ساختار اقتصادی است . در این پیوند ، باید به ویژه از فرودگاه بین المللی یاد کرد ، که در گرنادا در دست ساختمان است .

بازرگانی خارجی: تراز بازرگانی خارجی گرنادا تاکنون همیشه منفی بوده است . تورسم رفته رفته به یکی از مهم ترین منابع درآمداری گرنادا بدل می شود . (درسال ۱۹۸۰ ، ۲۹۴۱۸ نفر از این کشور دیدن کردند) ، اکنون اداره ملی واردات و بازاریابی " هرچه بیشتر واردات و صادرات گرنادا را زیر نظارت

خود در می آورد .

به گفته موریس بی شاپ ، گرنادا بویژه در راه گسترش مبادلات بازرگانی خود با کشورهای سوسیالیستی ، با ست گبری سوسیالیستی و تاز از بندرسته کوشش خواهد ورزید . این کشور هم اکنون از کمک های بیدریغ کوبای انقلابی در این زمینه بهره مند شده است .

آموزش و پرورش

از سال تحصیلی ۱۳۶۰/۶۱ (۱۹۸۱ / ۸۲) آموزش ابتدایی و متوسطه در گرنادا بکلی رایگان شده است . در گرنادا ۳۵ هزار دانش آموز به ۶۲ دبستان و ۱۶ دبیرستان می روند . دولت گرنادا در چارچوب یک برنامه ضربتی همه شهروندان کشور را برای نوسازی مدارس مسیج کرد . در حالیکه در سال ۱۹۷۸ تنها سه دانشجو از دولت بورس می گرفتند ، اکنون شمار این گونه دانشجویان به ۲۲ افزایش یافته است . بدینسان آموزش دانشگاهی نیز در گرنادا عملیاتی شده است . در همین مدت شماره دانشجویان گرنادایی ، که در خارج تحصیل می کنند ، از سه به دو یست رسید .

در گرنادا پیکار بایسوادگی سه گاتون فرهنگ توده ای " سپرده شده است . این گاتون هم اکنون ، در مرحله نخستین وظیفه تعلیم خواندن و نوشتن را به بسی سوانان به انجام رسانیده است . در مرحله دوم افراد نامبرده به آموختن زبان ، هنر و ریاضیات خواهند پرداخت .

بهداری

شماره پزشکان گرنادا از انقلاب تاکنون از ۱۷ به ۳۷ افزایش یافته است ، در همین مدت شماره درمانگاه های دندان پزشکی این کشور از ۱ به ۷ رسید . نزدیک به یکسال نیم است (از اکتبر ۱۹۸۰) ، که خدمات پزشکی در بیمارستان های همگانی و کانون های پزشکی گرنادا رایگان است . گرنادا دارای ۷ بیمارستان با کنجایش ۷۵ تخت خواب است . در گرنادا همه کودکان تا سن پنج سال ، دانش آموزان دبستانها و دبیرستان ها و مادران شیرده از شیر رایگان بهره مند می شوند .

وضع زحمتکشان

در حالیکه پیش از انقلاب ، نیمی از زحمتکشان گرنادا ، از جمله ۷۰ درصد زنان ، بیکار بودند . پنج سال پیش حداقل برای ۳۰۰۰ نفر امکان کار فراهم آمد .

دولت گرنادا به برنامه خانه سازی برای زحمتکشان توجه فراوان معطوف می دارد و اعتباراتی به این منظور در اختیار آنها قرار می دهد . زحمتکشان تنها دوسوم این وام های بدون بهره را بازمی پردازند . این بازپرداخت ده سال طول می کشد و هر ماهه دو دلار برای زحمتکشان تمام می شود . دولت گرنادا گام های بزرگی در راه برابر حقوقی زنان برداشته است . بر پایه قانونی که تصویب دولت رسیده ، زنان و مردان در برابر کار برابر پاداش برابر دریافت می دارند .

برای نخستین بار در تاریخ گرنادا زنان از مرخصی بارداری در عین دریافت دستمزد و حقوق برخوردار می شوند .

حاکمیت

سازمانهای سیاسی و اجتماعی گرنادا در سال ۱۴۹۸ کشف شد . این کشور ، که نخست به تصرف

بعنوان دلقک شماره یک در سراسر جهان معروف شد . " پس از انقلاب ، گرنادا در گستره سیاست خارجه ، مشم عدم تعهد و مبارزه پیگیر با امپریالیسم راه پیش گرفت . یکی از نخستین گام های دولت موریس بی شاپ برقراری مناسبات دیپلماتیک با کوبا بود .

موریس بی شاپ در سخنرانی در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ (۱۳ مارس ۱۹۸۲) گفت : " هستند کسانی هم که همجنان می اندیشند ، که ایالات متحده آمریکا او عناصری معین در آن کشور حق آنرا دارند که کارائیب را حرم منافع خود و بخشی از ایالات متحده آمریکا به شمار آورند . اما ما به آن نهایی گوئیم: از حق خود تجاوز نکنید این منطقه - آمریکای لاتین و کارائیب - حق آنرا دارد ، که سرنوشت خویش را بدست خود گیرد و دوستان خویش را خود برگزیند .

مناسبات بین المللی این منطقه باید برپنج اصل بنیادی استوار باشد : ۱- شناسایی " دریای کارائیب " بعنوان منطقه صلح ، منع حضور پیکان های ویژه نظامی و انحلال پایگاه ها در کشورهای که مردم با آنها مخالفند ، خامه دادن به " دکتترین مونرو " ،

۲- شناسایی حق تعیین سرنوشت همه خلق های منطقه بدست خود ، از جمله ۲۵ سرزمینی که هنوز زیر سلطه استعمار بسر میبرند ، ۳- شناسایی واقعی اصل تعدد ایدئولوژیک ،

۴- پایان بخشی به تامین مالی و تشویق مزدوران و ضد انقلابی ها ، پایان بخشی به سیاست کشتار ، انفراد و تجزیه ، پایان بخشی به مسابقه تسلیحاتی ،

۵- شناسایی حاکمیت ، برابر - حقوقی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه ، شناسایی حق کشورهای در بند استعمار برای اتحاد و تشکل در راه آفرینش نظام جدید اقتصاد جهانی .

موریس بی شاپ در سخنرانی خود در کنگره دوم حزب کمونیست کوبا درباره سیاست خارجی گرنادا گفت : " ما از اصول همزیستی مسالمت - آموخته پیروی و از نگهداشت صلح جهانی و تنش زدایی پشتیبانی می کنیم . ما با استعمار ، نژاد پرستی ، صهیونیسم و آپارتید می رژیم و همبستگی خود را با همه خلق هایی که در راه حاکمیت ملی و استقلال مبارزه می کنند ، ابراز می داریم .

گرنادا دوسال پیش (۱۹۷۹) به " جنبش غیر متعهد ها " پیوست و با برخی از اعضای این جنبش ، که می کوشند تا از موضع با صطلح " عدم تعهد راستین " به هواداری از منافع کشورهای امپریالیستی بپردازند ، و " جنبش غیر متعهد " هارا از متحدان واقعی آنها ، یعنی کشورهای سوسیالیستی ، بگسیند ، همواره به مبارزه برخاسته است . گرنادا در همان سال پیوستن به " جنبش غیر متعهد ها " به عضویت " دفتر هماهنگی " جنبش برگزیده شد .

کنفرانس وزیران خارجه " بازار مشترک کارائیب " (" کاریکوم ") - که گرنادا نیز عضو آنست - در تابستان ۱۳۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۱) در سنت جورجس برگزار شد و مخالفت خود را با مداخلات آمریکا در امور داخلی گرنادا ابراز داشت . یادآور می شویم که ، دولت ایالات متحده آمریکا واگذاری اعتبار را به نهاد مالی " کاریکوم " مشروط به خودداری از اعطای آن به گرنادا ساخته بود . چند ماه پیش از آن دولت آمریکا از کشورهای " جامعه اقتصادی اروپا " خواسته بود که ، قرار داد دادن اعتبار برای ساختن فرود -

گاه بین المللی گرنادا را لغو کنند . اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد ، که در زمستان سال ۱۳۵۹ (فوریه ۱۹۸۱) در دهلی برگزار شد ، مبارزه مردم گرنادا در راه حاکمیت ملی و استقلال فعالانه و پیگیرانه کمک رسانند . در این چارچوب ، گرنادا از کمک های بیدریغ کوبای سوسیالیستی برخوردار می شود . میان گرنادا و کوبا مناسبات بسیار نزدیک پدید آمده است و کارشناسان نزدیک پدید آمده های گوناگون زندگی اقتصادی اجتماعی ، از جمله بهداری ، مخابرات ، کشاورزی و ساختمان سه خلق برادر خود در گرنادا کمک می کنند .

دولت ایالات متحده آمریکا بیدریغ پس از پیروزی انقلاب گرنادا دسیسه های براندازانه خود را علیه این کشور آغاز کرد . دومه پس از انقلاب اسفند ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۷۹) گروه عملیاتی میان وزارت خارجه ای در " واشنگتن " برپا شد . " سیا " توطئه ای را به نام " هرم " طرح ریزی کرده ، محاصره دریایی ، تحریم اقتصادی ، قطع واگذاری اعتبار به گرنادا از سوی بانکهای بین المللی و " جامعه اقتصادی اروپا " پدید آوردن یک کمربند امنیتی دورا دور گرنادا را در برمی گیرد . تا کنون چهار توطئه آمریکا برای سر - نگیزی رژیم انقلابی گرنادا و قتل موریس بی شاپ نافرجام مانده است . ایالات متحده آمریکا پیوسته به نقض حرم هوای ، در ریاض گرنادا دسیه های مزدوران و ضد انقلابی ها ، برای خرابکاری به این کشور گسیل می دارد . هدف از این کارزار ارباب امیز نظامی و دیپلماتیک ، وادار ساختن دولت بی - شاپ به هر ها کردن سیاست مستقل آنست . در تابستان ۱۳۶۰ (اوت ۱۹۸۱) گرنادا در پیامی به کورتوالد هایم ، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد خواهان اقدام فوری " برای جلوگیری از تهاجم ایالات متحده آمریکا علیه این کشور شد . این پیام فاش ساخت که ترمین های نظامی آمریکا زیر نام " اوشن ونچر " " اوشن " تدارک عملی " مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در گرنادا بود . دولت گرنادا از سازمان ملل متحد خواست که به دولت ریگان رسماً علیه این نمایش تجاوز علیه کشورهای کارائیب بطور اعم و گرنادا بطور اخص اعتراض کند . چنانکه یونی سون وایت من ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی جنبش نیو - جیونل " و وزیر خارجه گرنادا ، اظهار داشته است .

از آنجا که حزب و خلق ماسمت گیری سوسیالیستی را برگزیده است ، امپریالیسم ، به ویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا ، در صدد است که انقلاب مارا درهم شکند . دولت ریگان بر " جامعه اقتصادی اروپا " و " صندوق بین المللی پول " فشار وارد می آورد ، که از او - گذاری اعتبار به ما خودداری ورزند امپریالیسم به رژیم های وابسته به خود در منطقه ما اسلحه می دهد و ، از این راه ، گرنادا را تهدید می کند .

تاکنون چهار توطئه آمریکا برای سرنگونی رژیم انقلابی گرنادا و قتل موریس بی شاپ رهبر این کشور نافرجام مانده است .

تعمین های نظامی آمریکا در کارائیب زیر نام " اوشن ونچر - ۸۱ " تدارک عملی ، مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در گرنادا بود .

یونی سون وایت من (وزیر خارجه گرنادا) : امپریالیسم آمریکا در صدد است که انقلاب ما را درهم شکند .

موریس بی شاپ در سخنرانی در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ (۱۳ مارس ۱۹۸۲) گفت :

مناسبات بین المللی این منطقه باید برپنج اصل بنیادی استوار باشد :

۱- شناسایی " دریای کارائیب " بعنوان منطقه صلح ، منع حضور پیکان های ویژه نظامی و انحلال پایگاه ها در کشورهای که مردم با آنها مخالفند ، خامه دادن به " دکتترین مونرو " ،

۲- شناسایی حق تعیین سرنوشت همه خلق های منطقه بدست خود ، از جمله ۲۵ سرزمینی که هنوز زیر سلطه استعمار بسر میبرند ،

۳- شناسایی واقعی اصل تعدد ایدئولوژیک ،

۴- پایان بخشی به تامین مالی و تشویق مزدوران و ضد انقلابی ها ، پایان بخشی به سیاست کشتار ، انفراد و تجزیه ،

۵- شناسایی حاکمیت ، برابر - حقوقی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه ،

شناسایی حق کشورهای در بند استعمار برای اتحاد و تشکل در راه آفرینش نظام جدید اقتصاد جهانی .

موریس بی شاپ در سخنرانی خود در کنگره دوم حزب کمونیست کوبا درباره سیاست خارجی گرنادا گفت :

ما از اصول همزیستی مسالمت - آموخته پیروی و از نگهداشت صلح جهانی و تنش زدایی پشتیبانی می کنیم . ما با استعمار ، نژاد پرستی ، صهیونیسم و آپارتید می رژیم و همبستگی خود را با همه خلق هایی که در راه حاکمیت ملی و استقلال مبارزه می کنند ، ابراز می داریم .

گرنادا دوسال پیش (۱۹۷۹) به " جنبش غیر متعهد ها " پیوست و با برخی از اعضای این جنبش ، که می کوشند تا از موضع با صطلح " عدم تعهد راستین " به هواداری از منافع کشورهای امپریالیستی بپردازند ، و

" جنبش غیر متعهد " هارا از متحدان واقعی آنها ، یعنی کشورهای سوسیالیستی ، بگسیند ، همواره به مبارزه برخاسته است . گرنادا در همان سال پیوستن به " جنبش غیر متعهد ها " به عضویت " دفتر هماهنگی " جنبش برگزیده شد .

کنفرانس وزیران خارجه " بازار مشترک کارائیب " (" کاریکوم ") - که گرنادا نیز عضو آنست - در تابستان ۱۳۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۱) در سنت جورجس برگزار شد و مخالفت خود را با مداخلات آمریکا در امور داخلی گرنادا ابراز داشت . یادآور می شویم که ، دولت ایالات متحده آمریکا واگذاری اعتبار را به نهاد مالی " کاریکوم " مشروط به خودداری از اعطای آن به گرنادا ساخته بود . چند ماه پیش از آن دولت آمریکا از کشورهای " جامعه اقتصادی اروپا " خواسته بود که ، قرار داد دادن اعتبار برای ساختن فرود -

گاه بین المللی گرنادا را لغو کنند . اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد ، که در زمستان سال ۱۳۵۹ (فوریه ۱۹۸۱) در دهلی برگزار شد ، مبارزه مردم گرنادا در راه حاکمیت ملی و استقلال فعالانه و پیگیرانه کمک رسانند . در این چارچوب ، گرنادا از کمک های بیدریغ کوبای سوسیالیستی برخوردار می شود . میان گرنادا و کوبا مناسبات بسیار نزدیک پدید آمده است و کارشناسان نزدیک پدید آمده های گوناگون زندگی اقتصادی اجتماعی ، از جمله بهداری ، مخابرات ، کشاورزی و ساختمان سه خلق برادر خود در گرنادا کمک می کنند .

دولت ایالات متحده آمریکا بیدریغ پس از پیروزی انقلاب گرنادا دسیسه های براندازانه خود را علیه این کشور آغاز کرد . دومه پس از انقلاب اسفند ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۷۹) گروه عملیاتی میان وزارت خارجه ای در " واشنگتن " برپا شد . " سیا " توطئه ای را به نام " هرم " طرح ریزی کرده ، محاصره دریایی ، تحریم اقتصادی ، قطع واگذاری اعتبار به گرنادا از سوی بانکهای بین المللی و " جامعه اقتصادی اروپا " پدید آوردن یک کمربند امنیتی دورا دور گرنادا را در برمی گیرد . تا کنون چهار توطئه آمریکا برای سر - نگیزی رژیم انقلابی گرنادا و قتل موریس بی شاپ نافرجام مانده است . ایالات متحده آمریکا پیوسته به نقض حرم هوای ، در ریاض گرنادا دسیه های مزدوران و ضد انقلابی ها ، برای خرابکاری به این کشور گسیل می دارد . هدف از این کارزار ارباب امیز نظامی و دیپلماتیک ، وادار ساختن دولت بی - شاپ به هر ها کردن سیاست مستقل آنست . در تابستان ۱۳۶۰ (اوت ۱۹۸۱) گرنادا در پیامی به کورتوالد هایم ، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد خواهان اقدام فوری " برای جلوگیری از تهاجم ایالات متحده آمریکا علیه این کشور شد . این پیام فاش ساخت که ترمین های نظامی آمریکا زیر نام " اوشن ونچر " " اوشن " تدارک عملی " مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در گرنادا بود . دولت گرنادا از سازمان ملل متحد خواست که به دولت ریگان رسماً علیه این نمایش تجاوز علیه کشورهای کارائیب بطور اعم و گرنادا بطور اخص اعتراض کند . چنانکه یونی سون وایت من ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی جنبش نیو - جیونل " و وزیر خارجه گرنادا ، اظهار داشته است .

از آنجا که حزب و خلق ماسمت گیری سوسیالیستی را برگزیده است ، امپریالیسم ، به ویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا ، در صدد است که انقلاب مارا درهم شکند . دولت ریگان بر " جامعه اقتصادی اروپا " و " صندوق بین المللی پول " فشار وارد می آورد ، که از او - گذاری اعتبار به ما خودداری ورزند امپریالیسم به رژیم های وابسته به خود در منطقه ما اسلحه می دهد و ، از این راه ، گرنادا را تهدید می کند .

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۶)

تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی

در ۱۳۴۶ (۱۹۶۷)



صهیونیست‌های اسرائیلی، روستاهای جنوب لبنان را دیوانه وار در هم می‌کوبند و روستائیان زحمتکش عرب را طعمهٔ مرگ و ویا آوازه می‌سازند.

۱۶ مرداد ۱۳۴۶ (۵ ماه ژوئن ۱۹۶۷) اسرائیل، به پشتکرمی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، سرگردگی آمریکا، بطور همزمان، سه کشور عربی مصر، اردن و سوریه را مورد تجاوز قرار داد. نقشهٔ این تجاوز "برق آسا" از چندین سال پیش زیر نام "کووتر" در ستاد جنگی صهیونیسم - امپریالیسم تنظیم شده بود. بر اثر این تجاوز بر دامنه و فاجعه بار، آخرین سرزمین‌های فلسطین باستان، واقع در کرانهٔ باختری اردن، بیت المقدس خاوری، وباریکهٔ غزه و همچنین شبه جزیره سینا، دهانه خلیج عقبه و قسمتی از خاک سوریه، واقع در شمال شرقی دریاچه طبریه، زیر پای خون آلود اسرائیل قرار گرفت. دهها هزار فلسطینی فاجعه کوچ و تبعید را برای دومین بار تجربه کردند. در نتیجه جنگ ۱۹۶۷، شمار کوچندگان به ۵۰۰ هزار تن و بر رویهم به بیش از ۱/۵ میلیون تن رسید. (شمار تقریباً برابری، مهاجر بهبود، از ۱۵ ماهه ۱۹۴۸، روز پایان یافتن سرپرستی بریتانیا، تا ۳۱ ماهه ۱۹۴۸، روز استقلال اسرائیل شدند). اسرائیل نیدرنگ برای سرزمین‌های اشغالی استانداران نظامی گمارد. بدین سان گره گشائی مسئله فلسطین پا به مرحله نوبین و بیخ‌تری نهاد.

روز ۲۲ خرداد (۱۲ ماه ژوئن) لوی اشکول، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل با گستاخی در "کنشت" اعلام داشت که اسرائیل به "نواحی مرزی یک هفته پیش" باز نخواهد گشت.

بدنبال این تجاوز اشغالگرانه اسرائیل به کشورهای عربی، بانگ پر خروش اعتراض کشورها و خلقهای مترقی و انقلابی، کلیه نیروها و سازمان‌های هوادار صلح، آزادی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان، و بویژه در کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آنها اتحاد شوروی برخاست. روز ۲۰ خرداد ماه (۱۵ ژوئن) اتحاد شوروی و بسیاری از دیگر کشورهای سوسیالیستی کلیه مناسبات دیپلماتیک را با اسرائیل قطع کردند. دولت اتحاد شوروی به پشتیبانی از خلق - های عرب و از همه زحمتکشان عرب و بهبود، و در افشای بی‌امان صهیونیسم و امپریالیسم از پشت تریبون سازمان ملل متحد شنیده شد. الکسی کاسیگین، نخست‌وزیر وقت اتحاد شوروی، در روز ۲۹ خرداد ماه (۱۹ ژوئن ۱۹۶۷) در مراسم فوق العاده "مجمع عمومی سازمان ملل متحد"، ضمن ارائه پیش‌نویس یک قطعنامه ۴ ماده‌ای به "مجمع عمومی"، مبنی بر خروج بدون قید و شرط اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شدهٔ اعراب، طی سخنرانی پرشوری، امپریالیسم آمریکا را به پشتیبانی از اسرائیل تجاوزکار متهم ساخت. کاسیگین در سخنرانی خود از جمله گفت:

"هر روز گزارش‌های تازه‌ای از فجایع مهاجمان اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بگوش می‌رسد. آنچه در شبه جزیره سینا و نوار غزه و بخش غربی اردن و مناطق اشغالی اسرائیل در سوریه می‌گذرد، یادآور جنايات هولناکی است که فاشیست‌ها طی جنگ جهانی دوم مرتکب شدند".

پس از سخنرانی کاسیگین، آرتور گلدبرگ، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، بزسکوی خطابه ایستاد. وی از اینکه دولت شوروی، آمریکا را به عنوان پشتیبان و دلگرمی بخش اسرائیل تجاوزگر آماج حمله قرار داده است، "ابراز تاسف" کرد و گفت:

"... آمریکا پیشنهاد شوروی را مبنی بر اینکه اسرائیل بعنوان تجاوزگر محکوم گردد و نیروهای آن از سرزمین‌های عربی خارج شوند، رد می‌کند!"

حزب کمونیست اسرائیل نیز در

همان روز آغاز تجاوز (۵ ژوئن ۱۹۶۷) به اعتراض توفنده در برابر حکومت "لوی اشکول" و دفاع از منافع زحمتکشان بهبود و عرب برخاست. "مایرولینر" دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، در جلسه "کنشت" گفت:

"حکومت اشکول... امروز جنگی را علیه جمهوری متحده عرب آغاز کرد... (که) جز بریتانیا و آمریکا، که می‌خواهند به این وسیله امتیازات نفتی و پایگاه‌های نظامی خود را به پای خون پسران و دختران ما حفظ کنند، کسی در این جنگ دینفع نیست".

"تویی" نماینده دیگر حزب کمونیست، گفت:

"این جنگ یک تجاوز آشکار است!" و هنگامیکه صهیونیست‌ها خواستند با بزاه انداختن هو و جنجال، دشنام و افترا، او را از سخن گفتن باز دارند، "تویی" گفت:

"شما نخواهید توانست صدای حزب کمونیست‌های بهبود و عرب را خاموش کنید. چون این صدای صلح است و از فریادهای شما نیرومندتر است..."

"آنگاه "ویلنر"، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، در پاسخ به افترا - های نمایندگان صهیونیسم - امپریالیسم در دستبازی بحرین زنگار بسته "خطر شوروی" و "ترسک کمونیسم" از موضع عمیقاً انتزاعی و سونیالیستی گفت:

"اتحاد شوروی هو خواه صلح است. مردم اسرائیل با زهم به کمک اتحاد شوروی نیاز خواهند داشت، تا ایشان را از مصیبتی که شما موجبش بوده‌اید، برهانند".

در ۲۶ ماه ژوئن "مایرولینر"، در ارتباط با جنگ تجاوزکارانه صهیونیستی علیه اعراب، خطاب به دولت اسرائیل اعلام داشت:

"امروز هم موضع ما همانست که در (تجاوز) ۱۹۵۶ بود".

وی افزود:

"شما ملت را دچار فاجعه خواهید کرد... ما می‌خواهیم مردم را از این ماجراجویی‌های شما نجات دهیم. ما برای اسرائیل صلح و امنیت می‌خواهیم، نه ماجراهای نظامی به‌شماره آمریکا و بریتانیا".

دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل تاکید می‌ورزید که:

سیاست ما، سیاست راستگاری ملی است، که تنها راه حل دشواریهای بنیادی را، که ملت اسرائیل با آن روبرو است، ادامه می‌دهد. حزب ما خواهان تشکیل جبههٔ واحدی است که کلیه اسرائیلی‌های صلح‌خواه را، صرف نظر از هر عقیده و مسلکی، که داشته باشند، در بر گیرد و در تخلیهٔ سرزمین‌های اشغالی از طریق مسالمت‌آمیز مسئله بر اساس نکات زیرین، اصرار می‌ورزد:

۱- عقب نشینی نیروهای اسرائیل از همه سرزمین‌های جمهوری متحده عرب، اردن و سوریه، به عنوان نخستین اقدام لازم برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله، بر پایه احترام به حقوق طرفین، از آن جمله تصدیق موجودیت اسرائیل؛

۲- شناختن حقوق ملی اعراب فلسطینی، خاصه حقوق آوارگان عرب، بر طبق قطعنامه سازمان ملل متحد".

حزب کمونیست اسرائیل تاکید کرد که:

"ما (کمونیست‌ها)، با امپریالیسم علیه خلق‌های عرب در یک جبهه قرار نداریم، بلکه به اتفاق خلق‌های عرب علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می‌کنیم".

سرانجام، روز ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامهٔ مشهور شماره ۲۴۲ را با هدف "بازگرداندن ثبات و امنیت و برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاور میانه" تصویب کردند. محتوای اساسی این قطعنامه بر عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی تاکید داشت. ولی اسرائیل آن را نپذیرفت. این قطعنامه، در آن دوران تاریخی، بخاطر آنکه خواستار خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی اعراب بود، از حمایت نیروهای مترقی و صلحدوست برخوردار شد. با این وجود، این قطعنامه گره گشائی "مسئله فلسطین"، اساسی‌ترین حلقه بحران خاور میانه نبود و بدنبال تحولات و دگرگونی‌های سالی‌های بعد، بویژه رشد کیفی جنبش پایداری فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، و جمع بنسندی خواستهای برحق و قانونی خلق فلسطین و تدوین برنامه مبارزه، این قطعنامه دیگر از هرگونه محتوای مترقی تهی گردید، زیرا این قطعنامه بیانگر حقوق قانونی خلق فلسطین، از جمله رسمیت شناختن سازمان آزادیبخش خلق فلسطین بعنوان یگانه نماینده راستین و قانونی خلق فلسطین، حق بازگشت آوارگان، حق تعیین سرنوشت و برپائی یک دولت مستقل فلسطینی نبوده نیست. و طبیعی است که این قطعنامه دیگر نه تنها از پشتیبانی نیروهای مترقی و صلحدوست برخوردار نیست، بلکه اینک به دستاویز امپریالیست‌ها، سرگردگی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است، بی‌سبب نیست که هیگ و وزیر امور خارجه آمریکا، در سفر ماه آوریل ۱۹۸۱ خود به خاور میانه پایه "قطعنامه ۲۴۲" قرار داد و گفت:

"ما دام که سازمان آزادیبخش فلسطین اسرائیل را برسمیت نشناخته و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد را نپذیرد، هیچگونه گفتگوئی با سازمان مزبور صورت نخواهد گرفت". (اطلاعات ۶۰/۴/۱)

سال آینده

سال عمل است

(رئیس جمهور خاتمه‌ای - اطلاعات - ۲۷ دی ۱۳۶۰) وقت عمل است

انقلاب ما برای رسیدن به این تحریه: "... تا مسئله تقسیم عادلانه برادرانه اماکنات زندگی و کار بر همهٔ مردم حل نشود، سایر مسائل انقلاب ما حل شدن نیست... (از سخنان شهید دکتر بهشتی - ۱۶ اسفند ۶۰ - جمهوری اسلامی) راه دراز سه ساله‌ای را پیمود. سه سال طول کشید تا انقلاب ما، با گوشت و خون خود لمس کرد که: "... شعار بیش از اندازه زدگی می‌آورد و از خاصیت آن در دراز مدت کاسته می‌شود... (از سخنان آیت الله العظمی منتظری - ۱۲ بهمن ۶۰ - کیهان) و "... تنها شعار وقتی مفید است که به دنبالش کار، تلاش و فعالیت باشد... (از سخنان آیت الله العظمی منتظری - ۱۵ بهمن ۶۰ - اطلاعات)

پس باید آستین‌ها را بالا زد و دست به کار شد. آری، به دنبال تصویب کلیات لایحه قانونی اصلاحات ارضی، در مجلس شورای اسلامی بحث بر سر رفع کمبودها و جنبه‌های منفی لایحه تصویب یک قانون کاملاً انقلابی بسود دهقانان، باید در اسرع وقت صورت گیرد و هر چه زودتر کار انقلابی هیئت‌های نظری و اگذازی زمین آغاز گردد.

در سالی که می‌آید، همه می‌دانند که: "... ملی کردن بازرگانی خارجی موجب قطع ایادی واسطه‌های تجاوزگر خواهد شد... (از سخنان منتخب‌نمایانده مجلس - جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - ۲۷ بهمن ۶۰) و می‌دانند که: "... مسئله مسکن از مهم‌ترین مسائل جامعه انقلابی است که هر چه زودتر باید حل شود... (ناطق نوری نماینده مجلس - ۱۲ بهمن ۶۰ - جمهوری اسلامی)

از همین رو روشن است که سال آینده باید با "تورویسم اقتصادی" وارد جنگ شود... (از سخنان وزیر کشور - ۲۷ بهمن ۶۰ - اطلاعات) و به راستی دیگر نمی‌شود: "... یک خانم پیرزاد عجزه‌ای یک پالتوی پوستی به اندازه قیمت یک خانه (بپوشد) و یک خانواده ده، پانزده نفری... یک یادو اتاق اجاره‌ای هم به زحمت پیدا کنند. این وضع نمی‌شود... فقط اگر می‌تواند از این نوع لذت برد. یک عده شرافتمند از همه مواهب مسرفانه استفاده کنند و احتکار کنند و یک عده فقیر و بی‌نوا با فقر تحمیلی... حتی (از) خواب دیدن محروم باشند، چون خواب دیدن یک سابقه ذهنی بیداری لازم دارد... این نمی‌شود... (از همان خطبه‌های نماز جمعه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

وضع لذت برد، روانیست که ما سرگراها نستیزیم... (از سخنان حجت و نتوانیم بطور بنیادی این کشور سلطنت زده را با آرمان‌های امام و امت مسلمان، منقلب و منطبق سازیم، فردانه تنهادر پیشگاه خدامستولیم، بلکه مردم به پا خاسته ایران از من و شما به اصطلاح حزب الهی رمیده و مایوس خواهند شد و این بزرگترین خطر است... (از سخنان رسول منتخب‌نمایانده مجلس جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - ۲۷ بهمن ۶۰) و اگر درست است که: "... این جمهوری با حرف جا نمی‌افتد، عمل می‌خواهد... (از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با ائمه جمعه تهران - ۱۵ بهمن ۶۰ - اطلاعات) پس باید تا در برننده، عمل کنیم، یعنی:

... دست‌این مستکبرین را بگیریم و آن قدر فشار دهیم و مشت بر سرشان بزنیم تا که تسلیم حق شوند... (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - از خطبه‌های نماز جمعه ۳۰ بهمن ۶۰) سال آینده، سال عمل است.

نوروز در راه است، کوله‌بار عمونوروز، امسال، باید پر باشد. سال نو باید سال محرومان، پیدزحمتکشان و بشارت روزهای نو باشد. اگر پایان سال جاری، آغاز تدوین قوانین انقلابی به نفع توده‌های میلیونی جامعه ما بود، آغاز سال آینده باید گام ششرواع اقدامات انقلابی به سود کارگران، کشاورزان، زحمتکشان و این "پائین شهری" ها باشد.

سال جاری یکی از بااهمیت‌ترین دوران‌های انقلاب شکوهمند مردم ایران بود. این سال عرصهٔ یکی از حیاتی‌ترین مبارزات خلق‌های ایران زمین با دشمنان انقلاب، سرگردگی آمریکا، بود: سال شکست باند بنی صدر خائن و سرکوب یکی از خطرناکترین توطئه‌های "جبهه متحد ضد انقلاب". اما این زمینه هنوز گشوده است. تا انقلاب ما با ست‌وا امپریالیسم جهانی بر جا، نبرد انقلاب و ضد انقلاب بی‌وقفه خواهد بود.

هیچکس تردید ندارد که سال آینده هم دشمنان انقلاب بیگار نخواهند نشست، جبهه جهانی و داخلی ضد انقلاب کوشش خود را برای مسخ و شکست انقلاب ادامه خواهد داد:

"... مراکز قدرتی وجود دارد که به نفع پولدارها همیشه حرکت می‌کنند، هستند در این کشور جاهای بسیار محترمی که از اول انقلاب تا به حال هر وقت به ما مراجعه کرده‌اند، شکایت کرده‌اند که چرا مال فلان کس گرفته شد... و از این شکایت‌ها، و هنوز هم نشده یکبار بگویند چرا آن روستا را برق نکشیدید، چرا به سراغ آن محرومان نرفته‌اید... مراکز قدرت در این کشور وجود دارد که متأسفانه یک طرفه قضاوت می‌کنند و آن رنج و محنتی که اکثریت جامعه ما احساس می‌کنند، آنها احساس نمی‌کنند. چریدن بچهٔ بلوچ برای آنها مهم نیست، راه‌انداز شدن مردم بشاگرد برای آنها مهم نیست، و اصلاً بشاگرد را نشنیده‌اند، ولی کارخانه‌دار سیستمی که به‌خانه آنها راه پیدا می‌کند، شکایت می‌کند، شکایت او را به بندهو امثال بنده منعکس می‌کنند... (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - از خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ بهمن ۶۰)

آری! هدف دشمن این است که بجهل بلوچ باز هم علف بچرد و خان‌ها کنار گوش پول پارو کنند. هدف این است که محتوای نظام شاهنشاهی دست نخورده باقی بماند.

این توطئه به دیگر توطئه‌های دشمن، از جنگ تحمیلی گرفته تا گرانی و... گره می‌خورد و هدف اصلی راننده می‌گیرد: ما یوس کردن مردم و خارج کردن آنها از صحنه و:

"آن روزی که جامعه ما مایوس شد، دشمن از اطراف حاضر است تا بر سر ما بریزد و اگر آنها نریزند، داخل ما انداخته خواهد شد. رژیم پهلوی از داخل منفجر شد... (از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - ۱۳ بهمن ۶۰ - کیهان)

آری، نقشهٔ اصلی دشمن غیر از این نیست. اگر مردم مثل امروز در صحنه حاضر باشند، امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا هیچ غلظی نمی‌تواند بکند. این ارزیابی کاملاً درست است که: "... اگر تلاش نکنیم و یک مقدار تبعیض‌ها را رفع نکنیم و این کانال وسیعی را که بین قشور فقر و مشرور محروم هست، پر نکنیم... دیگر این علامت سؤال‌هایی است که نمی‌شود جواب داد... خود جامعه را مایوس می‌کنند... (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - همانجا)

برای درهم شکستن این نقشه شوم است که:

"امام نیز به این مطلب قویاً اهتمام دارند و ما اگر خواهیم در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی مقاومت خود را بالا ببریم، ناگزیر باید ضمن نگاه داشتن اکثریت مردم در صحنه، آنها را همچنان معتقد و مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند."

دیناسیت سالگرد
پایه گذاری "جامعه عرب"
(۲ فروردین - ۲۲ مارس)

"جامعه عرب" را بشناسیم

۲ فروردین (۲۲ مارس) سالروز تشکیل "جامعه عرب" است. این سازمان که امروز ۲۱ کشور عربی و "سازمان آزادی بخش فلسطین" را در بر میگیرد، سال ۱۹۴۵ در قاهره تاسیس شد. اولین کنفرانس این سازمان در قاهره و با شرکت کشورهای مصر، عراق، اردن، لبنان، عربستان سعودی و سوریه تشکیل شد. کشورهای لیبی، سودان، تونس، مراکش، کویت، الجزایر، جمهوری دیموکراتیک خلق یمن، بحرین، قطر و... به تدریج تا سال ۱۹۷۴ به "جامعه عرب" پیوستند. "سازمان آزادی بخش فلسطین" نیز در سال ۱۹۶۷ به عضویت این سازمان درآمد. بالاترین ارگان "جامعه عرب" "شورا" است، که از نمایندگان همه کشورهای عضو و هر کدام با یک رای تشکیل میشود. "شورا" هر شش ماه یکبار در مارس و سپتامبر، نشست دارد. تصمیماتی که در این ارگان به اتفاق آراء گرفته میشود، برای کشورهای عضو الزامی است، و اجرای تصمیماتی که با اکثریت آراء اتخاذ گردند، تنها برای کشورهای که آنرا امضاء کرده اند، اجباری خواهد بود.

هدف "جامعه عرب" بطور عمده "تامین نزدیکی کشورهای مستقل عربی به منظور دستیابی به استقلال و نیکبختی مشترک است"، که در منشور این "جامعه" خاطر نشان شده است.

"جامعه عرب" در فاصله میان دو نشست "شورا" بوسیله "کمیته دائمی" اداره میشود. لازم به تذکر است که "جامعه عرب" دارای ۱۰ کمیته دائمی است، که در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، قانونی، اطلاعات، بهداشت، ارتباطات و حقوق بشر فعالیت میکنند. این کمیته ها دارای یک دبیرخانه دائمی هستند، که ریاست آن با دبیرکل "جامعه عرب" است. دبیر کل از سوی "شورا" برای مدت پنج سال انتخاب میشود و دارای شش معاون و چند دستیار در امور نظامی و اقتصادی است.

"جامعه عرب" همچنین از طریق "شورای اقتصادی"، "شورای بازار مشترک اعزاب" و سازمانها و دفاتر گوناگون به حل و فصل مسائل جاری می پردازد.

"جامعه عرب" در کارها و موضع گیری های خود در راستای تصمیمات متخذه از سوی گردهمایی های سران کشورهای عربی گام برمیدارد. روشن است که کشورهای عضو "جامعه عرب" دارای نظام های گوناگون سیاسی اقتصادی - اجتماعی هستند و لذا ترکیب "جامعه عرب" تا همگون است و تصمیمات متخذه وابسته به تناسب نیروهاست.

پیوسته به پیش

ایالات متحده آمریکا و عوامل ارتجاعی آن در منطقه بوده، چندی پیش نخستین "کنفرانس بین المللی هم بستگی با گرنادا" در پایتخت این کشور برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان کشورهای سوسیالیستی، بسیاری از کشورهای غیر متعهد و "شورای جهانی صلح" و دیگر سازمان های بین المللی شرکت و تجاوز امپریالیسم آمریکا را علیه رژیم مترقی گرنادا محکوم کردند.

رئیس جمهور:

هفته گذشته، سخنان امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور در باره ورزش، در اسامی مسائل ورزشی قرار داشت. امام خمینی در دیدار با اعضای تیم های فوتبال منتخب تهران، برنده "جام قاعد اعظم پاکستان" و تیم های برنده "جام وحدت" و "۲۲ بهمن" گفتند:

"من خودم ورزشکار نیستم، اما ورزشکارها را دوست دارم. از خدای تبارک و تعالی خواهانم که شما جوانان را، که ذخیره این کشور هستید و مایه امید ملت و اسلام هستید، هر چه بیشتر موفق کند که در همه ابعاد انسانی ورزش کنید. یک بعدش آن بعدی است که شما متخصص در او هستید و امید است که بعدهای دیگری هم که انسان دارد و انسانیت دارد در شما رشد کند."

امام خمینی خطاب به ورزشکاران افزودند: "همانطوری که در ورزشکاری دارید و قدم برمی دارید، برای ملتتان هم قدم بردارید و این برای ملت است و تاکید کردند: "در ایران هم که هستید به خدمت این جامعه باشید، جامعه احتیاج به جوانها دارد و خدمت جوانها"

نظرات رئیس جمهور: روشن و منطقی

حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور نیز در مصاحبه ای با برنامه "ورزش مردم" تلویزیون، نظرات خود را در مورد ورزش، نقش تربیت بدنی و ارگان های مسئول دولتی در گسترش و همگانی کردن آن و نحوه عمل مطبوعات و رسانه های گروهی در مورد این رشته بیان کرد. رئیس جمهور در قسمتی از سخنان خود گفت:

"ما مایل هستیم جوانها به حرکت بدنی بیشتر بپردازند و جسمشان را جادی تر پرورش دهند. البته این امر جزو خدمات عمومی جامعه است و وظیفه ما به عهده دولت نیز می باشد، یعنی دولت بایستی اینکار را فراهم کند. ما میتوانیم طوری باین مسئله برخورد کنیم که برای دستگاه ها آزار کننده خیلی مخارج زیادی نداشته باشد. البته دولت و تربیت بدنی حتما بایستی وسائل استفاده عموم از میدان های ورزشی و ابزار ورزشی و آموزش های ورزشی را در اختیار مردم قرار دهد و امکان استفاده را به عموم مردم بدهد."

حجت الاسلام خامنه ای همچنین خاطر نشان کرد:

"من اعتقاد دارم به اینکه بایستی به جوان ها برای ورزش کردن میدان داد. در گذشته ورزش سرگرم کننده و سریندکن بود و دستگاه (رژیم سابق) میخواست از آن حالت جوانی و سرکشی جوانها و عصیان جوانی و خلاصه آن انرژی "سر ریز" و سرشاری که در جوانها است، استفاده کند و در واقع آنها را در خدمت یک کار بی دردسر برای خودش و او می داشت و در حقیقت آنها را تخدیر می کرد."

رئیس جمهور در پایان مصاحبه در

به جوانها باید برای ورزش میدان داد

تیم ملی وزنه برداری ایران در مسابقات جهانی در یوگسلاوی شرکت می کند

مورد شرکت ورزشکاران ایران در میدان های بین المللی و نیز وظیفه و نقش رسانه های گروهی در مورد آموزش و گسترش ورزش گفت:

"من با حضور در میدان های بین المللی کاملاً موافق هستم، هیچ دلیلی ندارد که ما وقتیکه ورزشکار داریم در میدان مسابقات جهانی شرکت نکنیم. وقتی ورزشکاری از کشور خارج میشود، موظف است که برود انقلابش را، سلامش را، کشورش را و ملتش را در آنجا معرفی کند و "مستوره" انسان های قهرمان افسانه ای ایران را به دنیا نشان بدهد... همه وظیفه رسانه های گروهی این نیست که اخبار صحنه های مثلاً فوتبال و کشتی و دیگر ورزشها را منعکس کنند، بلکه قسمت مهم ترین آنست که مردم را نسبت به مسئله ورزش توجیه کنند و همچنین مردم را نسبت به ورزش جهت دادن و تشویق کنند... هم آموزش و هم جهت دادن و هم اینکه نشان بدیال می شود. اینها جزو کارهای رسانه های گروهی است: "سخنان امام خمینی و رئیس جمهور در هفته گذشته افق های وسیعی را در خلوص ورزش و ورزشکاران و دوستداران ورزش گشود. این موضوعی ها که میتواند سنگ پایه ای برای تدارک برنا مریزی های گسترده تر و تحرک بیشتر در کار ورزش ایران انقلابی باشد، به همه ورزشکاران و ورزش دوستان این نوید را میدهد که رهبر انقلاب و مسئولان درجه اول مملکت با جدیت و دقت به امور ورزش و پیشرفت آن توجه دارند و خواهد آن گسترش و غنی تر شدن آن چنان که در خورا ایران انقلابی باشد هستند."

مانیز امیدواریم که مسئولان و دست اندرکاران ورزش و خصوصاً سازمان تربیت بدنی، با استفاده از جو مناسب و مطلوبی که اکنون موجود آمده است، تلاش های خود را در جهت تهیه امکانات ورزشی، آموزش و گسترش ورزش در بین مردم، تربیت مربیان و متخصصین و گسترش امکانات شرکت در فعالیت های ورزشی میان مردم سرعت و عمق بیشتری بدهند.

ضایعه ای برای جامعه ورزش

جامعه ورزش ایران در هفته گذشته به سوگ یکی از مسئولان خود نشست. عبدالله گرمی نوری، رئیس سابق فدراسیون ورزش های باستانی، در بزم گزاری ضد انقلاب در میدان سپاه (عشرت آباد) تهران به شهادت رسید و نامش در کنار ده تن دیگر شهیدای این فاجعه، که به دست عوامل امریکا صورت گرفت، ثبت شد. مراسم بزرگداشت این شهید در باشگاه فهمید تهران و با شرکت مصطفی داودی رئیس سازمان تربیت بدنی محمد خرمی رئیس فدراسیون کشتی عباس حاجیان رئیس فدراسیون ورزش های باستانی امیر هاشمی سرپرست ورزشگاه آزادی و جمعی از دوستان و آشنایان شهید برگزار شد. شهادت عبدالله گرمی نوری رابه خانواده وی و جامعه ورزش ایران و به

کارگران متحد

داخلی آن مطرح کرده است. بدون این اتحاد بر آن دشمن چیره نمیتوان شد و این دشمن همواره در کمین است. نظر به این کمین گیری آن اتحاد نیز باید پا برجاست و مستدام بماند. در این رهگذر هیچ بهانه ای مسموع و هیچ شرایطی مشروع نیست، زیرا هیچ امری از این مهمتر و تعهدآورتر نمیتواند باشد. طبقه کارگر ایران نیز بمثابه گردان جلودار چنین رژیم دوران سازی نمیتواند بدون اتحاد، در چنین پهنه سهمگینی وظایف خویش را بدرستی و به تمامی نیک به انجام رساند. گفته اند اتحاد ضامن پیروزی است. هم پای و همپوئی رمز و ضرورت ظفر نمون طبقه کارگر ایران در دفاع از انقلاب و ایفای نقش تاریخی اوست.

ورزش در هفته گذشته

جهان، که در کانادا برگزار میشود، شرکت میکند. در ارتباط با بازی های آسیایی هندوستان همچنین اعلام شد که ورزشکاران شرکت کننده در این بازی ها، در پایان مسابقات آمادگی خود در خارج از کشور، در یک اردوی ۴۵ روزه شرکت خواهند کرد.



صحنه ای از دیدار تیم های شاهین و جوانان جمهوری دمکراتیک خلق کره

فوتبال: همچنان خبرساز

ورزش فوتبال بی تردید یکی از پربیننده ترین و جذاب ترین رشته های ورزشی در کشور است. در هفته گذشته حضور تیم جوانان جمهوری دمکراتیک خلق کره در کشور ما و دیدارهایی که این تیم با برخی از تیم های کشورمان داشت، و نیز آغاز مسابقات قهرمانی باشگاه های تهران مهمترین رویدادها را تشکیل می دادند. تیم جوانان جمهوری دمکراتیک خلق کره در این هفته مسابقات خود را به پایان رساند، و این در حالی بود که این تیم حتی موفق به کسب یک پیروزی هم در بازی های خود در ایران نشد. تیم کره ۶ موکراتیک در برابر شاهین تهران یک بر صفر و در مقابل منتخب تهران (قهرمان جام قاعد اعظم پاکستان) ۲ بر ۱ شکست خورد و بازی با تیم اهواز را در این شهر یک بر یک به پایان برد. بازی های جام باشگاه های تهران نیز از روز پنجشنبه ۲۴ اسفند در ورزشگاه شهید شیرودی تهران آغاز شد. این مسابقات، پس از یک هفته، به مدت ۲ ماه تعطیل خواهد شد و در این مدت فدراسیون فوتبال، علاوه بر مرمت و تعمیر کاری زمینها، به برپایی کلاسهای مربیگری فوتبال، داوری و ایدئولوژی دست خواهد زد.



وقایع مهم جهان در یک هفته

اعتصاب همگانی

در مناطق اشغالی فلسطین

ساکنان بلندی های جولان به اعتصاب همگانی خود که در ۲۴ دی ۶۰، (۱۴ فوریه ۸۲) به اعتراض علیه الحاق این بخش از خاک سوریه از سوی اسرائیل آغاز کردند، ادامه دادند. اعتصابگران خواستار آزادی دهنن از هیران خود شدند، که نیروهای اشغالی، آنها را بخاطر سازماندهی اعتصاب دستگیر کرده بودند.

همه چیز برای نیکروزی انسانها

گس هال دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در بیانیه ای که در "پراودا" (اتحاد شوروی) منتشر شد، از موضع رهبری حزب های کمونیست ایالتها و اسپانیا درباره کشورهای سوسیالیسم واقعی انتقاد کرد.

کمک بی دریغ اتحاد شوروی به لهستان

با این گفته لئونید برژنف، که اتحاد شوروی حداکثر امکانات خود را در اختیار لهستان گذاشته است و خواهد گذاشت، استوارتر شد. ورونسکی از سخنان پاروولسکی نیز درباره اینکه لهستان سوسیالیستی بود، هست و خواهد بود، ابراز خوشنودی کرد.

دستاوردهای چشمگیر افغانستان

دولت افغانستان پیش نویس برنامه اقتصادی اجتماعی بودجه ملی سال ۱۳۶۱ این کشور را تصویب کرد. سلطان علی گلشتمند، نخست وزیر افغانستان، در کابل گزارشی درباره دستاوردهای افغانستان در سال ۱۳۶۰ ارائه داشت. گفته وی علیرغم "جنگ اعلام نشده" امپریالیست ها، دستاوردهای افغانستان در سال گذشته چشمگیر بوده است. سلطان علی گلشتمند کمک های بیدریغ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را به کشور خود ستود.

اتحاد مردمان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ۰۱۰ به دین) آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

ارگان اتحاد مردم کراتیک مردم ایران

مداخله تجاوزکارانه "واشینگتن"

در آمریکای مرکزی

را "واشینگتن" برای "قانونی ساختن رژیم سان سالوادور طرح ریخته است. والریان زورین، نماینده اتحاد شوروی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، این کمیسیون را فراخواند، تا "خونتا"ی سالوادور را به خاطر نقض حقوق بشر محکوم کند. وی همچنین خواستار آن شده، ایالات متحده آمریکا از کمک کردن به "خونتا" دست بردارد.

خواهیماهای جاسوسی آمریکا بفرساز نیکاراگونه

روز دوشنبه ۱۷ اسفند ۶۰ (۸ مارس ۸۲) نیروهای ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای بلوک "ناتو" مانورهای دریایی بزرگی را در کارائیب و خلیج مکزیک آغاز کردند. این مانورها، که "سیف پاس" ("گذر امن") نام دارد، بخشی از سیاست ستیزه آمیز "واشینگتن" علیه کوبا و نیکاراگونه است و به مشابه تدارک برای حمله به سالوادور به شمار می آید.

در پایان این مانورها، "پنتاگون" در مانور دیگری نیرو به پایگاه گوانتانامو واقع در خاک کوبا، گسیل خواهد داشت. نیکاراگونه به پرواز هواپیماهای جاسوسی آمریکا بر فراز خاک خود بشدت اعتراض کرد. در اعتراضی که از سوی دولت نیکاراگونه به سفارت ایالات متحده آمریکا تسلیم شد، این اقدام "نقض آشکار قوانین بین المللی" توصیف می گردد.

"واشینگتن" برای "قانونی ساختن رژیم سان سالوادور طرح ریخته است. والریان زورین، نماینده اتحاد شوروی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، این کمیسیون را فراخواند، تا "خونتا"ی سالوادور را به خاطر نقض حقوق بشر محکوم کند. وی همچنین خواستار آن شده، ایالات متحده آمریکا از کمک کردن به "خونتا" دست بردارد.

انتخابات قلابی در گواتمالا در گواتمالا تظاهراتی در برابر

به گزارش خبرگزاری ها، در ماه ژانویه ۸۲ نیروهای رژیم "دوآرتیه" در استان سان ویسنته، در شرق پایتخت، بیش از صد غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان را در سه به قتل رساندند.

مضحک "انتخاباتی" در سالوادور "انترناسیونال سوسیالیستی" اصطلاح "انتخابات" سالوادور را، که قرار است روز ۸ فروردین ۶۱ (۲۸ مارس ۸۲) برگزار شود، "استهزای دمکراسی" خواند. این سازمان، در بیانیه ای که در لندن انتشار داد، افزود که، نتایج این انتخابات "رأی نمی توان قانونی" به حساب آورد، زیرا که احزاب مخالف حق شرکت در آن را ندارند.

آمریکا با جنگ افزارهای شیمیایی قصد نابودی حیات را در جهان دارد

هائونان هون، معاون وزارت خارجه کامبوچیا، به بیان های آمریکا را درباره کاربرد مواد شیمیایی سمی از سوی ویتنام و کامبوچیا "اوج بی کاری" اظهار داشت که: "واشینگتن برای منحرف ساختن نظارت از تولید انواع جدید جنگ افزارهای امحای تودهای به ایمن دروغ متوسل شده است." نماینده اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد گفت که، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هنوز حاضر است که مذاکرات درباره منع جنگ افزارهای شیمیایی را از سرگیرد. ولادیمیر شوستوف در کنفرانس مطبوعاتی در نیویورک یادآور شد که، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۰ گفتگو درباره این مسئله را با اتحاد شوروی یک سو قطع کرد. نماینده اتحاد شوروی تصمیم دولت ریگان را درباره تولید جنگ افزارهای هسته ای به باد انتقاد گرفت. ذخیره سلاح های شیمیایی آمریکایی، تواند به نابودی زندگی در سراسر جهان منجر شود.

سود انحصارهای بین المللی در ۸ سال دو برابر شد

جدول زیر که از مجله آمریکائی "فورچون" گرفته شده است، سود ناویژه ۷۰۰ انحصار عمده جهان سرمایه داری را در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ به میلیارد دلار نشان می دهد:

سال	۱۹۷۵	۱۹۷۰
انحصار صنعتی عمده آمریکائی	۲۱/۷	۶۱/۵
انحصار صنعتی عمده غیر آمریکائی	۰/۷	۴۲/۴
جمع ۷۰۰ انحصار عمده جهان سرمایه داری	۲۹/۴	۱۰۳/۹

درسهای از ...

بقیه از صفحه ۳

متاسفانه بسیاری از مزارع و اراضی زیرکشت در روستاهای میهنمان از این نعمت بی بهره اند و دیمی مشروب می شوند. همچنین زمین های وجود دارند، که به علت کمبود آب زراعی کشت نشده اند.

خوشبختانه در سال زراعی گذشته میزان بارندگی در بیشتر نواحی مطلوب بود و توانست شمرات فراوانی ببار آورد (گذشته از اینکه در برخی نواحی، مانند استان بوشهر، هرمزگان سیستان و بلوچستان میزان بارندگی نسبت به سال های پیش کمتر بود و توانست خشکسالی بوجود بیاورد و به تولید محصولات ضربه بزند) اما نمی توانیم مانند همیشه، به گفته وزیر کشاورزی: " یک اقتصاد دهن به هوا داشته باشیم ". به همین جهت پاییزی یک سیستم صحیح آبرسانی و استفاده از منابع آبی شدیداً احساس میشود.

رساندن سایر خدمات کشاورزی به کشاورزان یکی دیگر از اقدامات ضرور است، که باید در جهت تامین هدفهای فوق انجام پذیرد.

در این زمینه وزارت کشاورزی و نهادهای انقلابی، تاکنون توانسته اند کمک های چشمگیری بیش از سالهای گذشته به دهقانان عرضه کنند.

مسئله حاد دیگر مشاع ها و انجام امر کشت بر روی زمین های وسیع تعاونیها و مجتمع مشاع ها است. که امیدواریم " اتحاد مردم " در آینده بتواند به آن بپردازد، با وجود آنکه در گذشته نیز بارها بر آن تاکید داشته ایم.

خرید عادلانه

محصولات کشاورزی

خرید محصولات کشاورزان توسط دولت و با قیمت عادلانه و از این طریق کوتاه کردن دست واسطه ها، دلالان و سلف خرها، کماً آنها نیز جملگی " تروریستهای اقتصادی " هستند و در دامن زدن به گرانی و کمبود مصنوعی و احتکار محصولات و دسترنج کشاورزان نقش موثر دارند، از ضروریات درجه اول است. در این زمینه نیز از جانب دولت اقدامات عملی مثبتی صورت گرفته است. نتایجی که تاکنون از خرید محصولات کشاورزان توسط دولت بدست آمده، نشان می دهد که نسبت به سالهای قبل از فزونی چشمگیری برخوردار بوده است. تعیین قیمت عادلانه برای خرید محصولات کشاورزان (از جمله دو محصول عمده گندم و برنج) توسط دولت، همزمان با یک رشته تدابیر اقتصادی و توضیحی و تشویقی دیگر، میتواند حربه احتکار و گران فروشی را از دست واسطه ها و دلالان زالو صفت بازستاند. همچنین برای رفاه حال کشاورزان در این زمینه لازم است که تعاونی های خرید گسترش یابد.

برنامه ریزی کشت

شرایط کنونی کشور، محاصره اقتصادی و عدم کشت و کار مطلوب در مناطق جنگ زده و ... ایجاب میکند که برای کشت محصولات کشاورزی، برنامه دقیق و همه جانبه ریخته شود. در این برنامه نخست باید کشت عمده ترین و حیاتی ترین محصولات زراعی گنجانده شود و از لحاظ این محصولات کشور انقلابی ما را به سوی خودکفایی ببرد. در ضمن همکاری مشترک و تنگاتنگ ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی همچون وزارت کشاورزی و سازمان های وابسته، جهاد سازندگی، هیئت های واگذاری زمین و دیگر نهاد ها و ارگانها از طریق شوراهای کشت، در انجام این برنامه و جهت دادن به کشت و رعایت تناوب کشت، همچون سال زراعی گذشته و بیش از آن، ضرورت دارد. از این درسهای سال زراعی گذشته باید

سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت و تجربه اندوزی

از مبارزات گذشته

شگفت جنبش ملی شدن نفت و پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قبل از هر چیز نتیجه عدم شناخت خطر امپریالیسم آمریکا، افتادن رهبران جنبش در دام تبلیغات کمونیسم ستیزی، خیانت بورژوازی ایران به آرمان های ملی، مخالفت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران با تحولات اجتماعی ضروری و گارانتی تبلیغات امپریالیست ها و ارتجاع داخلی در ایجاد تفرقه بین نیروهای ملی و مترقی بود. ایران انقلابی باید از این تجربه تلخ تاریخی درس بگیرد. پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران دورانی را آغاز کرده است که کشورهای نفت خیز در حال رشد با آزادی می توانند وارد بازار جهانی نفت شوند، از معاملات برابر حقوق و فروش نفت به قیمت واقعی بهره مند گردند و از این ثروت گرانبها برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خود استفاده نمایند. ایران انقلابی می تواند صنعت نفت خود را وسیله پیشرفت و شکوفایی اقتصاد ایران قرار دهد و به کشورهای پیشرفته تولید کننده ماشین آلات صنایع اکتشاف، استخراج و پالایش نفت، پتروشیمی، گاز و تولید کننده دهها هزار کالای مختلف بر مبنای مواد خام گاز و نفت بدل شود.

ملیتی و دست نشاندهگان امپریالیسم در همه زمینه ها در آورد. ایران از نظر از دست دادن استقلال سیاسی و اقتصادی به همان وضعی درآمد، که قبل از انقلاب مشروطه، قبل از جنگ اول جهانی، پیش از ملی شدن نفت، به آن دچار شده بود؛ تنها با این تفاوت که، این بار امپریالیسم غارتگر، جنایتکار و تجاوزگر آمریکایی تمام رشته های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی در کشور ما چنگ انداخته بود.

واکنش شدید مردم ما، در قبال وضعی که رژیم کودتا و سلطه امپریالیسم برای کشور ما ایجاد کرده بود، امری تصادفی نبود. انفجار انقلابی بهمین ۱۳۵۷ تنها پاسخی بود که می توانست و باید به اوضاع و احوالی که برای کشور و جامعه ما ایجاد شده بود، داده می شد. انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران به درستی سرلوحه مبارزات خود را از گون ساختن رژیم وابسته سلطنتی، پایان دادن به سلطه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، لغو قراردادهای اسارت آور امپریالیستی و در راستای آنها قراردادهای ننگین با کسرسیوم بین المللی نفت تعیین نمود. بدون اینها و بدون خط بطلان کشیدن بر همه پیمان های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اسارت - باری که امپریالیست ها طی ربع قرن بر ما تحمیل کرده بودند، بدون راندن جاسوسان و عمال امپریالیسم از کشور طریقه دیگری برای باز کردن راه مردم ایران به سوی کسب و تحکیم استقلال سیاسی، شکوفایی اقتصادی، پیشرفت اجتماعی ممکن و میسر نبود. گذشت سه سال پس از پیروزی انقلاب، این واقعیت را تمام و کمال به اثبات رسانیده و می رساند.

اما امپریالیست ها، به ویژه امپریالیسم آمریکا و انحصارات بین المللی نفت، با وجود تمام شکست های که در مقابل با انقلاب مردم ایران متحمل شده اند، هنوز هم حاضر نیستند از توطئه های گوناگون خود علیه انقلاب اسلامی ایران دست بردارند. فی الواقع هم آنان نمیتوانند از ادامه توطئه های مسخ و براندازی انقلاب دست بردارند. زیرا پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها به معنی پایان بخشیدن به سلطه انحصارات نفتی بر ذخایر و صنایع نفت ایران، که به نوبه خود سهم بزرگی از ذخایر جهانی نفت را تشکیل میدهد، نیست.

پیروزی انقلاب اسلامی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران آغاز پایان سلطه انحصارات امپریالیستی بر همه کشورهای نفت خیز در حال رشد، ترقی و شکوفایی این کشورها، تحکیم مواضع نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر منطقه و جهان است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به معنی آغاز طرد کامل سرمایه های امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی آمریکا، انگلیس، هلند و فرانسه از اعضا کارتل بین المللی نفت (هفت خواهران) از مهمترین و غنی ترین مناطق نفت خیز جهان، یعنی کشورهای حوزه خلیج فارس به شمار میرود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران دورانی را آغاز کرده است که کشورهای نفت خیز در حال رشد با آزادی میتوانند وارد بازار جهانی نفت شوند، از معاملات برابر حقوق و فروش نفت به قیمت واقعی بهره مند گردند و از این ثروت گرانبها برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خود استفاده نمایند. در سایه تثبیت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای نفت خیز در حال رشد میتوانند به ایجاد صنایع واقعی نفت،

که شامل استفاده شریکتر از ذخایر نفت و گاز به سود صنعتی شدن و تامین استقلال اقتصادی است، دست بزنند و به شکوفایی اقتصادی و رشد اجتماعی نائل آیند.

لذا مقاومت و مخالفت امپریالیست ها و انحصارات نفتی با چنین روندی به هیچ وجه تصادفی نیست. همانگونه که مقاومت و مخالفت با انقلاب پیروز مند مردم ایران از جانب دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آن، در اصل هدف بازگرداندن سلطه آنان بر ذخایر و منابع نفت ایران و وسط غارت و استثمار بیشتر همه کشورهای نفت خیز را تعقیب میکند. نتیجه اینکه، میل به غارت مجدد ذخایر نفت و بهره برداری از صنایع نفت از جانب انحصارات غارتگر امپریالیستی نفت، تسلط استراتژیکی بر این ذخایر و حوزه غنی نفتی خلیج فارس و کشورهای اطراف، که از لحاظ نظامی نیز واجد اهمیت است، آن عامل اساسی و عمده ای است که دول امپریالیستی را به تلاش های دیوانه وار علیه انقلاب اسلامی ایران سوق میدهد و آنان را به تجهیز همه نیروهای ارتجاعی، چه در منطقه و چه در داخل ایران، علیه حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران تحریک میکند.

در قبال تحریک ها و توطئه های دول امپریالیستی به سرکردگی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، که یک گویه آن جنگ تحمیلی صدام جنایتکار به منظور تخریب صنایع نفت ایران و انهدام کامل آن در کشور است، سیاست ما بر حفظ و گسترش این صنعت مهم، بعنوان یکی از رشته های اساسی اقتصاد ایران امروز و آینده باید استوار باشد. امپریالیسم در مدت بیش از هفتاد سال، غارت ذخایر و صنایع نفت ما را وسیله عقب ماندگی و استثمار کشور ما قرار داده بود. ما میتوانیم و باید صنعت نفت خود را وسیله پیشرفت و شکوفایی اقتصاد ایران قرار دهیم، و با رشد همه جانبه این صنعت، در کلیه زمینه های بهره برداری از ذخایر گاز و نفت، به آنجا برسیم که، از هر فوت مکعب گاز و هر قطره نفت، به صورت کالای آماده برای مصارف صنعتی، کشاورزی و مصرف عمومی استفاده کنیم. ما میتوانیم و باید تولید کننده و صادر کننده دهها هزار کالای با شیمی، که از گاز و نفت و مشتقات آنها به دست می آید. کشور ما میتواند کشور صنایع پیشرفته تولید کننده ماشین آلات، صنایع اکتشاف، استخراج و پالایش نفت، پتروشیمی، گاز و تولید کننده دهها هزار رقم کالاهای مختلف بر مبنای مواد خام گاز و نفت باشد. استراتژی میان مدت و دراز مدت ما در نفت باید بر ایجاد صنایع

حقوق مردم محروم که عموری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود امام حسین

برای سال نوی که می آید بپند گرفت و در صدر آنها ضرورت بی تردید انجام اصلاحات ارضی پیگیر و بنیادین را به واقعیتی بدل کرد که کشاورزی ما را به شکوفایی و کشاورزان زحمتکش ما را به پیروزی برساند.

بقیه از صفحه

توطئه ضد انقلابی امپریالیسم در لهستان عقیم ماند

جهان در سالی که گذشت

در پیامد پاره‌ای از عوامل عینی و ذهنی، پدیده‌های بحرانی، که از نزدیک به یکسال و نیم پیش در لهستان نمایان شد، در سال گذشته نیز ادامه یافت. از یکسو حاکمیت مردمی لهستان و در درجه نخست "حزب متحد کارگری لهستان" همه کوشش صمیمانه خود را برای برون رفت از این بحران بکار بردند و از سوی دیگر عناصر ضد سوسیالیستی و پشتیبانان امپریالیستی آنها از هیچگونه تلاشی برای دامن زدن به آن فروگذار نکردند.

کمونیست‌های لهستان بویژه در کنگره یازدهم فوق‌العاده خود در تابستان ۱۳۶۰، پس از ارزیابی همه‌جانبه و انتقادی از عوامل بحران، راه برون رفت از آنرا نیز نشان دادند آنها ثابت کردند که، بخلاف ادعاهای مفرضانه دشمنان، ریشه بحران لهستان را نه در سرشت سوسیالیسم، بلکه در نادیده انگاشتن قانون-مندی‌ها و کوشش ناکافی برای تحکیم آن باید جستجو کرد. رهبری لهستان گفتگوهای صمیمانه‌ای را با "همبستگی" و دیگر نیروهای کشور برای همکاری و همگامی در راه چیرگی بر بحران و نوسازی سوسیالیستی آغاز نهاد. اما بزودی آشکار شد که در عناصر ضد سوسیالیستی، بویژه سرکردگان افراطی "همبستگی" چنین صمیمیتی را نباید انتظار داشت. هدف آنها به هیچ روی نیکروزی ادعایی آنها برای خلق لهستان نبود، بلکه آن‌ها، همچون با مقاصد ضد سوسیالیستی و ضد خلقی خود، تنها به دامن زدن همه‌جانبه بحران جامعه لهستان دست می‌یازیدند و در نهان و به یاری سخاوت-مندان کشورهای امپریالیستی، براندازی حاکمیت سوسیالیستی و مردمی لهستان و گسست آنرا از خانواده کشورهای سوسیالیستی تدارک می‌دیدند.

در آستانه یک کودتای ضد انقلابی، روز یکشنبه ۲۲ آذرماه ۱۹۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) ویتسک، یاروزلسکی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و نخست‌وزیر و وزیر دفاع ملی جمهوری خلق لهستان، در پیامی رادیویی خطاب به مردم لهستان، تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" را در این کشور اعلام کرد.

یاروزلسکی گفت:

"دولت در نتیجه خطر فوری که کشور را تهدید می‌کرد و به علت اقدامات مسئولیت‌نشانانه عناصر افراطی "همبستگی"، که آشکارا در صدد احراز قدرت بودند، این گام را برمی‌دارد"

یاروزلسکی ادامه داد:

"به ماجراجویان، پیش از آنکه کشور را به ورطه جنگ برادر کشی بکشانند، باید دستبند زد"

وی افزود:

"شورای نظامی رستگاری ملی" جایگزین نهادهای قانون اساسی نخواهد شد. تنها وظیفه آن حفاظت از قانون و تضمین برقراری نظم و انضباط است. بدین ترتیب، خواهیم توانست کشور را از بحران و فروپاشی رهایی بخشیم"

رهبر لهستان همگان را فراخواند، تا در راه برقراری آرامش عمومی و بازگشت اقتصاد ملی به شرایط عادی و استقرار اعتماد و احترام به نهادهای دولتی بکوشند. وی همچنین از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" خواست، تا صفوف خود را متحدتر سازند، زیرا که حزب نیروی راهنمای جامعه است و پیوسته در راه تحکیم و ادامه ساختمان سوسیالیسم در کشور می‌رزد"

ژنرال یاروزلسکی خطاب به کشورهای سوسیالیستی گفت:

"مردم لهستان برای دوستی و کمکهای برادرانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی ارج فراوان قائلند. هم‌پیمانی اتحاد شوروی و لهستان سنگ‌پایه منافع خلق لهستان و وثیقه نقض ناپذیری مرزهای لهستان باقی خواهد ماند. لهستان کماکان حلقه‌ای وفادار در "پیمان ورشو" و جامعه کشورهای سوسیالیستی خواهد بود"

در روزهای نخستین برقراری حکومت نظامی اسناد فراوانی در افشای دسیسه‌های ضد انقلابی عناصر ضد سوسیالیستی و پیوندهای آنها با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در رسانه‌های گروهی لهستان به چاپ رسید. بر پایه این اسناد، کشورهای امپریالیستی از "توریست‌ها" و کارمندان سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و دیگر نمایندگان خود برای



"گورستان" مزدوران امپریالیسم آمریکا برای رزمندگان راه آزادی

فعالیت‌های جاسوسی علیه لهستان استفاده می‌کردند. کشورهای "ناتو" ارتباطات خود را با "همبستگی" به سطح "مناسبات دولتی" ارتقاء بخشیده بودند. در وزارت خارجه این کشورها ستادهایی برای ارتباط با "همبستگی" دایر شده بود. سازمانهای جاسوسی خارجی به "همبستگی" توصیه می‌کردند که هر چه بیشتر با



خلق السالوادور می‌رزد و پیروزی می‌شود.

۲۴۰ تن از فعالان همبستگی بطور منظم از خارج پول واریز می‌شد. تلویزیون ورشو در قلمی از تماس‌های مستقیم موجولسکی، سرکرده گروهک ضد انقلابی "کنفدراسیون لهستان آزاد" با دولت آمریکا و کانونهای خرابکاری امپریالیستی پرده برداشت. موجولسکی گفته بود که: "کمونیستها را باید کشتار کرد". در این فیلم فاش شد که این "کنفدراسیون" در زرادخانه‌های خود برای کشتار ۸۰ هزار تن از کمونیست‌های لهستان سلاح گردآورده بود. فرستنده‌های رادیویی آمریکا در کنسولگریهای این کشور در کراکو و پوزنان، حتی بعد از درهم شکسته شدن توطئه کودتا، به تحریک مردم به مقابله با دولت لهستان ادامه می‌دادند.

قرار بود افراطیون "همبستگی" به خیابان-های ورشو بریزند و رادیو و تلویزیون را تصرف کنند. "همبستگی" همچنین می‌خواست یک باصطلاح "شورای همگانی اقتصاد" برپا سازد، که بعدها به "دولت موقت" بدل گردد.

در پرتو این توطئه‌های براندازانه، که در بالا تنها گوشه‌ای از آن آمد، "سیم" (پارلمان لهستان) در تایید "شورای نظامی رستگاری ملی" اظهار داشت:

"رویدادهای پیش از ۳۰ دسامبر (۹ دی ۶۰) خطری بزرگ برای کشور بشمار میرفت و برقراری حکومت نظامی ضرور و گزینشی کم زبان تر بود"

با تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" اوضاع لهستان رفته رفته به حالت عادی بازگشت. بخلاف کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، که به یاری اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک لهستان در پهنای گسترده شتافتند، شکست کودتای ضد انقلابی و روند عادی شدن اوضاع در لهستان، خشم ارتجاعی-ترین محافل امپریالیسم، بخصوص دولت‌ریگان را برانگیخت.

به قول روزنامه لهستانی "ژول نیررز وول توستی":

"آنچه خشم علیه لهستان را برانگیخت این بود، که مقامات لهستانی کودتای ضد انقلابی را پیش بینی کرده بودند، در حالی که دولت ایالات متحده آمریکا انتظاراتی دیگر داشت."

در این رهرو، ریگان کارزار سیاسی و تبلیغاتی وسیعی را علیه لهستان و اتحاد شوروی به راه انداخت. تحریم اقتصادی لهستان و اتحاد شوروی تنها یکی از باصطلاح "مجازات‌های این دو کشور بود. بجرئت میتوان گفت که شاید ریگان در این زمینه هیچ یک از موازین و قوانین بین‌المللی را ناپایمال شده باقی نگذاشت روزنامه "تریبونالودو" نوشت:

"رویدادهای لهستان تنها دستاویزی بیش نبوده است و در واقع رئیس جمهور آمریکا حق پیشیزی ارزش برای کشور ما قائل نیست. اما سخن گفتن با جهان سوسیالیسم از موضع قدرت همیشه

بیهوده بوده است و خواهد بود. لهستان خود از پس دشواریهای خویش برخواید و مدد و دستاویز وفادارش در این راه به آن کمک خواهند کرد."

در واقع، رویدادهای لهستان نیز تنها بهانه‌ای برای پرده پوشیدن بر مقاصد شیطانی امپریالیسم آمریکا بود و هست. از جمله این مقاصد میتوان از شتاب بخشیدن به خواستهای تنش فزاینده، تفرقه‌اندازی در جبهه ضد-امپریالیستی، بویژه در اردوگاه سوسیالیسم، و منحرف ساختن افکار عمومی از تضادها و دشواریهای کنونی جهان سرمایه‌داری نام برد. تکرار حکم میتدل و رسوای "دست مسکو" نیز حتی ذره‌ای از این واقعیت نمی‌کاهد. به گفته لئونید برژنف، "نظام اجتماعی لهستان را نه "واشنگتن" برگزیده است و نه "مسکو" و نه پایتختی دیگر. بنابراین، هیچکس حق ندارد به رهبری لهستان بگوید که چگونه مسائل داخلی خود را حل کند"

کارزار ضد لهستانی و ضد شوروی ریگان چنان مفتضح بود، که حتی بیشتر متحدان اروپای غربی آمریکا نیز حداکثر در گفتار در آن شرکت جستند.

برونو کرایسکی، صدراعظم اتریش، رهبری ایالات متحده آمریکا را به اتخاذ "مشی مزرانه" در قبال رویدادهای لهستان متهم کرد. وی افزود:

"آنها که ما موران نظارت بر ترابری هوایی را در آمریکا دستبند زده می‌بینند، به هیچ زوی به همدردی رهبران آمریکا با "همبستگی" باور نمی‌کنند"

بگفته، مادام کولت فلش، نخست وزیر لوکزامبورگ، انگیزه اقدامات تبعیض آمیز ایالات متحده آمریکا علیه لهستان و اتحاد شوروی را باید در "هدف‌های خودپسندانه آمریکا" جستجو کرد، که "به هیچ روی پاسخگوی منافع کشورهای "بازار مشترک" نیست"

از موضع بی

گفتم: "شورا ...
گفت: "شورا بی شورا ...
گفتم: "سندیکا ...
گفت: "بی سندیکا ...
گفتم: "آخر کارگر ...
گفت: "بی کارگر، ما با کارگر باج نمیدهیم ...
گفتم: "پس کارفرما ...
گفت: "کارگر، کارفرما از نظر مایکی است، هر کس کار کرد، کارگراست ...
گفتم: "عدالت اجتماعی ...
گفت: "بی عدالت اجتماعی ...
گفتم: "آخر انقلاب ...
گفت: "....."

جهان ...

بقیماز صفحه ۱۶

هلموت اشمیدت، صدراعظم آلمان غربی، در مصاحبه‌ای با "نیویورک تایمز" در آستانه دیدار خود از آمریکا، اظهار داشت که "مجازات اقتصادی اتحاد شوروی بی‌تاثیر خواهد بود، و افزود که، دولت لهستان، آنچه را که به صلاح کشور می‌دانست، انجام داد. و بالاخره آندریاس پایاندربو، نخست‌وزیر یونان، خاطر نشان ساخت که: "چنین تدابیری نه تنها به عادی شدن اوضاع در لهستان کمک نخواهد کرد، بلکه به وخامت بیشتر شرایط در لهستان و تیرگی مناسبات میان شرق و غرب خواهد انجامید". بدینسان، کارزار ضد لهستانی ریگان و دارودسته امپریالیستی او، که از آغاز محکوم به شکست بود، نافرجام باقی ماند و جز رو سباهی، و رسوایی برای مبتکران راه‌آوردی نداشت. از سوی دیگر، لهستان سوسیالیستی با تجربه‌اندوزی از دسیسه‌های امپریالیسم و ارتجاع و خطاهای گذشته همچنان راه سوسیالیسم را خواهد پیمود.

بیکار خلق السالوادور

- مظهر جنبش آزاد بخش آمریکای

مرکزی بر ضد امپریالیسم آمریکا

آمریکای مرکزی و لاتین به یکی از بزرگترین میدانهای هم‌آورد جنبش‌های آزادی بخش ملی با نیروهای امپریالیستی، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، و ارتجاع جانورخوی بومی بدل شده است. در این بیکار سهمگین، بویژه باید از مبارزه دلیرانه مردم السالوادور برهبری "جنبش آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی" و "جبهه دمکراتیک انقلابی"، علیه "خونتا"ی سرکوبگر و وابسته به آمریکای این کشور در سال گذشته یاد کرد. نیروهای "خونتا" برای درهم شکستن جنبش مسلحانه مردم السالوادور از هیچگونه ددمنشی برهیز نمی‌کنند. "خونتا" در بیش از دوسالی که از حکومت منحوس آن میگذرد، تاکنون بیش از ۴۰ هزار تن از السالوادوری‌ها را فجیعانه به قتل رسانده است. نیروهای "خونتا" تنها در یکی از باصطلاح "عملیات تنبیهی"، که آمریکایی‌ها آنها را برنامه‌ریزی می‌کنند، به کشتار بیش از هزار تن از اهالی بیگانه استان شمالی موراسان، از جمله کودکان زنان و سالمندان، دست زدند. کارشناسان آمریکایی "خونتا" رژیم خونخوار این کشور را حتی به ریختن میکرب بیماری‌های واگیر در رودخانه‌های السالوادور برانگیخته‌اند. بدین سان، آمریکایی‌ها و مزدوران آنها باردیگر برای تأمین حاکمیت چپاولگرانه خود به خلق کشتی دست می‌بازند. به گزارش سازمان ملل متحد، تاکنون حداقل ۳۰ هزار السالوادوری مجبور به جلائی وطن شده‌اند. از سوی دیگر، سازمانهای انقلابی از مهاجرت اجباری بیش از ۷۰۰ هزار السالوادوری سخن می‌گویند. پناهندگان السالوادوری حتی برون از مرزهای این کشور از اختناق "خونتا"ی سان سالوادور آیین نیستند و اردوگاههای آنها در هندوراس و گواتمالا بارها آماج تهاجمات نیروهای کشورهای نامبرده و پیگرد سران مزدور رژیم السالوادور قرار گرفته است.

برغم همه تلاش‌های مذبحخانه "خونتا" برای تأمین ادامه حکومت ننگبار خود، زرمندگان السالوادوری در سال گذشته به

از موضع وطن

* خواننده‌ای که نامه خود را - "مرضیه - گ"، "هوادار اقلیت" امضا کرده، خواستار آن شده است که به سئوالات او و همفکران وی پاسخ داده شود. او می‌نویسد: "من به عنوان یک ایرانی که معتقد به طبقه کارگر هستم و راه طبقه کارگر را در یک گروه م-ل (اقلیت) دیدم، ولی وقتی به جهان فکر کردم و تغییرات آن به نفع سوسیالیسم وارد نگاه انقلاب، فهمیدم که من چقدر ضربه به جنبش می‌توانستم بزنم بطور ناآگاه. ولی کارهای دولت جمهوری اسلامی را نمی‌توانم درک کنم. از شما خواهش می‌کنم برای و برای کسان دیگر هم که از این واقعیت می‌ترسند که نامه برای شما بنویسند، جواب دهید."

"مرضیه - گ" سپس سئوالاتی را که برای او و نظایر او مطرح است، در نامه خود دگر می‌کند.

در پاسخ "مرضیه - گ" و دیگر کسانی که در جستجوی پاسخ به سئوالات خود هستند، ولی هنوز گرایش‌های کاملاً متضاد و عملکردهای متفاوت و وجود خطوط کاملاً مجزا در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را درک نمی‌کنند، باید گفت که ما تا به حال در این باره بسیار سخن گفته‌ایم. هر شماره "اتحاد مردم" سرشار از بررسی مسائل گوناگون و توضیح عملکردهای مختلف در جمهوری اسلامی ایران است. به هر حال، بطور خلاصه باید بگوئیم که تمام تضادهایی که "مرضیه - گ" و همفکران او در عملکردها حاکمیت مشاهده کرده و متذکر شده‌اند، به دو علت وابسته‌اند:

نخست: وجود دو جریان و دو نیروی کاملاً متضاد در جمهوری اسلامی ایران. یکی از این دو نیرو خواستار در تلاش آن است که جامعه ایران را به دوران حاکمیت روابط اسارت‌آور گذشته، احیای سلطه سرمایه‌داری بزرگ وابسته و بزرگ‌مالکی و "مشروطیت بدون سلطنت" بازگرداند. نیروی دیگر یا نیروی پیرو خط امام، بالعکس خواستار و در تلاش آن است که روابط پیشین را بطور بنیادی دگرگون سازد، استقلال سیاسی را تحکیم کند، استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را تأمین نماید. مبارزه میان این دو نیرو در دوران پیش از پیروزی انقلاب آغاز شده و هر چند مراحل متعددی را پشت سرگذاشته است و نیروهای پیرو خط امام به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند، اما این مبارزه هنوز پایان نیافته، و تاریخی که پایان نیافته، مشاهده عملکردهایی در آن دست که "مرضیه - گ" در نامه خود بدانها اشاره کرده است، عملکردهایی که به زیان مصالح مردم و به زیان منافع انقلاب‌اند، "طبیعی" خواهند بود. وظیفه ما به عنوان یک انقلابی مسئول و آگاه، آن نیست که این عملکردهای منفی را نادیده بگیریم، ولی این هم نیست که این عملکردها را به پای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در مجموع خود بگذاریم، بلکه ما موظفیم که نیروها و خطوط معینی را که

اشعار رسیده

از بهروز خسروی شعر "اتحاد، مبارزه، پیروزی" به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران و از "فیروز، ن.م"، شعر "دربهار آزادی جای ... خالی"، که به محمدرضا سعادت و کسانی که "ناآگاهانه در خط امپریالیسم جهانی قرار گرفتند و جان خود را باختند" تقدیم شده است، از "م.ح.ج. شعر "بگذار تا بپهن"، از "م. طلع" شعر "وصیت شهید"، رسید. "شبنام" نیز شعری برای ما فرستاده است. از همه دوستان متشکریم.

مستقیم می‌ورزند. خلبانهای آمریکایی بمب‌های ناپالم، فسفری و ۳۰۰ کیلوگرمی به روی غیرنظامیان می‌افکنند.

آمریکایی‌های ساواکی پرور، چنانکه چند هفته پیش فاش شد، حتی در شکنجه مرگ انجام خردسالان السالوادوری شرکت می‌جویند. صدها تن از افسران و سران "خونتا" برای آموزش باصطلاح عملیات "ضد چریکی و تنبیهی" به ایالات متحده آمریکا اعزام می‌شوند. به گزارش "یو.پی.آی."، هم‌اکنون هزار السالوادوری در فورتن برک (کارولینای شمالی) و ۵۰۰ تن در فورتن بنینگ (جورجیا) آموزش می‌بینند. همین جندی پیش، دولت ریگان ۵۵ میلیون دلار برای خرید جنگ‌افزارهای بیشتر در اختیار "خونتا" گذاشت. بیش از ۳۰ درصد سلاح‌هایی که "واشینگتن" به کشورهای آمریکای لاتین می‌دهد، سر از سان سالوادور درمی‌آورد.

در حالیکه انقلابیون السالوادور چهارتن از افسران آمریکایی را در حین عملیات رزمی کشتند، ریگان با گستاخی خاص و نه دیگر شکفت‌انگیز خویش ادعا کرد: "ایالات متحده قصد آنرا ندارد که نفرت خود را در عملیات جنگی شرکت دهد" (!). از سوی دیگر والتر

از زبان خوانندگان

خسته نباشی وطن!

این شانه‌های توست
که بیکر خون حمل می‌کند
به زادگاه شهید

وطن!
این شانه‌های توست
که این همه مجروح را
می‌کشد به درد
خسته‌نباشی وطن!

شانه‌های تو را - قرن‌ها
به‌گاوا آهن خودیستند
خان‌ها

سربه‌بر نیابردی
دردش نهایت که پهنه عشق است
تخم سترون پاشید
ودر جام‌های جان جوانانت:
رهر.

اما،
خسته‌نباشی وطن!
بردشت‌های همیشه رزمت
روئید بس شقایق قرمز
و تیغ‌های درنده دشمن
رنکار از خون بست.

خسته‌نباشی وطن!
این چشمه‌های آب زلال توست
که عفونت آمریکارا - از کوی و کوچه‌ها
می‌برد به حجاب گنداب.

این،
از چشمه‌های توست
که از گورهای طاعون کودتا
در شور و زارها
ز رساقه‌های گندم و ذرت جوانه می‌رند

خسته‌نباشی وطن!
امروز - روز دیگر است و هنوز
پلک برهم نهاده‌ای
آتش به رویت گشوده‌اند
بمب بر سر تو می‌ریزند
برسینه‌ات گلوله می‌بارند

نیمی از جهان
بهروی تو شمبیر می‌کشد - هنوز
بایسته - مراح
ایستاده‌ای به پا!

ای وطن!
بر زخم‌های پیکرت
من قلب خویش می‌نهم به التیام
ما می‌دهیم دست به دست هم
ار برای پایداریات
ای وطن!

همت ایران‌زاد آبان ۵۶

استوپل، معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا، اعلام داشته است که:

"ایالات متحده آمریکا امکان مداخله (بخوان: تهاجم آشکار) را به السالوادور رد نمی‌کند".

مداخلات "واشینگتن" در السالوادور، که بخشی از دسیسه‌های براندازنه امپریالیسم آمریکا، در سراسر منطقه آمریکای مرکزی، کارائیب و آمریکای لاتین، بویژه علیه کوبا، نیکاراگوئه، گرنادا و غیره است، خشم جهانیان و حتی ناخشنودی برخی از متحدان آمریکا را نیز برانگیخته است. مضحکه "انتخاباتی" که ریگان و دوآرته برای اوایل فروردین تدارک دیده‌اند، چیزی جز "پوششی برای ترور و بی‌قانونی" و تلاشی جز برای اقدام به تغییراتی ناچیز در دکور صحنه سیاسی سان سالوادور نیست، که هدف از آن تنها فریب افکار عمومی جهان و مردم السالوادور است. اما جهانیان دیری است که برایتگونه ترفندهای بی‌سرانجام و خودفریب آگاهی‌یافته‌اند.

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

نامه سرگشاده

قانون دانش آموزان ایران

به مسئولین محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

نمایندگان مجلس شورای اسلامی

فرهنگیان متعهد، اولیاء دانش آموزان و دانش آموزان انقلابی میهنان!

مختلف کشور، روبروست. طبق اظهارات آقای وزیر آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی، آموزش و پرورش بیش از ۴۷ هزار معلم کم دارد، با احتساب معلم مورد نیاز برای جذب کلیه کودکان ۱۱-۶ ساله، که در خارج از مدارس به سر می برند، و کودکانی که در سال های آتی به سن تحصیل می رسند، و همچنین کمبود معلم در مناطق جنگ زده و تعداد معلمانی که به دلایل مختلف رها یا ناروا، پاکسازی شده اند، رقم کمبود معلم خلی بیش از رقم ۴۷ هزار نفر است.

متاسفانه اسامی با "پاکسازی های نابجائی که در سطح آموزش و پرورش انجام گرفت، بسیاری از دانش آموزان از معلم متخصص یا تجربه محروم ماندند. اگر چه اداره گزینش کوشش کرد، تا با استخدام معلم جدید، جای خالی معلم پاکسازی شده را پر کند، ولی به دلیل تازه کاری و عدم تجربه، معلمان جدید، که بسیاری از آنان تازه از دبیرستان فارغ التحصیل شده بودند، عملاً نتوانست جای معلمان با تجربه پاکسازی شده را پر کنند.

مشکل اقلیت های ملی

فرزندان خلقهای زحمتکش ایران، که در رژیم ستشماهی از حقوق ملی و فرهنگی محروم بوده اند، اکنون سه سال است که منتظرند، تا دولت جمهوری اسلامی ایران با رفع تبعیضات ملی، حق آموزش به زبان مادری را برای آنان به رسمیت شناسد، ولی متاسفانه این خواست برحق آنان هنوز برآورده نشده است.

جو سیاسی مدارس

بدنیال شکست توپخته "جبهه متحد ضد انقلاب" به رهبری بنی صدر خائن و فراری وهم کاری سران خائن "سازمان مجاهدین"، آموزش و پرورش فعالیت سیاسی را به کلی در مدارس ممنوع کرد و از دانش آموزان تعهدنامه های چندین ماده ای، و گاه همراه با "توبه نامه" گرفت. تعدادی از افراد نادم و سرخورده گروهک های ضد انقلابی هم جرات ادامه تحصیل نیافتند.

قانون دانش آموزان ایران از همان ابتدای سال تحصیلی اعلام داشت که دانش آموزان هوادار این گروه ها، نوجوانان ناگامی هستند که باید به وسیله مسئولین آموزش و پرورش ارشاد و راهنمایی شوند. اخراج یا تحت فشار قرار دادن این دانش آموزان، آنها را فقط به سوی ضداقلاب سوق خواهد داد.

متاسفانه مسئولین آموزش و پرورش جهت ارشاد و تربیت این دسته از نوجوانان و آشنا کردن آنان با اهداف انقلاب، نه تنها برنامه ای در دست نداشتند، بلکه با ممنوع کردن فعالیت سالم سیاسی در مدارس آنان را بیش از پیش از انقلاب دور کردند.

ممنوع کردن فعالیت سیاسی دانش آموزان حتی در چارچوب دفاع از جمهوری اسلامی ایران و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن و محدود کردن فعالیت دانش آموزان متعهد انقلابی زمینه فعالیت و تاخت و تاز را برای عناصری آماده کرد که می خواهند با ظاهر اسلامی، علیه انقلاب و به ضرر جمهوری اسلامی ایران در مدارس تبلیغ و فعالیت کنند؛ همان عناصری که می خواهند با اعمال انحصار طلبانه و قشری خود دانش آموزان را ناراضی و از انقلاب دل سرد نمایند. این عده کسانی هستند که دانش آموزان را به "جرم" های غیر معقول و بی پایه از مدارس اخراج کرده اند و میکنند.

بگیرد. از جمله در دوسره کردن و با تعیین وقت امتحانات، به ویژه امتحانات پایانی سال، وضع زندگی و کار این عده از دانش آموزان باید رعایت شود. تازمیننه ترک تحصیل دانش آموزان زحمت کش و محروم فراهم نگردد. (در اینجا باید یادآوری کنیم که بسیاری از دانش آموزان روستایی در فصل کاشت، باید به والدین خود کمک کنند.

به همین جهت آموزش و پرورش منطقه باید وقت امتحانات پایانی را طوری تنظیم کند که با وقت کاشت آن منطقه برخورد نداشته باشد.

برای رفع کمبود معلم، باید شبکه آموزش و تربیت معلم گسترش یابد و مسئله بازآموزی معلمان و آشناس کردن آنان با دستاوردهای جدید علمی و فنی مورد توجه قرار گیرد. در پاکسازی معلمان تجدید نظر بعمل آید و معلمان مومن به انقلاب، که ناروا پاکسازی شده اند، دوباره به کار فراخوانده شوند.

برای رفع ستم فرهنگی، در نواحی غیر فارسی زبان کشور، آموزش در سراسر دوره پنجم ساله ابتدائی با زبان مادری تدریس شود. از سال سوم ابتدائی آموزش زبان فارسی آغاز شود و بتدریج بسط یابد.

برای عشایر، که همواره در کوچند، مدرسه های سیار، مخصوصاً در سطح دوره ابتدائی گسترش یابد.

آموزش و پرورش برای تبدیل مدارس به کانون های تربیت و پرورش همه جانبه شخصیت دانش آموزان و آشناس کردن آنان با مسائل انقلاب، باید برنامه های تربیتی گسترده ای در مدارس تدارک ببیند.

فعالیت سیاسی دانش آموزان باید در چهار چوب دفاع از جمهوری اسلامی ایران و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن محترم شمرده شود.

برنامه سخنرانی های مدارس باید در خدمت انقلاب و منطبق با خط ضدا مپریالیستی و مردمی امام خمینی باشد. از سخنرانی سخنرانی که قصد دارند با طرح مسائل و شعارهای انحرافی هدف ها و آرمان های انقلاب را مخدوش سازند، جلوگیری شود.

طبق اصل ۲۶ قانون اساسی دانش آموزان حق داشته باشند که انجمن های صنفی خود را در مدارس تشکیل دهند.

طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی، مبنی بر تشکیل شورای آموزشگاه ها جهت اداره مدرسه به صورت شورایی، لازم است که شوراهای مدارس هر چه سریعتر تشکیل گردند و نمایندگان منتخب دانش آموزان در شوراهای مدارس شرکت داده شوند.

جهت تقویت روح همکاری و تعاون میان دانش آموزان و رفع احتیاجات روزمره غذایی و تحصیلی دانش آموزان، لازم است که مسئولین مدارس بویژه مسئولین امور تربیتی دانش آموزان را در تشکیل و گسترش تعاونی های مدارس یاری رسانند.

طبق اصل سوم قانون اساسی همه دانش آموزان حق تحصیل دارند. لذا هیچ دانش آموزی را نمیتوان از مدرسه اخراج و از تحصیل محروم کرد. در مورد دانش آموزان خطا کار باید روش ارشادی در پیش گرفت و به اخراج بی رویه دانش آموزان از مدارس باید پایان داد.

طبق بخشنامه صریح آموزش و پرورش به هیچ بهانه ای نباید دانش آموزان را تنبیه کرد. آموزش و پرورش جهت تربیت صحیح دانش آموزان لازم است که با گسترش برنامه های فوق برنامه و اتخاذ روش های تربیتی صحیح در دانش آموزان انضباط آگاهانه بوجود آورد و حسن مسئولیت و وظیفه شناسی، همکاری و... را در آنان تقویت کند.

در اینجا لازم است به ضرورت رابطه صحیح میان مدرسه و خانه از طریق گسترش انجمن های اولیاء و مربیان مدارس، توجه لازم مبذول شود.

ضرورت است که آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران برای آشنائی هر چه دقیقتر به مشکلات گسترده آموزش کشور و مسائل ویژه هر منطقه، در پایان سال تحصیلی سمیناری با شرکت نمایندگان معلمان دانش آموزان و مسئولین مدارس سراسر کشور ترتیب دهد و با جمع بندی مشکلات سال تحصیلی ۶۰ و ۶۰۰ پیشنهاد های دست اندر کاران و صاحب نظران، برنامه ای دقیق و جامع برای سال تحصیلی آینده تنظیم نماید.

وسرانجام وزارت آموزش و پرورش باید به کار اساسی خود، یعنی ارائه طرح نظام آموزشی جدید در جهت تحقق انقلاب آموزشی کشور بپردازد و این طرح را هر چه زودتر به تصویب برساند و به مرحله اجرا در آورد.

سرنوشت نسل نوجوان و جوان کنونی و آینده کشور تا حد و ذراتی با اهداف انست که نظام آموزشی کشور منطبق با اهداف انقلاب بزرگ اسلامی ضدا مپریالیستی و مردمی ایران استقرار یابد، باتمام نیرو در راه تحقق این وظیفه بزرگ انقلابی بکوشیم.

کانون دانش آموزان ایران
۱۳۶۰/۱۲/۲۰

در طول ۶ ماه گذشته، مسئولین آموزش و پرورش نه تنها برای ارشاد و راهنمایی دانش آموزان و آشناس کردن آنان با اهداف انقلاب، شناخت تجربیات جنبشهای آزادی بخش جهان، شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران، فرهنگ ملل دیگر و... برنامه ای نداشته اند، بلکه متاسفانه اجازه دادند، تا سخنرانانی که غالباً ناشناس بودند، به مدارس می آیند و با طرح مسائل و شعارهای انحرافی، دشمن اصلی - آمریکای جنایتکار را از یاد دانش آموزان ببردند و توجه آنان را به مسائل فرعی و انحرافی و دشمنان نوهم جلب نمایند.

روشهای خشونت آمیز بجای روش جهانی تربیتی نوین

از آنجاکه نظام آموزشی گذشته هنوز دست نخورده بجای مانده است، نمی توان انتظار داشت که به یکباره یک سیستم تربیتی و پرورشی نوین جایگزین روش های تربیتی منسوخ گذشته شود. اما به هر حال لازم است که آموزش و پرورش قدم های ابتدائی را در این زمینه بردارد.

خوشبختانه سال گذشته آموزش و پرورش طی بخشنامه ای، تنبیه بدنی را به کلی ممنوع کرد اما دیده شده است که امسال در بعضی از دبستان ها و مدارس راهنمایی دانش آموزان به شدیدترین شکلی تنبیه بدنی می شوند. علاوه بر این، موارد بسیاری دیده شده، که دانش آموزان با کمترین خطائی از مدارس اخراج می شوند. چنین روش های خشونت آمیز و غیر منطقی که در عین حال ضد تربیتی و غیر انسانی نیز هست، نه تنها در دانش آموزان نظم و انضباط ایجاد نکرده و نمی کند، بلکه آنان را بیشتر به سوی رفتار غیر اخلاقی - منتها در پنهان - سوق داده و می دهد.

مشکلات دیگر

در سال تحصیلی جاری دانش آموزان با مشکلات متعددی روبرو می شوند: کمبود وسایل و امکانات ورزشی، تغییر نکردن کامل محتوی کتاب های درسی، تشکیل نشدن شوراهای مدارس و تعاونی ها، محدود بودن فعالیت های فوق برنامه و... روبرو بودند. اکثر هنرستان های کشور هیچ گونه ارتباطی با "جبهه سازندگی" و "پیا مرکز تولیدی نداشتند. خواست مکرر و اعلام آمادگی هنر جوانان جهت کار برای جبهه های جنگ، کمک در کارهای عمرانی و سازندگی کشور و ارتباط سازندگی با کارخانه ها و مراکز صنعتی و... مسکوت گذاشته شد.

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

قصد ما از طرح مشکلات، ناراضی ها و اشتباهات موجود در آموزش و پرورش کشور، خرد گیری و اشکال تراشی نیست، بلکه ما خواهان آنیم تا با توجه جدی به مشکلات، ناراضی ها و اشتباهات موجود، در برطرف کردن آنها و به ویژه در برقراری یک نظام نوین آموزشی منطبق با اهداف انقلاب، گام های اساسی برداشته شود.

آموزش و پرورش باید به سود فرزندانش محرومان شهر و روستا تعمیم و گسترش یابد و امکانات ۸ سال تحصیل اجباری برای همه کودکان و نوجوانان کشور فراهم گردد.

کودکان و نوجوانانی که به دلیل نداشتن امکانات مالی مجبور به ترک تحصیل می شوند، کمک هزینه تحصیل داده شود. آموزش و پرورش در طرح ها و برنامه های خود باید شرایط و امکانات دانش آموزان زحمتکش را حتما در نظر

امروز یکی از حیاتی ترین مسائلی که جامعه انقلابی ایران با آن روبروست، مسئله استقرار نظام آموزشی نوینی است، که منطبق با هدف های انقلاب و برخاسته از متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد. به همین دلیل برای مردم انقلابی و زحمتکش میهنان این سؤال بسیار مهم مطرح است که آموزش و پرورش در جهت رفع ناراضی های عده ای آموزش و پرورش از همه، در ارائه طرح سیستم آموزش و پرورش جدید، چه اقدامات مشخصی انجام داده است؟
نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تا کنون بارها از وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران درباره وضع آموزش و پرورش و برنامه های آن سؤال کرده اند، اما متاسفانه هنوز جواب قانع کننده ای دریافت نکرده اند.

برجای ماندن نظام آموزشی گذشته، نداشتن برنامه مشخص و صحیح، برای پیاده کردن نظام آموزشی نوین، همراه با نداشتن کاری ها و اشتباهات برخی افراد ناگام و یا غرض در کار آموزش کشور، به ویژه در سال تحصیلی ۶۰-۶۰ که اکثر فرهنگیان متعهد و علاقمند، دانش آموزان و اولیاء آنها را نسبت به آینده نظام آموزشی کشور نگران ساخته است. لذا ضرورت دیدیم، تا اینک که بخش اعظم سال تحصیلی نیز به پایان رسیده است، با ارزیابی مشکلات ۶ ماه گذشته، خواهان رسیدگی فوری به وضع آموزش کشور شویم.

بسیاری از مشکلاتی که در آموزش و پرورش با آن روبرو هستیم، ناشی از نظام پیوسته آموزشی گذشته است، که متاسفانه امروز نیز همچنان برجای باقی مانده و علیرغم وعده های مکرر آقای وزیر آموزش و پرورش مبنی بر تهیه طرح نظام جدید آموزشی، طبق اظهارات آقای دکتر قائمی رئیس کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی هنوز طرحی در این زمینه به مجلس ارائه نشده است.

پس از گذشت سه سال از انقلاب شکوهمندمان، هنوز در جمهوری اسلامی ایران حدود ۳۰ درصد سواد کودکان (پسر و دختر) و ۵۹ درصد دختران، در سنین ۱۱-۶ سالگی، به مدرسه نمی روند. از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر روستائی تنها ۵۷ نفر میتوانند به مدرسه راه یابند. آموزش و پرورش نه تنها تاکنون قدمی در جهت جذب این عده از کودکان زحمتکش به مدرسه برنداشته است، بلکه با بسته شدن بسیاری از مدارس روستاهای دور افتاده (به دلیل نداشتن معلم) و بیا پسرانه کردن مدارس مختلط روستاهای، مشکل دوری راه، کم بود وسایل نقلیه برای دانش آموزان روستایی که قصد تحصیل در شهرهای نزدیک را دارند، و دهها مشکل دیگر، تعداد زیادی از دانش آموزان مجبور به ترک تحصیل شده اند. همچنین دوسره کردن برخی مدارس، که خود ناشی از فقدان برنامه ریزی و نداشتن گاری و در نظر نگرفتن شرایط امکانات تحصیلی مناطق مختلف کشور است، سبب شده بسیاری از دانش آموزان روستایی، به ویژه دختران در مناطقی چون روستاهای گیلان، مازندران، باختران، آذربایجان و... به ناچار مدرسه را ترک گویند.

علاوه بر همه این موانع، مشکلات ناشی از جنگ تجار و کارخانه آمریکائی - صدامی، که موجب ویرانی بسیاری از مدارس در خوزستان و غرب کشور شده است و همچنین تعطیل بودن اکثر مدارس روستاهای کردستان (حدود دوسال ونیم)، منجر به آن شده است که به خیل کودکان و نوجوانان خارج از مدرسه، بیش از پیش افزوده شود.

متاسفانه آموزش و پرورش بجای فراهم کردن امکانات تحصیلی برای این عده از دانش آموزان محروم و با آن میان برداشتن مشکلات تحصیلی مدارس کشور، در سال تحصیلی جاری اعلام کرد که قصد دارد جهت یکسان کردن سطح آموزشی مدارس و بالا بردن کیفیت آموزشی، آزمون مدارس راهمزمان و به صورت ناحیه ای و منطقه ای برگزار کند این تصمیم نیز، که با اعتراض وسیع دانش آموزان و برخی از معلمان روبرو شد، بازناشی از نداشتن برنامه ای جامع و مشخص و در نظر نگرفتن امکانات واقعاً موجود آموزشی مدارس است. بدون شک تا زمانی که امکانات آموزشی مدارس یکسان نباشد مدارس روستاها به اندازه کافی معلم نداشته باشند، دانش آموزان دبیرستانی در درس تخصصی خود فاقد معلم با تجربه باشند، کتاب های درسی به موقع به دست دانش آموزان نرسد، و دهها مشکل دیگر، مسئله ناحیه ای و همزمان کردن آزمون تنها ظاهر قضیه است و نمی تواند به تنهایی سطح آموزشی مدارس را یکسان سازد. تجدیدی شدن بسیاری از دانش آموزان در اکثر مدارس، به ویژه در دبیرستان ها، در امتحانات ثلث اول نشانگر وضع وخیم آموزشی مدارس کشور است.

کمبود معلم

در حال حاضر آموزش و پرورش با کمبود جدی معلم در سطوح مختلف آموزشی و در مناطق

عید را با خانواده شهیدان

بامجروحان

و آوارگان جنگ برگزار کنیم

سال نو، درخون شهیدان طالع میشود. بادهای بهاری بر هزاران شقایق سوخته- این قامت های بلندپهلوانی- میگذرند و بر خاک عطر آگین برکت و زندگی می پاشند.

در همان دم که آفتاب مهربان بر شاخساران جوانه می دواند و در باغ ها عطر بهار نارنج جاری می شود، شهیدان دیگری بر خاک می افتند. امسال گل های سرخ میهن مادر چه بهار می شود. در آستانه بهار، در خوزستان قهرمان، دشت دردشت از خون جوانان وطن لاله دمیده است. و از این لاله زار است که سرود فتح بر می خیزد و به خلق قهرمان فرمان نبرد سترگ بادشمن غدار می دهد. و این ادامه راه است. راهی که بر خاک گلگون آن لاله هارسته است.

در سالی که رفت، در سه سالی که گذشت، هر گامی بسوی فتح، در لاله زار جوانان وطن، چه لاله های تازه که ننشاند.

انقلاب از هیچ پیچ و گردنه نگذشت، بی آنکه راه را خون بهترین فرزندان خلق هموار کرده باشد.

و سال نوهنگامی بر میهن مایا میگذارد، که شهیدان در جبهه های جنگ راه پیروزی را بازمی کنند. از این سوست که سال نو، بهار نو، بانام شهیدان رقم خورده است.

این عید شهیدان است که در راه است.

این بهار شقایق های پرپر است که میرسد.

شهیدانی که از صفوف مقدم جبهه تا کوه و بیس کوه های آمل، از کرخه نور تا عسرت آباد تهران، از بلندی های الله اکبر تا کوه های سیستان و بلوچستان، در جوب بوجب ایران پهناور بر خاک افتادند، تا پرچم انقلاب برافراشته بماند.

و این قافله، در بیمارستان هادرخانه ها، در کوی و برزن، هزاران رهرو دارد، که تا آستانه مرگ رفتند و بی دست و پا، مجروح و در هم کوبیده، بی چشم و خونین بازگشتند. اینان، مجروحان و مصدومان، شهیدان زنده انقلابند، که با غرور و افتخار در میان مادر زخمی دشمن و دلاوری خلق رافریاد می کنند.

این انقلاب، انقلاب شهیدان است.

این نوروز عید شهیدان است.

و چنین است که امسال هر سفره عیدی بانام شهیدان بازمی شود. هر لاله ای با درود بر شهیدان قهرمان بر بساط عید می نشیند.

اگر لبخندی هست، به لبخند فرزندان، همسران، پدران و مادران شهیدان پیوند می خورد.

شادی اگر هست، در خانه شهیدان انقلاب به مهمانی خواهد رفت.

شقایقی اگر هست، بر سفره شهیدان می سوزد.

دستی به مهربانی که هست، دست مجروحان و مصدومان جنگ را می فشارد. دیداری که هست، پیش از همه از شهیدان زنده انقلاب است.

دیدوبازدید نوروز امسال از خانه آوارگان جنگ، از اردوگاه های جنگ زدگان آغاز میشود. آن شیرزن که خانه اش را بمب آمریکائی ویران کرد، دخترکش بخون کشیده شد، شویش در جبهه جان باخت، اکنون در سفره هفت سین مهمانانی خواهد داشت که آنها را هرگز ندیده، اما می شناسدشان. اینان مردم قهرمان ایرانند، که عید خود را به خانه آورده اند.

آن پیر مرد عرب که بر سفره عید خود عکس ۷ شهید را همه فرزندان اش را که در بیمارستان دزفول قربانی جنایت صدام شدند- می نشاند، نوروز امسال تنها نخواهد ماند.

مردم قهرمان ایران عید امسال خود را با عزیزان شهیدان، بامجروحان جنگ و آوارگان جنگ برگزار خواهند کرد.

یادمان باشد! عید امسال، نوروز شهیدان و مجروحان انقلاب، عید آوارگان جنگ است. یاد و نامشان را گرامی بداریم. عیدمان را به خانه و کاشانه آنها ببریم.

در هفته ۸

توجه

شماره آینده هفته نامه "اتحاد مردم" تعطیلات نوروزی در نهم فروردین ماه ۱۳۶۱ منتشر خواهد شد.

خوانندگان محترم و نمایندگان

فروش هفته نامه "اتحاد مردم" خواهشمند است بهای نسخه های هفته نامه "اتحاد مردم" و کمک های نقدی خود را طی حواله های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آزادی شهر به نام محمود اعتمادزاده واریز و فتوکپی قبض آن را به نشانی: تهران منطقه پستی ۱۳، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷ ارسال فرمایند. با درود و سپاس

دولتی کردن بازرگانی خارجی به مجلس بیاید و پس از نوروز کلیات آن به تصویب برسد.

که به قیمت فشار بر مردم به جنایات اقتصادی خود ادامه می دهند. این افراد باید بدانند که سیاست دولت در جهت محو این جنایات است. (صبح آزادگان - ۱۷ اسفند ۱۳۶۰)

بازرگانی خارجی چه شد؟

قدم اول و اساسی در جهت محو "جنایات اقتصادی" تصویب و اجرای لایحه بازرگانی خارجی است، که در شور اول کلیات آن هم در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. در آغاز هفته گذشته - شنبه ۱۵ اسفند - معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی اعلام کرد. "لایحه دولتی شدن تجارت خارجی از کمیسیون ویژه گذشته و در چند روز آینده برای شور دوم در مجلس مطرح خواهد شد." (کیهان - ۱۵ اسفند)

متأسفانه این وعده هفته گذشته عملی نشد. امید است این هفته لایحه

درباره مسئله

هنر و آموزش

به تصور ما، باید ضابطه و محور کار را بر پایه هنر مردمی و ضدفرهنگی، هنر مترقی و هنر ارتجاعی قرار داد. از گنجینه هنر گذشته ایران، به دلیل ارزش بزرگ تاریخی آن، پاسداری کرد. آقای مهندس حجت در ضمن صحبت های خود اشاره کرد که:

"یکی از جذابترین، گیراترین و گسترده ترین وسایلی که امکان استفاده مفید و موثر از آن در جهت تبلیغ و ارشاد وجود دارد، هنرها هستند و به همین علت جمهوری اسلامی ایران باید به بهره گیری از بیشترین امکانات هنری هنرمندان متعهد، در این جهت اقدامات اساسی انجام دهد. البته تا کنون کارهایی، در این زمینه انجام شده، ولی مسلماً کافی نبوده است."

واقعت این است که در طول نزدیک به سه سال که از انقلاب می گذرد، هنوز آن توجه جدی که شایسته جمهوری اسلامی ایران است، به هنر و هنرمندان نشده است. میتوان گفت که به طور عمده هنر بعد از انقلاب روندی خود پویه داشته و حاصل کار هنرمندان مردمی و انقلابی در زمینه های مختلف، مانند نقاشی، موسیقی و تئاتر، آنطور که باید، امکان جلوه گیری نیافته است.

مسئولین جمهوری اسلامی ایران بارها به اهمیت کار هنرمندان اشاره کرده اند. چند ماه پیش حجت الاسلام خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی ایران طی فراخوانی از هنرمندان، دعوت کرد، تا هنر و قلم خود را در سمت پیشبرد امر انقلاب به کار اندازند.

آقای عباس وکیل، از مسئولین بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان، نیز اخیراً طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان (کیهان ۱۸ آبان ۱۳۶۰) به مسائلی اشاره کرد که بجاست مورد توجه مسئولین فرهنگی کشور مقرر کرد. آقای وکیل از جمله گفت:

چندی پیش مهندس حجت، سرپرست "کمیته هنر ستاد انقلاب فرهنگی"، در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد مسائل مربوط به بازگشایی رشته های هنری دانشگاه و درباره برخی اهداف آینده در این زمینه، توضیحاتی داد. (کیهان ۱۵ دی ماه ۱۳۶۰)

آقای مهندس حجت در مورد درس هنری، که در آینده تدریس خواهند شد، گفت:

"این درس باید نگاه دقیق بر روی هنرهای اسلامی گذشته مانتودین خواهد شد، و این به جهت دستیابی به یک استقلال فرهنگی و بازگشت به هنر-های اصیل و سنی اسلامی است."

آن چهار سخنان آقای مهندس حجت میتوان دریافت، دو چیز است: نخست توجه عمده به هنر اصیل اسلامی در عرصه آموزش و سایر عرصه ها، و دوم سمت گیری در جهت کسب استقلال فرهنگی و گسستن از فرهنگ طاغوتی و امپریالیستی.

در آنچه که مربوط به بخش دوم است، باید گفت که این یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی ضد-امپریالیستی و مردمی ماست، و لذا بدون تردید مورد تأکید مانیست.

اما در مورد بخش اول باید گفت که، در تاریخ هنر معمولاً آثار هنری همه کشورهای اسلامی را "هنر اسلامی" نامیده اند و بدین معنی، تمام جریانات هنری علی العموم در این مفهوم وارد میشود و بر این اساس هر ارزشی است.

ولی اگر مقصد جدا کردن بخشی از هنر سنتی از "هنر غیر اسلامی" است، این کار بخودی خود نادرست است و در نهایت به ضرر دستاوردهای فرهنگی ما در گذشته و حال خواهد بود، علاوه بر آنکه، چنین جداسازی در عمل شدنی نیست، زیرا اسلام، به مثابه اندیشه مسلط، در تمام اجزاء و مسامات هنر سنتی ما رخنه و تجلی دارد.

اگر قرار باشد که در زمینه آموزشی (و احتمالاً سایر زمینه ها) بخش عظیمی از هنر ایران را، به صرف اینکه مربوط به "هنر اسلامی" (به معنای محدود این کلمه) نیستند، کنار گذارد یا نسبت به آن بی اعتنائی کرد، در این صورت به امر تکامل هنر در میهن ما لطمه جبران ناپذیری وارد خواهد شد.

موضع گیری ضد امپریالیستی و ضد

صهیونیستی ایران و سوریه یکسان است

یک هیئت چهل نفری از مقامات بلند پایه اقتصادی و سیاسی کشور برادر سوریه به سرپرستی عبدالحلیم خدام معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور، روز شنبه وارد تهران شد. تا با مقامات جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل سیاسی، اقتصادی و بازرگانی میان دو کشور به گفتگو بپردازد.

عبدالحلیم خدام پس از ورود با رئیس جمهور خامنه ای دیدار و گفتگو کرد و پیام حافظ اسد را همراه با گرم ترین درودهای رئیس جمهوری عربی سوریه و ملت سوریه برای مقامات جمهوری اسلامی ایران به ایشان ابلاغ کرد.

عبدالحلیم خدام پس از این دیدار گفت که موضع گیری مشترک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و همه مسائل مورد علاقه دو کشور سوریه و ایران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. وی تأکید کرد که در مورد مسائل مطروحه نقطه نظرهای ایران و سوریه یکسان بود.

ما ورود هیئت نمایندگی سوریه به ریاست عبدالحلیم خدام را به ایران انقلابی صمیمانه تهنیت می گوئیم و موفقیت کامل مذاکرات ایران و سوریه را در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و بازرگانی آرزو مندیم.

می رود زمستان

برخیز که می رود زمستان
بگشای در سزای بستان.

نارنج و بنفشه بر طبق نه
منقل بگذار در شبستان.

وین پرده بگوی تا به یکبار
زحمت ببرد زبیش یوان.

برخیز که با دصبح نوروز
در با عجمی کند گل افشان.

خاموشی بلبلان مشتاق
در موسم گل ندارد امکان.

آواز دهل نماند
در زیر گلیم و عشق پنهان.

بوی گل با ماد نوروز
و آواز خوش هزار دستان.

بس جامه فروختست و دستار
بس خانه که سوختست و دکان.

مارا سردوست بر کنارست
آنک سر دشمنان و سندان.

چشمی که به دوست بر کند دوست
بر هم نهند ز تیر باران.

سعدی چو به میوه می رسد دست
سهلست جفای بوستانیان.

سعدی

تاسرابرده گل

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد.
عالم بپیر دگر بار همچون خواهد شد.

از غوان جام عقیقی به سمن خواهد داد.
چشم ترگی به شقایق نگران خواهد شد.

این تپاول که کشید از غم هجران بلبل
تاسرابرده گل نعره زنان خواهد شد.

گل عزیزست غنیمت شمریدش صحبت
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد.

مطربا مجلس انسا است غزل خوان و سرود
چند گوئی که چنین رفت و چنان خواهد شد.

"حافظ" از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود
قدمی به بودا عشق کبروان خواهد شد.

حافظ

شاخ گل سرخ را...

دی شد و بهمن گذشت، فصل بهاران رسید
جلوه گلشن به باغ همچون نگاران رسید.

زحمت سرما و دود رفت به کور و کبود
شاخ گل سرخ را وقت نتاران رسید.

باغ ز سرما بگاست، شد ز خدا دادخواست
لطف خدا یار شد، دولت یاران رسید.

طالب و مطلوب را، عاشق و معشوق را
همچو گل خوش کنار وقت کناران رسید.

حمله صحرا و دشت بپوشکوفت و کشت
خوف نتاران گذشت، مشک نتاران رسید.

هر چه بمرند پار حشر شدند از بهار
آمده میر شکار صید شکاران رسید.

آن گل شیرین لقا شکر کند از خدا
بلبل سرمست مابهر خماران رسید.

مولوی

طرف سپیدرود

هنگام فرو دین که رساند ز ما درود
بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود.

کز سبزه و بنفشه و گل های رنگ رنگ
گوئی بهشت آمده از آسمان فرود.

دریا بنفش و مرز بنفش و هوا بنفشش
جنگل کبود و دشت کبود و افق کبود.

جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند.
وین جایگه بنفشه به خرمین توان درود.

کوه از درخت گوئی مودی مبارز است
پره های گونه گون زده چون جنگیان به خود.

چون لوح آزمونه که نقاش چرب دست
الوان گونه گون را بروی بیازمود.

آزاده را رسد که به ساید به ابر سر
آزادین ازینرو تارک به ابر سود.

از تیغ کوه تالب دریا کشیده اند
فرشی کش از بنفشه و سبزه است تاروپود.

آن بیشه ها که دست طبیعت به خار سنگ
گلها نشانده بی مدد باغبان و کود.

ساری نشید خواند بر شاخه بلند
بلبل به شاخ کوتاه خوانده می سرود.

آن از فراز منبر هر پرشی کند
این یک زبای منبر پاسخ دهدش زود.

بنگر بدان درخش کز ابر کبود فام
برجست و روی ابر به ناخن همی شخود.

چون کودکی صغیر که باخامه طلا
کز مژ خطی کشد به یکی صفحه کبود.

بنگر یکی به رود خروشان به وقت آنک
در پای پی پذیره اش آغوش برگشود.

چون طفل ناشکیب خروشان زیاد مام
کاینک بیافت مام و در آغوش او غنود.

قسمتی از قصیده بهار

شاد باش

بانگ خروس از سزای دوست بر آمد.
خیز و صفا کن که زده سحر آمد.
چشم تو روشن
باغ تو آباد
دست مریزاد
همت حافظ به همراه تو، که آخر
دست به کاری زدی و غصه سر آمد.

بخت تو برخاست
صبح تو خندید
از نفست تازه گشت آتش امید
و که به زندان ظلمت شب پیدا
نور ز خورشید خواستی و بر آمد.

گل به کنارست
با ده به کارست
گلشن و کاشانه بپوشور بهارست
بلبل عاشق بخوان به کام دل خویش
باغ تو شد سبز و سرخ گل به بر آمد.

جام تو پر نوش
کام تو شیرین
روز تو خوش باد
کز پس آن روزگار تلختر از زهر
بار دگر روزگار چون شکر آمد.

رزم تو بپروز
بزم تو بپروز
جام به جام تومی زرم ز ره دور
شادی آن صبح رزو که ببینیم
بوم ازین بام رفت و خوش خبر آمد.

ه.ا.سایه

آمد بهاران

عاشقا اخیز کاند بهاران
چشمه کوچک از کوه جوشید
گل به صحرا در آمد جو آتش
رود تیره چو توفان خویشید
دشت از گل شده هفت رنگ.

آن پرده بی لانه سازی
بر سر شاخها می سراید
خار و خاشاک دارد به منقار
شاخه سبز هر لحظه زاید
بجگانی همه خرد زوید.

آفتاب طلای بتا بید
بر سر زاله صبحگاهی
زاله ها داند اندر خشنود
همچو الما سودر آب ماهی
بر سر موجها زد مطلق.

شکوهها را بنه خیزد بنگر
که گویند زمستان سر آمد
جنگل ز کوه در رستخیز است
چهره از تیره برون در آمد
عالم از تیره بگشاد چون برق خندید.

توده برف بشکافت از هم
قله کوه شد یکسر ابلق
مرد چوپان در آمد ز دخمه
خنده زد شادمان و موفق
که دگر وقت سبزه چرانی است.

قسمتی از افسانه نیمایوشیچ

سال آرزوهای

بزرگ و امیدهای

خجسته

بهار می آید
عمون روز در راه است
در کوله بارش امسال
برای زن شالیکار
برای دختر قالیباف
برای مردم ایران
عشق و امید آورده است

بهار می آید
وسال، باز هم سال کار و پیکار
سال، سال تشییع جنازه شیطان بزرگ امریکاست
سال، سال درود بر خمینی

سال، سال مرگ بر امریکاست
بهار می آید
وسال، سال آرزوهای بزرگ
سال، سال امیدهای خجسته است:

جغد شوم جنگ خواهد مرد.
کارگر، با پتک خویش راه فتح خواهد رفت.
دهقان، بر زمین خویش نان و شقایق خواهد کشت
سفره ها پرنان خواهد شد.
فقرا از دیار ما کوچ خواهد کرد.
سند دست پینه بسته دهقان خواهد بود.
گورسرمایه دار و مالک غارتگر خواهد شد.

بهار می آید
وسال، باز هم سال کار و پیکار است.
نبرد افزایر بگیریم.
بر فلات و کوه و آرزهای عشق جاری میشود، امسال
دشمن غدار را با خون خویش خواهیم روفت.
هموطن!

دستت راهه دستان. عاشقم بسپار
راه سخت، اما فتح نزدیک است
ایران ما آباد و آزاد خواهد شد.
سال تو، سال امید، سال فتح خواهد بود.